

کنگره ملی بزرگداشت میرزا کوچک خان جنگلی

۱۱ آذر برگزار می شود

\*مراسم یاد بود این مبارز خستگی ناپذیر در ۲۰۰ دانشگاه کشور برگزار خواهد شد

\* بنای یادمان میرزا کوچک جنگلی، فروردین سال آینده در رشت رونمایی خواهد شد

صفحه ۲

سه شنبه ۷ آذر ۱۳۹۱ - ۱۲ محرم ۱۴۳۴ - ۲۷ نوامبر ۲۰۱۲ - شماره ۲۵۴۶۵ - صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه - ۲۰۰ تومان

وزیر صنعت، معدن و تجارت:

# قیمت ارز بر اساس نرخ مبادله ای یکسان سازی می شود



حرکت کاروان حامل ضریح مطهر امام حسین<sup>(ع)</sup> از قم به تهران

صفحه ۱۳

\*نرخ ارز مرجع تغییر نمی کند

\*رئیس کل بانک مرکزی: برای صادرکنندگانی که ارز خود را در مرکز مبادلات عرضه کنند، معافیت های مالیاتی و حقوق ورودی گمرکی در نظر گرفته می شود

\*تمام تلاش ما همسان سازی قیمت ارز در بازار آزاد

و سیستم بانکی است

\*سختگوی مرکز مبادلات: هیچ محدودیتی در مورد تحویل

ارز دانشگاهیان غیر بورسیه وجود ندارد

\*مصابیحی مقدم رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس:

انکابه صادرات نفت در بودجه ۹۲ کاهش می یابد

\*دولت در نظر دارد میزان انکای بودجه ۹۲ به صادرات نفت

را به یک میلیون بشکده در روز کاهش دهد

\*تحریم نفتی را فرصتی برای قطع نفت یا کاهش آن

تلقی می کنیم

\* ۴۰ درصد در آمد حاصل از صادرات نفت به خزانه واریز

نشده و جزو بودجه دولت محسوب نمی شود

دولت به دنبال این است که نرخ

ارز مرکز مبادله به تدریج نرخ جاری

ارز در کشور شود.

به گزارش ایسنا، مهدی غضنفری

وزیر صنعت، معدن و تجارت تاکید

کرد: یکی از مراکز که باید در این

زمینه وارد عمل می شد، گمرک بود

بقیه در صفحه ۴

پایان آتش

گاور و میانه و ریخته ها

گزارش

اعزام دانشجوی

مراقب غیر مجازها

باشید!

صفحه ۵

اسراف

غزه و طرح ها

سید محی الدین ساجدی

صفحه ۲

فتح الله آملی

صفحه ۲

فراخوان ارزیابی کیفی مشاوران

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در نظر دارد جهت انجام مطالعات مرحله اول و دوم مراکز فرهنگی و هنری، طبق مشخصات ذیل مشاوران ذیصلاح را انتخاب نماید. لذا از شرکت های متقاضی دعوت به عمل می آورد که از تاریخ درج آگهی لغایت حداکثر یک هفته نسبت به دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی مشاوران مراجعه نمایند. شایان ذکر است مشاوران می بایست حداکثر دو هفته پس از آخرین مهلت دریافت اسناد نسبت به تکمیل نمودن و بازگرداندن آنها اقدام نمایند:

- ۱- کارفرما: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۲- موضوع: انتخاب مشاور جهت انجام مطالعات مرحله اول و دوم مراکز فرهنگی و هنری شامل تالارهای موسیقی و نمایش، موزه هنرهای معاصر، کتابخانه و سایر مجتمع های فرهنگی و هنری
- ۳- محل اجرای پروژه: در سراسر کشور
- ۴- تخصص و رتبه مناسب شرکت: پایه یک ساختمان های آموزشی، ورزشی، بهداشتی و درمانی
- ۵- نشانی محل دریافت و تحویل اسناد (با معرفی نامه رسمی از شرکت): تهران- میدان بهارستان- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی- طبقه چهارم- دفتر طرح های عمرانی

آگهی دعوت به ارزیابی کیفی فراخوان عمومی نخست مناقصه شماره ۱-۳۱-۹۱



وزارت راه و شهرسازی  
شرکت راه آهن جمهوری اسلامی ایران (سهایی خاص)

شرکت راه آهن ج.ا.ا در نظر دارد بنابر آئین نامه اجرایی بندج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات نسبت به ارزیابی کیفی پیمانکاران واجد شرایط جهت دعوت به مناقصه به شرح زیر اقدام نماید.

- ۱- شرح مختصر موضوع مناقصه: احداث زیرسازای خط دوم مسیر اردکان - ارزنگ حد فاصل کیلومتر ۰۰۰ الی ۶+۳۰۰ و انجام عملیات تکمیلی واریانت اردکان - ارزنگ
- ۲- بر آورد انجام کار: مبلغ (۴۵۰/۴۰۴/۲۷) ریال
- ۳- مدت و محل اجرا: مدت اجرا ۱۲ ماه بوده و محل اجراء طبق اسناد مناقصه می باشد.
- ۴- مهلت و محل دریافت اسناد ارزیابی کیفی: متقاضیان می توانند حداکثر تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۹۱/۹/۱۳ بادر دست داشتن معرفی نامه کتبی جهت دریافت اسناد ارزیابی به نشانی: تهران، بالاتر از میدان آرژانتین ابتدای بلور آفریقا، ساختمان مرکزی راه آهن، طبقه دوم شرقی، اداره کل تدارکات، اداره امور قراردادها مراجعه نمایند.

۳۷۴۵ م الف

قابل توجه فرهنگدوستان

از سایت فروشگاه اینترنتی انتشارات اطلاعات بازدید کنید. بایستون به سایت فروشگاه اینترنتی انتشارات اطلاعات کتاب مورد علاقه خود را تهیه نمایید. [www.ketabtelataa.com](http://www.ketabtelataa.com) واحد اطلاع رسانی انتشارات اطلاعات

روزنامه اطلاعات سال ۱۳۴۴

در ۱۲ DVD

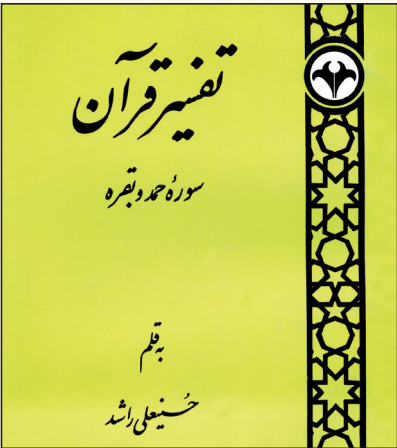
منتشر شد



فراخوان شناسایی توزیع کنندگان شرکت خدمات ارتباطی رایتل

رجوع به صفحه ۱۸

انتشارات اطلاعات منتشر کرد:



تفسیر قرآن

(سوره حمد و بقره)

به قلم مرحوم حسینعلی راشد

قطع وزیری، ۱۶۷ صفحه، چاپ چهارم: ۱۱۰۰ تومان

«تفسیر، یعنی کشف قناع و پس زدن پرده تا آنچه که بر آدمی پنهان است روشن گردد؛ یعنی بیان کردن مراد از قرآن و پس زدن پرده از روی معنای آن.» کتاب تفسیر قرآن (سوره حمد و بقره) با عبارت بالا آغاز می شود و نگارنده سعی تمام دارد به زبان ساده و روان این دو سوره را توضیح دهد و تفسیر کند به گونه ای که برای همگان قابل درک و فهم باشد.

در تفسیر حمد می خوانیم: «در اول سوره خضوع و خشوع از هر کس در مقابل هر نعمتی را مخصوص به خود می کند؛ چرا این جور قرار داد؟ یکی از جهت بالا بردن مردم در امور نظری و دیگر در مقام عمل که مردم از آثار موجودات متعجب و در برابر خداوند تسلیم می شوند. در علم کلام معین کرده اند که آمدن پیغمبر، یکی برای نظم معاش مردم است و دیگر برای نجات مردم در معاد؛ این دو هدف تنها برای این منظور است که مردم در عقیده و عمل موحد شوند. هم به یکی عقیده مند باشند و هم جزی یکی را نپرسند.»

\* فروشگاه مرکزی: تهران بزرگراه حقانی، درویشی استگاه نرو، ساختمان روزنامه اطلاعات، تلفن: ۲۹۹۹۶۶۸  
\* تهران خیابان انقلاب اسلامی، رویروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۶۰۷۳۲  
\* فروشگاه شماره (۱) تهران خیابان اطلاعات در سراسر کشور، تلفن توزیع و فروش: ۲۹۹۹۳۳۲۲  
\* نمایندگی های روزنامه اطلاعات در سراسر کشور، تلفن ۲۹۹۹۳۳۵۵ تماس حاصل فرمایید.  
\* برای خرید پستی در سراسر کشور با تلفن ۲۹۹۹۳۳۵۵ تماس حاصل فرمایید.  
\* آدرس سایت فروشگاه اینترنتی: [www.ketabtelataa.com](http://www.ketabtelataa.com)

استعفای وزیر جنگ رژیم صهیونیستی، اولین پیامد

پیروزی مقاومت در غزه

\*شائول موفاز رهبر حزب اسرائیلی کادیم: حماس در جنگ اخیر پیروز شد

\* حماس از طرح عضویت تشکیلات خودگردان در سازمان ملل حمایت کرد

صفحه ۱۶

سرپرست پژو هشکده آمار:

شالوده سیاست های جمعیتی باید بر اساس «کیفیت جمعیت» باشد

\*سالانه بیش از یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفر در کشور متولد می شوند

و ۴۰۰ هزار نفر فوت می کنند

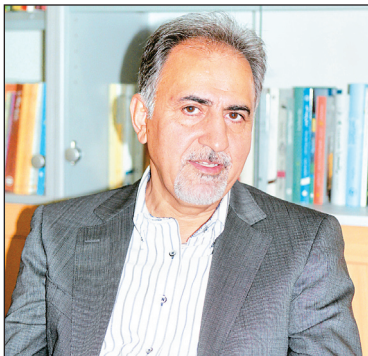
\*هم اکنون در موج دوم افزایش جمعیت کشور قرار داریم

\*سالانه ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار نفر برای کار از کشور خارج می شوند

\*راه اندازی مدارس غیر انتفاعی به خاطر افزایش زاد و ولد در دهه ۶۰ بود

سالانه بیش از ۱/۳ میلیون تولد و حدود ۴۰۰ هزار مرگ و میر در کشور به ثبت می رسد. علیرضا اهدایان سرپرست پژوهشکده آمار در گفتگو با ایرنا با اعلام این مطلب افزود: در سالهای دهه ۶۰ سالانه ۲/۲ میلیون تولد در کشور ثبت می شد. بقیه در صفحه ۴

دکتر نجفی: برخی نقاط پایتخت به دلیل تراکم بالا قابل سکونت نیست



\*امید است با اجرای طرح تفصیلی، مشکلات

کمتری برای جانیابی بلند مرتبه سازی ها رخ دهد

\*وضع اقتصادی مردم بهبود نیافته و مشکلات

معیشتی بسیاری دارند، لذا بی انصافی است

بخوایم بهای خدمات و عوارض شهری را

افزایش دهیم

\*آموزش فراگیر و فرهنگ سازی برای مقابله

با عادات منفی زندگی شهری باید نهادینه شود

صفحه ۱۴

عقب نشینی مرسی در برابر اعتراضات علیه افزایش

اختیارات رئیس جمهوری

\*دفتر ریاست جمهوری مصر با تاکید بر موقت بودن حکم افزایش اختیارات مرسی

خواستار گفت و گوی دموکراتیک با تمامی گروه های سیاسی شد

\* درگیری های اخیر مصر ۲ کشته و ۴۶۱ مجروح برجاذشته است

صفحه ۱۶



راه آهن جمهوری اسلامی ایران

مناقصه شماره

۳۱/۹۱/۳۰

شرکت راه آهن جمهوری اسلامی ایران در نظر دارد به منظور مدیریت طرح پروژه های زیرسازی و احداث پلهای خطوط مسیرهای مبارکه - جندق، اردکان - چادملو، تبرکوه - یزدگرد و یزد- مبد بنابر آئین نامه خرید خدمات مشاوره مصوبه شماره ۴۲۹۸۶/۱۹۳۵۴۲ ک مورخ ۸۸/۱۰/۱ نسبت به شناسایی مشاوران واجد صلاحیت در تخصص های زیر اقدام نمایند:

گروه و تخصص: راه و ترابری / راه سازی یا راه آهن پایه ۱

لذا علاقه مندان می توانند جهت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی مشاوران از تاریخ نشر آخرین آگهی فراخوان از طریق سایت های ملی مناقصات به نشانی [HTTP://IETS.MPORG.IR](http://IETS.MPORG.IR) و سایت اداره کل خط و سازهای فنی به نشانی: [HTTP://KHAT.RAILIR](http://KHAT.RAILIR) مراجعه و حداکثر تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۹۱/۹/۲۲ بصورت در بسته و مهر به مهر شرکت به آدرس: تهران- میدان راه آهن- ساختمان شهید نوری- طبقه ۲- دبیر خانه تحویل و رسید دریافت دارند. این اداره کل پس از ارزیابی اسناد تحویلی، نسبت به دعوت از مشاوران واجد شرایط جهت خرید اسناد مناقصه دعوت به عمل خواهد آورد. بدیهی است ارائه مدارک فوق الذکر هیچگونه حقی را جهت متقاضیان برای شرکت در مناقصه ایجاد نخواهد نمود.

۱۳۸۰ م الف



نوبت اول

شرکت توزیع نیروی برق استان لرستان در نظر دارد اجناس ااز بر نیاز (سالم استفاده نشده) و کالاهای اسقاط موجود در انبارهای خود را به شرح جدول زیر با برگزاری مزایده عمومی و شرایط مندرج در اسناد مزایده به فروش رساند.

ردف	شماره مزایده	موضوع مزایده	شرح کالا
۱	۹۱/۱	فروش اجناس ا ازاد بر نیاز (سالم استفاده نشده) (۱ کد)	لوازم ساختمانی، تجهیزات کارگاهی، اتاقیه و ماشینهای اداری، تجهیزات و لوازم تعمیر شبکه، لوازم خودرویی
۲	۹۱/۲	فروش کالاهای اسقاط (۳ کد)	لوازم ترانسفورماتور، کابل اسقاط، تجهیزات و لوازم اسقاط شبکه، پایه و بازو فلزی چراغ و اسکلت تابلو و چراغهای خیابانی و سایر آه های آلات اسقاط، انواع ماشینهای اداری، تعمیری و اسقاط، انواع پایه های بتونی و چوبی اسقاط

۱- محل در یافت اسناد مزایده: متقاضیان می توانند اسناد مزایده را به صورت فایل PDF از طریق سایت های اطلاع رسانی معاملات تاویر به آدرس [www.tender.tavanir.org.ir](http://www.tender.tavanir.org.ir) و پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات به آدرس [www.iets.mporgir.ir](http://www.iets.mporgir.ir) دریافت نمایند. در صورت تهیه اسناد از این طریق، اصل فیش واریزی مبلغ ۲۵۰،۰۰۰ ریال موضوع بند ۲ این آگهی و معرفی نامه کتبی می بایست به همراه پاکت پیشنهادی مزایده جهت مزایده گرا ارسال گردد. در صورت عدم امکان دریافت اسناد از طریق سایت های مذکور به آدرس ذیل مراجعه شود.

۲- نحوه خرید اسناد و مدارک مزایده: واریز مبلغ ۲۵۰،۰۰۰ ریال (دویست و پنجاه هزار ریال) به حساب سبیا ۰۵۰۵۵۷۸۴۹۰۲۰۲۸۶۷۸۴۹۰ بانک ملی شعبه برق خرم آباد- کد (۶۲۲۰) بنام شرکت توزیع برق استان لرستان و ارائه فیش واریزی و معرفی نامه کتبی.

۳- مهلت زمانی در یافت اسناد مزایده: از تاریخ ۹۱/۹/۱۶ تا ۹۱/۹/۲۱ بحدت ۱۰ روز در ساعات اداری از ۸ صبح تا ۱۴

۴- آخرین مهلت تحویل پاکت ها: حداکثر تا پایان وقت اداری روز ۹۱/۹/۲۱ خواهد بود.

۵- محل تحویل اسناد مزایده: خیابان انقلاب- میدان کیو (۲۲ پهن)، بلوار ولایت، بلوار حج، مجتمع اداری ساختمان شرکت توزیع برق استان لرستان- دبیر خانه

۶- زمان و محل باز کشایی پاکت مزایده: ساعت ۸ صبح روز یکشنبه مورخ ۹۱/۹/۱۹ در محل سالن کنفرانس حوزه ستادی

۷- مبلغ و نوع تضمین شرکت در مزایده: سدره شرکت در مزایده ۱۰٪ مبلغ پیشنهادی قیمت کالاهای درخواستی و بصورت واریز نقدی یا ضمانت نامه بانکی و یا چک بانکی به شرح اسناد مزایده می باشد.

۱- شرکت در رد یا قبول یک یا تمام پیشنهاد های رسیده مختار است.  
۲- هزینه آگهی یک یا دو نوبت در روزنامه های کشوری و استانی به عهده برنده یا پیرندگان مزایده می باشد.  
۳- به پیشنهاد های مهیو، مخدوش، مشروط فاقد امضا یا دارای امضای غیر مجاز و سپرده های کمتر از میزان تعیین شده، چک شخصی و نظایر آن و پیشنهاد هایی که بعد از انقضاء مدت مقرر در آگهی واصل شود مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.  
۴- سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مزایده درج شده است ضمناً آگهی مذکور از طریق سایت های شرکت توزیع نیروی برق استان لرستان به آدرس [www.barghlorestan.ir/portal/](http://www.barghlorestan.ir/portal/) و سایت اطلاع رسانی معاملات تاویر به آدرس [www.tender.tavanir.org.ir](http://www.tender.tavanir.org.ir) و پایگاه ملی مناقصات کشور به آدرس [www.iets.mporgir.ir](http://www.iets.mporgir.ir) قابل مشاهده است.  
۵- برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۶۶۱-۳۲۲۸۰۰۱۴ امور پشتیبانی (واحد قراردادها و مناقصات) داخلی ۲۳۴ شرکت توزیع برق استان لرستان تماس حاصل نمایند.  
روابط عمومی شرکت توزیع برق استان لرستان

السلام علیکم یا اهل بیت النبوة

امروز در سرزمین پاکبختگان ولایت ضریح برکت آفرین ثار الله را در شانه های شهر به تماشای دلها آورده اند تا از معبر شبکه آن پنجره ای به سوی آسمان گشوده باشد و از گذر

نورانی آن عطر دل انگیز حسین فاطمه (س) را استشمام کنیم.

وعده دیدار و وداع با ضریح جدید ساخته شده به دست ایرانیان ۱۲ و ۱۳ محرم میدان امام حسین (ع).

ستاد بازسازی عتبات عالیات تهران





















امام خمینی <sup>(ص)</sup> می‌فرمودند: ثوابها گاهی استحقاقی است و گاهی تفصلی، ثواب تفصلی نظیر دانه‌ای است که برای کبوتر ریخته می‌شود. یعنی دانه می‌ریزند تا کبوتر را بگیرند. در حقیقت با وضع ثوابهای تفصلی برای عزاداریهای امام حسین<sup>(ع)</sup>، راهی ایجاد می‌شود که اسلام برای همیشه زنده بماند تا اینکه روزی پرچم اسلام به دست شیعه و به رهبری امام زمان سارو اخفاده-بر زمین پرا افراشته شود. به عبارت دیگر می‌توان گفت که عزاداریها، علت مبقیهٔ اسلام و عاملی برای استمرار مسیر و حرکت امام حسین<sup>(ع)</sup> و اسارت خاندان ایشان است و لذا هرچه ثواب از آن ی در نظر گرفته شود، باز کم است.

راوی نقل می‌کند که روزی خدمت امام رضا<sup>(ع)</sup> رسیدم و دیدم ایشان غمناک هستند. پرسیدم: «پایین رسول الله چه شده است؟ فرمودند: «دنهٔ محرم است» و بعد از کمی توضیح فرمودند: «هر کسی که برای امام حسین<sup>(ع)</sup> عزاداری کند، و برای ایشان، ولو به اندازهٔ بال مگسی اشک بریزد، خداوند متعال ثواب حج و عمره به او می‌دهد و ما در روز قیامت او را شفاعت می‌کنیم».

در طول تاریخ نیز معمولاً زور گویان و جباران وقتی در فکر نابودی اسلام و تنسیع می‌افکندند، سعی می‌کردند عزاداری‌ها را تعطیل کنند. در زمان طاغوت نیز پهلوی اول قصد داشت عزاداری‌ها را به زور تعطیل کند؛ زیرا می‌دانست که اگر عزاداری نباشد، تنسیع نابود می‌شود؛ با آنکه او بسیار در این راه تلاش کرد، ولی بحمدالله موفق نشد.

**فلسفه قیام و شهادت امام حسین<sup>(ع)</sup>**
در دوران بنی‌امیه و به خصوص معاویه، تلاشهای فراوانی برای ریشه‌دار کردن بنی‌امیه صورت گرفت و بیت‌المال برای تثبیت این حکومت ظالمانه و سلطنتی صرف گردید. حکومت حدوداً پنجاه سالهٔ معاویه، وی را به تنها حاکم مطلق ممالک اسلامی تبدیل کرده بود و نفوذ عجیبی در میان مردم داشت ضمن آنکه کسی اقدامی برای سرنگونی نمی‌کرد؛ زیرا عملاً تلاش بی‌فایده‌ای بود و کاری از پیش نمی‌برد. با مرگ معاویه و جانشینی یزید، امام حسین<sup>(ع)</sup> اسلام را در مخاطره نابودی دیدند و سکوت در برابر آن را جایز نشمرند؛لذا بر ایشان واجب شد که قیام کنند. با آنکه می‌دانستند نمی‌توانند با امکانات مادی در مقابل لشکر یان یزید و اطرافیان آنها قرار گیرند، ولی برای حفظ اسلام و شکتن شخصیت و ابهتی که امویان از خود به نام اسلام در میان مردم پیدا کرده بودند، قیام کردند.

قیام ارزندهٔ امام گرچه به شهادت ایشان و یاران فداکارشان منجر شد، ولی پس از واقعهٔ عاشورا، موجب نابودی بنی‌امیه گردید. قیام امام حسین<sup>(ع)</sup> و به دنبال آن، اسارت آل الله و روشنگری‌های حضرت زینب<sup>(ص)</sup> و امام سجاد<sup>(ع)</sup>، شجرهٔ ملعونهٔ بنی‌امیه را که در جامعه ریشه دوانده بود و کسی تصور نمی‌کرد کنده شود، نابود کرد.

هنگامی که یزید مردم پسرش به نام معاویه به خلیفهٔ کشد. او به منبر رفت و گفت: «خدا بنی‌امیه و اطرافیان آنها را لعنت کند. خلافت از آن امیرالمؤمنین و خاندان ایشان است» و ربطی به بنی‌امیه ندارد. اکنون نیز خلافت و حکومت حق امام سجاد است که در مدینه هستند. برای بیعت به نزد او بروید.» آنگاه از منبر پایین آمد و پس از مدت کوتاهی مرد. البته تصور می‌شود این اقدام را به خاطر فضای سیاسی موجود بود و چون مطمئن نبود که نمی‌تواند خلافت کند و حکومت امویان هیچ زمینه‌ای ندارد، یزید کرد.

به حال هر یک از مرگ او، طومار بنی‌امیه در هم پیچیده شد. البته گرچه بنی‌مروان بر سر کار آمدند و با کشت و کشتار فراوان و نصب حاکمانی همچون حجاج بن یوسف ثقفی، خواستند آن شجرهٔ ملعونه را احیاو ریشه‌دار کنند، ولی دیگر نتوانستند و بالاخره با قیام ابومسلم خراسانی، بنی‌مروان و اعوان و انصارشان همگی نابود شدند.

بنابراین حرکت تاریخی و بهنگام امام حسین<sup>(ع)</sup> اسلام را زنده کرد و به دنبال آن، اسارت خاندان ایشان، موجب نابودی بنی‌امیه گردید. اگر شهادت امام حسین و اسارت اهل بیت نبود، الان تشیع وجود نداشت. اگر معاویه به عنوان حاکم مطلق جامعهٔ اسلامی مطرح می‌ماند، معلوم نبود نامی از اسلام باقی‌مانده می‌ماند. گسیختگی نبردش رفت و او را ناراحت دید. گفت: «آه که علی و حسن را کشتی و الا ن بر جهان اسلام مسلطی، چرا هنوز زاری‌ا می‌کنی؟ ناگاه صدای آذان بلند شد و مؤذن گفت: «الله اید محمد رسول الله». در پاسخ به آن شخص گفت: تا وقتی این اسم در موزه‌ها باشد، من غمناکم. وقتی شاد می‌شوم که بتوانم این اسم را نابود کنم!»

یزید نیز در جلسه‌ای که حضرت یزید ایستاده بودند و سر مقدس امام حسین<sup>(ع)</sup> در مقابل او قرار داشت، در حالت مستی و غرور، گفت: لعنت هاشم بالمکمل فلا

یعنی: بنی‌هاشم با سلطنت بازی کردند، و گرنه خبری جایی نیست، نه قرآنی و نه نحی و نه پیغمبری وجود ندارد! با وجود این حاکمان، مسلمان‌بدون قیام و شهادت امام حسین<sup>(ع)</sup> چیزی از اسلام باقی نمی‌ماند؛ ولی با شهادت امام و اسارت خانواده و فرزندان، این شجرهٔ ملعونه ریشه کن شد و از بین رفت.

**جایگاه عزاداری امام حسین<sup>(ع)</sup>**
وقتی حضرت آدم جدا توبه کرد و خواست الهی بر پدرش توبه‌اش قرار گرفت، جبرئیل بر اوازل شد و اسماعی آل عبا را به ایشان یاد داد که با توسل به نام آنها، توبه‌اش مقبول واقع شود. هنگامی که حضرت آدم با توسل پیدا کرد توبه‌اش قبول شد، از جبرئیل پرسید: چه چیزی تفرغ از این اسمی پیدا می‌شود که با بر دهن نامش، ملم شکست و حراری در دلم پیدا کند؟ جبرئیل قدری از امام حسین<sup>(ع)</sup> صحبت کرد و اولین جلسهٔ عزاداری بر زمین، توسط جبرئیل برای حضرت آدم<sup>(ع)</sup> خوانده شد و جبرئیل از آن مصیبت برای او مطالبی را بیان کرد.

در یکی از ماجباهای حضرت موسی<sup>(ع)</sup> با خداوند، نام چهارده معصوم و درحات و مقام ایشان گشته است. حضرت با شنیدن نام مبارک معصومین، پرسید: «خداایا این حسین چیست؟ آنگاه خداوند متعال، امام را معرفی کرد و مقداری از قضایای شهادت و مصائب امام حسین را بیان فرمود: در روایات آمده است که خداوند کریم و شهادت امام نزد همهٔ انبیا روشن بود و همهٔ آنها برای این مصائب، گریه کرده‌اند.»

این عزاداری و گریه منحصراً به روایات شیعه نیست؛ اهل سنت نیز روایت مختلفی در این مورد نقل کرده‌اند: «عزادری برای امام حسین<sup>(ع)</sup> از جمله مشهورترین مسائل در اسلام است و هر که به آن بپردازد، خیر دنیا و آخرت را برای خود بداند.»

در گذشته، جلسات عزاداری رونق بیشتر و بهتری داشت؛ ولی متأسفانه امروز برخی افراد بیشتر به فکر نفع پزایی در آن مجلس هستند تا نوع عزاداری؛ لذا بسیار شایسته است که توجه بیشتری به عزاداری‌ها شود و ضمن دوری از بدعتها و نوآوریهای کاذب در این جلسات، خود را سوگوار حقین قرار دهید. انسان در جلسات، می‌تواند حلاوت مادی و معنوی خود را نیز از خداوند متعال بخواند و مطمئن باشد که خواست‌اش برآورده می‌شود. این حقیقت به تجربه اثبات شده است و خود من آن را تجربه کرده‌ام. ضمن دعا برای خود، به فکر دیگران نیز باشید، خصوصاً در شرایط فعلی که وضعیت زندگی برای همهٔ مردم سخت شده است.

اگر می‌خواهید آتش مشکلات خاموش شود و از آنجا نجات یابید، با توسل به امام حسین<sup>(ع)</sup> و احیای مجالس عزاداری برای ایشان، بخوانید که نظر لطیفی نمایان و مشکلات را با نظر غنایهٔ خود بر طرف سازند. امام حسین<sup>(ع)</sup> همه چیز خود را فدا کرد و جادار که خداوند نیز هرچه امام بخواند، به ایشان عطا فرماید.

**پی نوشتها:**

- عبود اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۹۹
- بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۱۱۸
- الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۰۷
- بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۲۵
- بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۰۸
- کمال الزاریان، ص ۶۷
- ک: المناقب (خوارزمی)، مقتل الحسین، مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول و ...

## اهمیت

## عزاداری امام حسین (ع)

### آیت‌الله‌العظمی حسین مظاهری

##### بخش دوم و پایانی

به احتمال قوی تولد زینب<sup>(ع)</sup> در ششمین سال از هجرت پیغمبر بوده است. اگر این احتمال درست باشد، وی از آن روز که پیرامون خود را نگرینسته و با محیط زندگانی آشناشده، با مصیبت و فاجعه وروبر بوده است. رحلت پیغمبر<sup>(ص)</sup> در پنج سالگی او و حادثه‌های در گذشتگی ریه که در آن روز، درون و برون خانه وی رخ داد، صدمات بیماری مادرش، ناله‌ها و اشکهای وی در مصیبت پدر و شکوهایی که از ستمها و رنجها داشت، و سرانجام مرگ وی و دلخراش‌تر از آن، هاله‌ای از ترس و پنهان‌کاری که گروه کوچک مصیبت‌زده را فرا گرفت.

گویا طفلان هم رخصت نداشتند باگن شیون را بلند کنند، میذا همسایگان بشنوند و خیر به گوش این و آن برسد و بر جنازه زهر<sup>(ع)</sup> حاضر شوند و سفارش دختر پیغمبر عملی نگردد.

تقدیر الهی تربیت مادر و دختر را همانند خواسته بود. او باید بگذارد دوره‌های سخت آزمایش را یکی پس از دیگری بپذیرد و برای تحمل روزهای زحمانت‌ر و مصیبت‌بارتر آماده شود.

##### همسر و فرزند

چون به سن رشد رسید، عبدالله پسر جعفر بن ابی طالب وی را به زنی گرفت. عبدالله از تولدیفاتنگان حبشه است و کسی است که پیغمبر<sup>(ص)</sup> درباره او دعای خیر فرموده است؛ که او دوستگاه سیره و را به پیر گوازی و عزت نفس و مخصوص باخشش فراوان ستوده‌اند.

زینب از عبدالله صاحب فرزندانای شد. مصعب زیری فرزندان او را سه پسر و یک دختر نوشته است: پسران: جعفر و عون‌اکبر که فرزندانای از آنان نامند؛ و علی که اعقاب عبدالله از این پسرند، و دختری به نام اکثوم که معاویه می‌خواست او را برای پسر خود یزید بگیرد. عبدالله کار اکثوم را به حسین<sup>(ع)</sup> وا گذاشت و او وی را به‌قاسم بن محمد بن جعفر بن ابی طالب داد. نیز طبرسی در اعلام‌الوری فرزندان عبدالله را همین چهار تن نوشته است؛ اما مشهور است که پسران او علی، محمد، عون و عباس بودند.

##### همراه پدر

می‌برد و از وی فرزندانای داشت، همچون مادر خویش پرستاری پدر را از یاد نمی‌برد. چون علی علیه‌السلام برای نشانادن فتنه طلحه و زبیر عازم عراق شد، زینب و شوهرش عبدالله نیز به کوفه رفتند و در آن شهر اقامت کردند و زینب در عراق شاهد پیشامدهای شگفت بود. درگیری پدرش با سباهایی که در بصره فراهم شد و خونخواهی عثمان از جانب کسی که تا پیش از کشته شدن او، وی را به پهلوی مدینه (نخل) همانند می‌کرد؛ را نیز مصعب و تیرگ ذیطالبانی که به ظاهر در اطاعت علی بودند و در نهان از معاویه فرمان می‌بردند، و سپس قیام خشک‌مقدسان و قاریان قرآن و سرانجام فاجعه روز نهم رمضان و شهادت پدرش در محراب مسجد کوفه و پس از آن بیعت مردم کوفه با برادرش حسین<sup>(ع)</sup> و تافرمای کردن او را و بر سر او ریختن و خیمه‌گذاری و راه غارت بردن و را ن او را کلتنگ شگفتان و تاجار شدن او از بستن پیمان آشتی با معاویه و زخو:زیانها که از دشمنان دوست‌نما پس از این آشتی شدند.

زینب در این تاریخ سالیانای بیش از سی را پشت سر گذاشته بود. به گفته مادرش «روزگار چه تلخچها چه شیرین باشد» و چه باز پیچه‌ها یکی از پس دیگری به روی می‌آرد؛ با پیچه‌ها یکی از پس دیگری پدید می‌شد. توانی چون فولاد و سنگینی چون کوه باید که این غمها را تحمل کند و او نمونه بردباری بود.

##### حضرت زینب<sup>(ص)</sup>؛ایه کوفیان فرمود: این ننگ

**را چگونه می‌شوید و پاسخ کشتن فرزند پیغمبر را چه می‌گویید؟ سید جوانان بهشت و چراغ راه شما مردم زشت که در سختی یارتان بود و در بلاها غمخوار. نیست و نابود شوید ای مردم غدار!**

##### باز گشت به مدینه

سرانجام خانواده علی از کوفه به مدینه باز گشتند. دیری نگذشت که زینب برادر بزرگش را دید، در بستر مرگ از سوز زهر به خود می‌پیچید. روز دیگر شاهد منظرهای دلخراش تر بود. آنان که لیخنند محبت امیز محمد<sup>(ص)</sup> را بر روی دخترش تحمل نکردند، هنوز یکی زهر را از دل نژوده بودند. می‌خواستند انتقام مادر را از فرزند بگیرند، تا آنجا که نگذاشتند فرزندزاده در کنار جاش به خاک سپرده شود. ده سال سخت دیگر مسیری شد. سباهایی که دست‌نشانده حکومت دمشق سپهسایان علی را در شهرهای عراق و حجاز دنبال می‌کردند، دشمنان می‌دانند، می‌زدند، به فرزندان می‌افکندند. می‌کشتند. تا آنکه روزی خبری رسید که برای عری از دیگری ابلیش‌شادی بخشی تر بود؛ معاویه مردادر کوفه انجمن‌ها بر می‌آید می‌شود. خطیبان بر می‌ایستند. تا آنجا که می‌توانند رکهای کردن را بر می‌کنند؛ اسامی پهلوانان بیشتر در لهاپیشند؛ بیهوشانده می‌شوند و زینب بر خاک پیش رود تا در آستانه پسر برگردد. تا نوه پیغمبر را داریم، به نوه ابوسفیان چه نیازی است؟»

##### دعوت کوفیان

همه‌های پی در پی از کوفه به مدینه می‌رود؛ فرزند پیغمبر، بر چه زودتر نزد ما می‌آید. اگر نیایی، نزد خدا مستقیمی<sup>(ع)</sup> حسین<sup>(ع)</sup> را! مکه روانه عراق می‌شود. روز برون شدن او عبدالله شوی زینب- به تلاش می‌افتد. از کسی یو می‌بند پسرعمو و برادر زشت در این شهر امنیت ندارد و از سوی دیگر می‌ترسد قاریان با او همان عربین که به پدر و مادرش کردند. نزد حاکم شهر- معاویون سعبید می‌رود. از او برای حسین امان‌نامه‌ای می‌گیرد که متن آن چنین است: «لشیده‌ام عازم عراق هستی. از

خدا می‌خواهم از تفرقه‌افکنی بپرهیزی؛ چه، من بیم دارم در این راه کشته شوی. من عبدالله بن جعفر و یحیی بن سعید برادرم را نزد تو می‌فرستم تا به تو بگویند در این من هستی و از صله و نیکویی و مساعدت من بهره‌مند خواهی بود». عبدالله و برادر حاکم مکه این امان نامه را به امام می‌رسانند.

پیداست که پاسخ چنین امان‌نامه‌ای از جانب امام چه خواهد بود؛ «کسی که مردم را به طاعت خدا و رسول بخواند و نیکی‌کاری را پیشه‌ش بگیرد، هرگز دقت‌فکر نکینست و مخالفت خدا و پیغمبر را نکرده است. بهترین امان، امان خداست. کسی که در این جهان از خدا ترسند، در روز رستخیز از او در امان نخواهد بود. از خدا می‌خواهم در این جهان از او ترس‌م تا در آن جهان از امن او بهره‌مند شوم.»

##### کاروان کریملا

کاروان که زینب با آن همراه است، از مکه بیرون می‌رود. عبدالله چون دانستست امام آماده رفتن به عراق است و از این سفر چشم نمی‌پوشد، فرزندان خود عون و محمد را همراه برآورد.

دمشق از ماهای پیش جنب و جوش عراق را زیر نظر داشت. با بهتر بگوییم، موقع شناسان عراق- دهستانه از آنان که امام را به شهر خود خواندند؛ او را از طرفانی که در پیش است، آگاه ساخته بودند. یزید پیش‌بینی‌های لازم را کرده بود. حاکمی بی اصل و نسب، سنگخیز و بی‌تقوا را به کوفه فرستاد. عبدالله، فرستادهٔ امام- مسلم

زینب از عبدالله صاحب فرزندانای شد. مصعب زیری فرزندان او را سه پسر و یک دختر نوشته است: پسران: جعفر و عون‌اکبر که فرزندانای از آنان نامند؛ و علی که اعقاب عبدالله از این پسرند، و دختری به نام اکثوم که معاویه می‌خواست او را برای پسر خود یزید بگیرد. عبدالله کار اکثوم را به حسین<sup>(ع)</sup> وا گذاشت و او وی را به‌قاسم بن محمد بن جعفر بن ابی طالب داد. نیز طبرسی در اعلام‌الوری فرزندان عبدالله را همین چهار تن نوشته است؛ اما مشهور است که پسران او علی، محمد، عون و عباس بودند.

##### همراه پدر

می‌برد و از وی فرزندانای داشت، همچون مادر خویش پرستاری پدر را از یاد نمی‌برد. چون علی علیه‌السلام برای نشانادن فتنه طلحه و زبیر عازم عراق شد، زینب و شوهرش عبدالله نیز به کوفه رفتند و در آن شهر اقامت کردند و زینب در عراق شاهد پیشامدهای شگفت بود. درگیری پدرش با سباهایی که در بصره فراهم شد و خونخواهی عثمان از جانب کسی که تا پیش از کشته شدن او، وی را به پهلوی مدینه (نخل) همانند می‌کرد؛ را نیز مصعب و تیرگ ذیطالبانی که به ظاهر در اطاعت علی بودند و در نهان از معاویه فرمان می‌بردند، و سپس قیام خشک‌مقدسان و قاریان قرآن و سرانجام فاجعه روز نهم رمضان و شهادت پدرش در محراب مسجد کوفه و پس از آن بیعت مردم کوفه با برادرش حسین<sup>(ع)</sup> و تافرمای کردن او را و بر سر او ریختن و خیمه‌گذاری و راه غارت بردن و را ن او را کلتنگ شگفتان و تاجار شدن او از بستن پیمان آشتی با معاویه و زخو:زیانها که از دشمنان دوست‌نما پس از این آشتی شدند.

زینب در این تاریخ سالیانای بیش از سی را پشت سر گذاشته بود. به گفته مادرش «روزگار چه تلخچها چه شیرین باشد» و چه باز پیچه‌ها یکی از پس دیگری به روی می‌آرد؛ با پیچه‌ها یکی از پس دیگری پدید می‌شد. توانی چون فولاد و سنگینی چون کوه باید که این غمها را تحمل کند و او نمونه بردباری بود.

##### حضرت زینب<sup>(ص)</sup>؛ایه کوفیان فرمود: این ننگ

**را چگونه می‌شوید و پاسخ کشتن فرزند پیغمبر را چه می‌گویید؟ سید جوانان بهشت و چراغ راه شما مردم زشت که در سختی یارتان بود و در بلاها غمخوار. نیست و نابود شوید ای مردم غدار!**

##### باز گشت به مدینه

سرانجام خانواده علی از کوفه به مدینه باز گشتند. دیری نگذشت که زینب برادر بزرگش را دید، در بستر مرگ از سوز زهر به خود می‌پیچید. روز دیگر شاهد منظرهای دلخراش تر بود. آنان که لیخنند محبت امیز محمد<sup>(ص)</sup> را بر روی دخترش تحمل نکردند، هنوز یکی زهر را از دل نژوده بودند. می‌خواستند انتقام مادر را از فرزند بگیرند، تا آنجا که نگذاشتند فرزندزاده در کنار جاش به خاک سپرده شود. ده سال سخت دیگر مسیری شد. سباهایی که دست‌نشانده حکومت دمشق سپهسایان علی را در شهرهای عراق و حجاز دنبال می‌کردند، دشمنان می‌دانند، می‌زدند، به فرزندان می‌افکندند. می‌کشتند. تا آنکه روزی خبری رسید که برای عری از دیگری ابلیش‌شادی بخشی تر بود؛ معاویه مردادر کوفه انجمن‌ها بر می‌آید می‌شود. خطیبان بر می‌ایستند. تا آنجا که می‌توانند رکهای کردن را بر می‌کنند؛ اسامی پهلوانان بیشتر در لهاپیشند؛ بیهوشانده می‌شوند و زینب بر خاک پیش رود تا در آستانه پسر برگردد. تا نوه پیغمبر را داریم، به نوه ابوسفیان چه نیازی است؟»

##### جوب به عیاران چرب کنند

امامانده کاروان حجاز نیز با دست خالی نمی‌رفت، دستنی پر داشت. دستنی گشاده به فرقای سراسر عراق و حجاز نه، به پهنای شبه جزیره عربستان و دنیای اسلام نیز؛ برای متاعی گران‌بها: شرف، افتخار، آزادی و کرامت انسانی. متاع شهادت؛ اما خریدار آن را چگونه بود؟ نه دمشق، آنجا از مرد و مرده‌ی نشانی دیده نمی‌شد. که متن آن چنین است: «لشیده‌ام عازم عراق هستی. از

خدا می‌خواهم از تفرقه‌افکنی بپرهیزی؛ چه، من بیم دارم در این راه کشته شوی. من عبدالله بن جعفر و یحیی بن سعید برادرم را نزد تو می‌فرستم تا به تو بگویند در این من هستی و از صله و نیکویی و مساعدت من بهره‌مند خواهی بود». عبدالله و برادر حاکم مکه این امان نامه را به امام می‌رسانند.

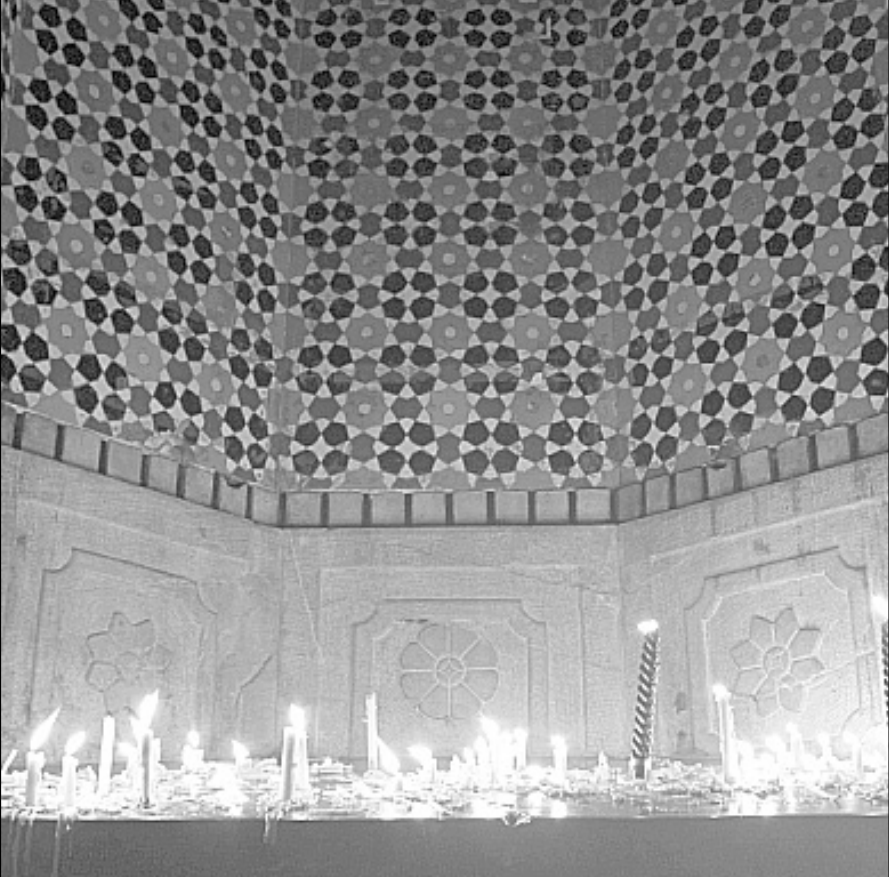
پیداست که پاسخ چنین امان‌نامه‌ای از جانب امام چه خواهد بود؛ «کسی که مردم را به طاعت خدا و رسول بخواند و نیکی‌کاری را پیشه‌ش بگیرد، هرگز دقت‌فکر نکینست و مخالفت خدا و پیغمبر را نکرده است. بهترین امان، امان خداست. کسی که در این جهان از خدا ترسند، در روز رستخیز از او در امان نخواهد بود. از خدا می‌خواهم در این جهان از او ترس‌م تا در آن جهان از امن او بهره‌مند شوم.»

کاروان که زینب با آن همراه است، از مکه بیرون می‌رود. عبدالله چون دانستست امام آماده رفتن به عراق است و از این سفر چشم نمی‌پوشد، فرزندان خود عون و محمد را همراه برآورد.

دمشق از ماهای پیش جنب و جوش عراق را زیر نظر داشت. با بهتر بگوییم، موقع شناسان عراق- دهستانه از آنان که امام را به شهر خود خواندند؛ او را از طرفانی که در پیش است، آگاه ساخته بودند. یزید پیش‌بینی‌های لازم را کرده بود. حاکمی بی اصل و نسب، سنگخیز و بی‌تقوا را به کوفه فرستاد. عبدالله، فرستادهٔ امام- مسلم

# زینب(ع)، شیرزن کریملا

**شادروان دکتر سید جعفر شهیدی**



این عقیل و مه‌ماندار او، هائی پسر عروه را کشت و چشم مردم شهر را ترساند. سربازان مسلح وی راههای حجاز به عراق را زیر نظر داشتند، چنان که امام اندکی دیوانه‌هایی که دست‌های او را حر- پسر زید ریاحی شفرسادهٔ حاکم کوفه وروبر شد و حر با رسیدن دستور تازه او را در سرزمینی که کریملا نام دارد، فرود آورد.

از آن روزهای پسر هراس که هنوز الاقل برای دسته‌ای راه امید بسته نشده بود؛ از آخرین ساعت‌های روز نهم محرم تا سپین روز دیگر، کم و بیش آگاهی‌د. در آن گیر و دار زینب<sup>(ع)</sup>، چه وظیفه‌ای داشته و شخصیت خود را چگونه نشان داده، چیزی نیست که بر شما پنهان باشد.

۶۱ هجری آغاز شد.
ساعت‌های آخر روز دهم محرم سپری گردید. دیوانه‌هایی که دست‌های او را جابه‌جا حس کینه و انتقام دیده‌درون و برونشان را آگور کرده بود، به خود آمدند. چه کردند؟ کارای بزرگ! کاری زشت که تاریخ عرب- همانند آن را به خاطر نداده، می‌پسند که برای این قوم نیک‌بذتر از آن نیست، آن‌ها میان‌جایی بر می‌آید.

به دست او هیچ! نه، چرا هیچ؟ از این مهمان‌کنشی دست‌نشانده حکومت دمشق سپهسایان علی را در شهرهای عراق و حجاز دنبال می‌کردند، دشمنان می‌دانند، می‌زدند، به فرزندان می‌افکندند. می‌کشتند. تا آنکه روزی خبری رسید که برای عری از دیگری ابلیش‌شادی بخشی تر بود؛ معاویه مردادر کوفه انجمن‌ها بر می‌آید می‌شود. خطیبان بر می‌ایستند. تا آنجا که می‌توانند رکهای کردن را بر می‌کنند؛ اسامی پهلوانان بیشتر در لهاپیشند؛ بیهوشانده می‌شوند و زینب بر خاک پیش رود تا در آستانه پسر برگردد. تا نوه پیغمبر را داریم، به نوه ابوسفیان چه نیازی است؟»

##### جوب به عیاران چرب کنند

امامانده کاروان حجاز نیز با دست خالی نمی‌رفت، دستنی پر داشت. دستنی گشاده به فرقای سراسر عراق و حجاز نه، به پهنای شبه جزیره عربستان و دنیای اسلام نیز؛ برای متاعی گران‌بها: شرف، افتخار، آزادی و کرامت انسانی. متاع شهادت؛ اما خریدار آن را چگونه بود؟ نه دمشق، آنجا از مرد و مرده‌ی نشانی دیده نمی‌شد. که متن آن چنین است: «لشیده‌ام عازم عراق هستی. از

خدا می‌خواهم از تفرقه‌افکنی بپرهیزی؛ چه، من بیم دارم در این راه کشته شوی. من عبدالله بن جعفر و یحیی بن سعید برادرم را نزد تو می‌فرستم تا به تو بگویند در این من هستی و از صله و نیکویی و مساعدت من بهره‌مند خواهی بود». عبدالله و برادر حاکم مکه این امان نامه را به امام می‌رسانند.

پیداست که پاسخ چنین امان‌نامه‌ای از جانب امام چه خواهد بود؛ «کسی که مردم را به طاعت خدا و رسول بخواند و نیکی‌کاری را پیشه‌ش بگیرد، هرگز دقت‌فکر نکینست و مخالفت خدا و پیغمبر را نکرده است. بهترین امان، امان خداست. کسی که در این جهان از خدا ترسند، در روز رستخیز از او در امان نخواهد بود. از خدا می‌خواهم در این جهان از او ترس‌م تا در آن جهان از امن او بهره‌مند شوم.»

کاروان که زینب با آن همراه است، از مکه بیرون می‌رود. عبدالله چون دانستست امام آماده رفتن به عراق است و از این سفر چشم نمی‌پوشد، فرزندان خود عون و محمد را همراه برآورد.

دمشق از ماهای پیش جنب و جوش عراق را زیر نظر داشت. با بهتر بگوییم، موقع شناسان عراق- دهستانه از آنان که امام را به شهر خود خواندند؛ او را از طرفانی که در پیش است، آگاه ساخته بودند. یزید پیش‌بینی‌های لازم را کرده بود. حاکمی بی اصل و نسب، سنگخیز و بی‌تقوا را به کوفه فرستاد. عبدالله، فرستادهٔ امام- مسلم


 سرلندتین دودمان<sup>۵</sup>

**در کاخ ابن‌زیاد**
اسیران‌را به‌کاخ پسر زیادبردند. وسیله‌قدرت‌نمایی هر چه بیشتر در این مجلس از پیش فراهم شده‌بود. قدرت‌نمایی برابر خاندان پیغمبر و به‌خاطر زهر چشمت گرفتن از مردم کوفه. پسر زیاد به گمان خود راه‌پرویز را تا پایان آن پیموه‌بود. حسین را کشته: زن و فرزند او را اسیر کرده و پوزه شیعیان عراق را به خاک مالیده‌است. از این پس چه کسی شرف‌آورد نام علی را بر زبان آورد!
—این زن کیست؟
— زینب، دختر قاضمه!

—خدا را شکر! دیده‌ای خدا چگونه شما را رسوا کرد و دروغ گفته‌هاتان را آشکار ساخت؟

پسر زیاد به قدرت خویش می‌یالید و برای قدرت و بساری‌قدرت‌نمسا دردی بدتر از این نیست که او را به چیزی نشمرند و پیش روی مردمان تحقیرش کنند. دختر علی به سخن آمد. گوی هیچ اتفاقی رخ نداده، نه برادر و کسانش را کشته‌اند و نه او و نه شیوایشان را ش دست و گردن بسته پیش روی مردی پست و خوخور نگاه داشته‌اند. گویی برای مناظره علمی بدین مجلس شده است.

**این خواست حاکم بوده: اما خدا چیز دیگری می‌خواست.**
مردم شهر پیر و جوان در کوچمه‌ها انبوه شدند. محلی معروف است: «تب تند قریه تند خواهد آوود»- مردمی که زود به‌خشم می‌آیند، زود هم پشیمان می‌شوند. و مردم دره فرات از حد اعلای این خصوصیت برخوردارند. با شنیدن سخنی می‌خروشد و دشمن می‌شوند و با سخنی دیگر از برادر مهرباتر می‌گردند!

##### زینب در کوفه

کوفه به عراق از خوب می‌شناخت. زنانی که در آن روز سی سال و بیشتر داشتند، حشمت او را در دیده مسلمانان و عزت وی را در چشم پلمر دیده بودند. در آمدن زینب و اسیران به بازار کوفه و حالت رفت‌انگیز آنان خاطرات گذشته را زنده کرد. زن‌ها شیون سر دادند و مردان را به گریه افکندند و گریه و زان و مردان، کودکان را به خون درآورد و یکبار ناله و فغان از هر سربو خاست. اکنون یاست این میحاجا به نقطه اوج برسد تا دیدهٔ مردم شهر گشوده شود تا بداند چه کردند و چرا کردند.

در جمع اسیران چه کسی می‌توانست این وظیفه را عیب‌داند؟ دختر علی بود، کلام یک در دو دختر او از زینب<sup>(ع)</sup> با کثرت، در همه‌ترین سند که طبقه را ضبط کرده، گویندهٔ آن راام کلثوم نوشته شده است. نگارنده هم در یکی از کتابهای خود به حکمک امانت همان نام را نوشته، اما ام کلثوم در این تاریخ زنده نبود. این تلخبط از آنجا پیدا شده که یکی از کنیه‌های زینب<sup>(ع)</sup> ام کلثوم است. او را ام کلثوم کبری و خواهرش را ام کلثوم صغری می‌خواندند. اما به هر حال آن که در بازار کوفه با سخنان خود درسی فروش نشدنی به مردم این شهر داد، زینب بود که پس از حمد خدا چنین کرد.

—مردم کوفه مردم مکتار پریکار!- مردم خوار و بی‌مقدار. بگریسد که همیشه دیده‌هاتان گریان و سینه‌هاتان برپان باد زنی رشتنه با ما ماند که آنچه استوار باشد است، از هم جدا سازد. پیمانه‌های شما دروغ است و چراغ ایماتان بی فروغ. مردمی هستید لااقرن و بلندپروازا خونخوما و حیلت‌سازا دوست‌کش و دشمن‌نوازا- چون سبزهٔ پارکین، درون‌پس گنده و برون‌سو سبز و رنگین، نابکار چون سنگ گور نقره‌ای...
چه زشت کاری کردید! خشم خدا را خردید، و به در آتش دوزخ جاوید خزدید. می‌گریید! بگریید که سزاوار گریستنید، نه درخور شادمان زینستن. داغ‌تنگی بر

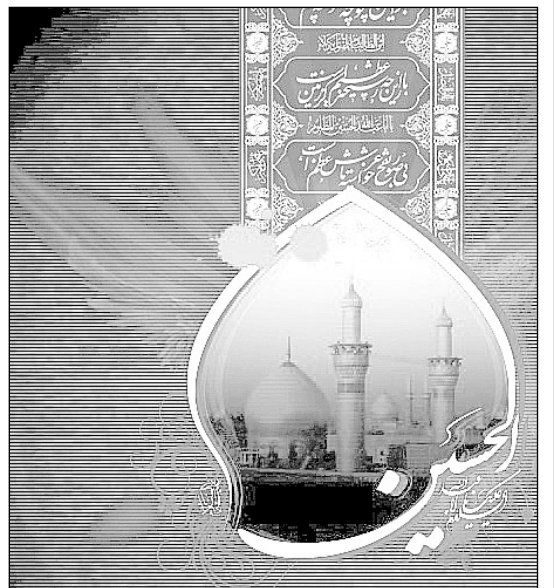
تفسیر کشف به شواهد مثال‌نثر و نظم عربی اختصاص دارد. اما از حیث بلاغی در مقدمه تصریح می‌کند که‌بدون درک در دانش معانی و بیان نمی‌توان از دلالت گزارهای قرآنی به درستی بهره برداشت: از این روی، مفسر در گزارش بلاغی این و عبارات به نکات بسیاری از قضایای بلاغی اشارت می‌کند که بسیار از یادداشت بلاغت عربی و طرایف آن دانست که مهمترین ویژگی تفسیر نیز در این جنبه از آن است که به مانند‌گاری‌اش طی قرون گذشتهٔ کمک بسیاری کرده و مانع از آن شده که غبار کهنگی بر آن بنشیند...

از دیگر ویژگی‌های زبانی تفسیر کشف بیان نکات نغز نحوی است، و در نیل آیت، بسیاری از نکات نحوی را بیان‌نمحصربه‌فرد بسیاری از یادداشت بلاغت عربی و طرایف آن دانست که مهمترین ویژگی تفسیر نیز در این جنبه از آن است که به مانند‌گاری‌اش طی قرون گذشتهٔ کمک بسیاری کرده و مانع از آن شده که غبار کهنگی بر آن بنشیند...
از دیگر ویژگی‌های زبانی تفسیر کشف بیان نکات نغز نحوی است، و در نیل آیت، بسیاری از نکات نحوی را بیان‌نمحصربه‌فرد بسیاری از یادداشت بلاغت عربی و طرایف آن دانست که مهمترین ویژگی تفسیر نیز در این جنبه از آن است که به مانند‌گاری‌اش طی قرون گذشتهٔ کمک بسیاری کرده و مانع از آن شده که غبار کهنگی بر آن بنشیند...
از دیگر ویژگی‌های زبانی تفسیر کشف بیان نکات نغز نحوی است، و در نیل آیت، بسیاری از نکات نحوی را بیان‌نمحصربه‌فرد بسیاری از یادداشت بلاغت عربی و طرایف آن دانست که مهمترین ویژگی تفسیر نیز در این جنبه از آن است که به مانند‌گاری‌اش طی قرون گذشتهٔ کمک بسیاری کرده و مانع از آن شده که غبار کهنگی بر آن بنشیند...
از دیگر ویژگی‌های زبانی تفسیر کشف بیان نکات نغز نحوی است، و در نیل آیت، بسیاری از نکات نحوی را بیان‌نمحصربه‌فرد بسیاری از یادداشت بلاغت عربی و طرایف آن دانست که مهمترین ویژگی تفسیر نیز در این جنبه از آن است که به مانند‌گاری‌اش طی قرون گذشتهٔ کمک بسیاری کرده و مانع از آن شده که غبار کهنگی بر آن بنشیند...

از دیگر ویژگی‌های زبانی تفسیر کشف بیان نکات نغز نحوی است، و در نیل آیت، بسیاری از نکات نحوی را بیان‌نمحصربه‌فرد بسیاری از یادداشت بلاغت عربی و طرایف آن دانست که مهمترین ویژگی تفسیر نیز در این جنبه از آن است که به مانند‌گاری‌اش طی قرون گذشتهٔ کمک بسیاری کرده و مانع از آن شده که غبار کهنگی بر آن بنشیند...

## امام حسین(ع)، قهرمان اخلاق

##### مصطفی ملکیان



دو مشکل سخن گفتن از واقعه کریملا و بُعد اخلاقی اصلاح‌گری امام حسین<sup>(ع)</sup> را ساخت می‌کند: نخست اینکه پیشتر آنچه ما

























■ نوشته: دان راویو - یوسی ملن ■ ترجمه: مرتضی میرمطهری ■ ۸۷

«امیت» قصد داشت موساد را به سازمان امنیتی جدی و نوین تبدیل کند که روی آنچه‌وی آنرا وظایف اصلی و اساسی اش تلقی می‌کرد و تمرکز کند: جمع‌آوری اطلاعات سیاسی و نظامی در مورد کشورهای عربی. او موساد را اساساً یک ارگان جمع‌آوری اطلاعات تلقی می‌کرد که در آینده از عملیات نمایشی که به نظر او اتلاف منابع بود، اجتناز خواهد کرد. احتمالاً دیگر عملیات مخاطره‌آمیز و پرهزینه برای ریودن نازی‌ها و جستجوهای بین‌المللی برای یافتن پسر بچه‌هایی امثال «پوسل» وجود نخواهد داشت. تحت تأثیر دوره‌های اقتصاد و بازرگانی که «امیت» در ایالات متحده آمریکا گذرانده بود، او می‌خواست که ذهنیت شرکت‌های آمریکا سبک مدیریتی آنها را تقلید کند.

«امیت» بود که دفتر مرکزی موساد را به ساختمان‌هایی به سبک شرکت‌های تجاری-نی در «هلر دافنا» ۱۱ در مرکز تل‌آویو منتقل کرد و- کلیه‌های محقری را که در «کبریا» در گذشته دفتر کار موساد بودند، رها کرد. رئیس موساد برای خودش دفتری به سبک دفاتر آمریکائی درست کرده بود با دیوارهای چوبی و مبلمان مدرن و که با معیارهای اسرائیل دهه ۱۹۶۰، مجلل و شگروهند به‌حساب می‌آمد. حتی از لحاظ طراحی داخلی، عصر ریاضت مایبانه و درویش مسکانه «هارل» به پایان رسیده بود «امیت» آمده بود که موساد را نوسازی کند و ایجاد دفاتر جدید، بخشی از این برنامه بود.

«امیت» همچنین سیستم استخدایم موساد را تغییر داد. به‌جای اتکا کردن به توصیه‌های دوستان بر اساس شیوه انگلیسی شبکه دوستان، او ترجیح داد که شیوه‌های نظام‌مندتری را به کار گیرد. او کوشید تا نامزد بودن باقوه را نه فقط از میان ارتشی‌ها، بلکه در فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها، جامعه بازرگانی و از بین مهاجران جدید پیدا کند.

هنوز در میان کارکنان موساد زنانی وجود نداشتند که جهت جنگیدن برای کشور-شان به‌طور منظم به «مناطق عملیاتی» فرستاده شوند. زنان را تقریباً منحصر برای سمت‌های اداری استخدام می‌کردند. یکی از مردان عالی‌رتبه موساد می‌گفت: نمی‌توانید یک زن را برای جمع‌آوری اطلاعات به جهان عرب بفرستید. بر خورد متفاوتی که در جوامع عربی نسبت به زنان دارند، مانع از آن است که ما زنان را به‌عنوان مامورین عملیاتی و با مسئول پرونده‌های خاص استخدام کنیم. «جاسوسان عرب ما آنها را نماند. بودند. آنها دیدشان نسبت به زنان این گونه است».

هر چند تغییراتی که در زمان ریاست «امیت» در موساد داده شد، منجر به بهتر شدن فرصت‌ها برای زنان شد. خواسته رئیس جدید در زمینه تبحر و حرفه‌گرایی به زنان فرصت بهتری داد که برای تصدی مسئولیت اداره «بخش‌ها»، مناطق خاص یا موضوعات، منصوب شوند. این‌ها زنانی بودند که به تدریج مراحل را طی کرده و بالاخره- مسئولیت زمینه‌تخصصی خاصی به آنها تفویض شده بود.

فقط در مواردی که ماموریت خاصی اقتضا می‌کرد. یک زن را به خارج از کشور اعزام می‌کردند و این کار بعد از آن صورت می‌گرفت که تمام گرته‌های دیگر بررسی و رد می‌شد. مثلاً در مواردی که یک زنمده «قبصری» در یک ماموریت خطرناک عملیاتی نیاز داشت که برای بهتر جلوه کردن داستانی که سرهم کرده بود زنی او را همراهی کند، یکی از کارکنان زن موساد که برای این گونه ماموریت‌ها آموزش دیده بود، آن

استفاده از زنان در عمل برای به‌دام انداختن افراد از طریق جاذبه جنسی اندکی افزایش یافته بود. ولی کاربرد این شیوه به اکراه صورت می‌گرفت.

ادامه دارد
11.HADAR DAFNA

✽ اشاره:

سرویس خارجی: صرف نظر از خطای یسزرگ تانیا‌هو در جریان انتخابات آمریکا، یک نکته را نباید در پدید آمدن چنین اشتباهات فاحشی در عرصه سیاسی نادیده گرفت. او سه عنوان یک‌چهره افراط‌گرا و جنگ‌طلب، طبیعتاً منافع خود را در ظهور راستگر ایان تندرو در صحنه قدرت آمریکا می‌دید، اما سؤال اینجاست که آیا آمریکا از این پس به چنین فرمول‌هایی پاسخ خواهد داد و شرایط روابط دو طرف مانند گذشته خواهد بود؟ هستند آگاهانی که به این سؤال پاسخ منفی می‌دهند و در این بخش از مقاله، بیشتر با دیدگاه آنها آشنا می‌شویم.

✽✽✽

اولمرت است که در سه سال نخست‌وزیری خود رابطه خوب و نزدیکی با رئیس‌جمهور آمریکا داشته است. هر چند که ووتر اشاره می‌کند انتخاب ابوما هم ممکن است نتواند به انتخاب اولمرت کمکی کند. آنچه بیش از همه در تمام تحلیل‌های انجام‌شده در رسانه‌های اسرائیلی به چشم می‌خورد، این است که تانیا‌هو قطعاً بهیای حمایت‌خود از رقیب ابوما را می‌پردازد. رقبای تانیا‌هو در انتخابات پارلمان اسرائیل که قرار است تا چند ماه آینده بر گزار شود، احتمالاً از حمایت کاخ سفید برخوردار خواهند بود و شاید از دست‌اند در دوره دوم نخست‌وزیری رژیم‌صهیونیستی، بهایی باشد که تانیا‌هو باید برای شُرطیندی نستجیده و حمایت‌اشکار از بازنده رقابت‌های انتخاباتی آمریکا، بپردازد.

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽



انتخابات آمریکا ؛ اوپاما و دورنمای آینده

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽



انتخابات آمریکا ؛ اوپاما و دورنمای آینده

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽

✽✽✽



لعلچان گوی‌گاه

**عملیات عمرانی میدان امام حسین (ع) به اتمام رسید**

معاون شهردار تهران از اتمام عملیات عمرانی در محدوده میدان امام حسین (ع) خبر داد.
به گزارش فارس، مجتبی عبداللهی، درآیین زمینه توضیح داد: کارهای خدماتی جزئی در این میدان باقی مانده است که به زودی به اتمام می‌رسد. او درباره فعالیت‌های شهرداری در این میدان برای مراسم سوگاری شامو عاو و عاشورا و اهدای افتخار داشت،تنامی نیز برای خریدهای ضروری در این روز به حالت آمادباش بودند و کار نظافت شهر پس از اتمام مراسم را به خوبی انجام دادند.

**مدیران شهری منطقه ۲۰ ویلچر تردد کردند**

مدیران شهری منطقه ۲۰ بر اساس طرحی ابتکاری،معارب و محورهای اصلی مناسب سازی شده شهری را با باراندن ویلچر بررسی کردند.
به گزارش تهران سما، علیرضا اسفندیاری از معاون حمل و نقل و ترافیک شهرداری منطقه ۲۰ به ایجاد هفت معبر نمونه ترافیکی در محدوده نواحی هفت گانه اشاره کرد و توضیح داد:سهولت تردد با ویلچر شرط ایجاد معبر نمونه شهری است. او به اهمیت رضایت مندی و امکان دسترسی به امکانات شهری برای اقشار اقشار جامعه اشاره کرد و ادامه داد: پس از ایجاد معبر نمونه ترافیکی در نواحی هفتگانه،این معارب به یک ویلچر سوار تحویل داده می شود و با تایید وی به بهره برداری می‌رسد.

**گردهمایی زنان عاشورایی بر گزار شد**

سرویس سیاسی اجتماعی:نشستیم گردهمایی زنان عاشورایی دیروز به همت شهرداری تهران در میدان امام حسین (ع) برگزار شد.
به گزارش خبرنگار مانر گس معنیی پور مدیرکل امور بانوان شهرداری تهران در حاحاتیه این گردهمایی از صدور ششمین پیاپیانه زیاده عاشورایی خبر داد و افزود: «دین پیاپیانه با محوریت ترویج فرهنگ عفاف و حجاب و نقش زنان با همکاری بسیج بانان سپاه محمد رسول الله تنظیم و صادر شد.
او ادامه داد: درآیین گردهمایی هابائون تهرانی، با آرم‌های والای قیام امام حسین (ع) به ویژه در موضوع امر به معروف و نهی از منکر از جمله ترویج فرهنگ عفاف و حجاب آشنا می‌شوند و بر مظلومیّت و مصیبت های حضرت زینب(س) سوگواری می‌کنند.
به گفته معنیی پور بر گزارری برنامه های چون گردهمایی زنان عاشورایی ضمن نگهداری مناسب برای هیات های مذهبی بانوان، زمینهی ارتقای کار آیی اثر بخشی و کیفیت تبلیغات دینی در بانوان را فراهم می‌کند.

**متمموبیت ارائه خدمات لیزی در آرایشگاهها**

مدیرکل نظارت سازمان نظام پزشکی با اشاره به همکاری نزدیک این اداره کل با معاونت درمان دانشگاه‌های علوم پزشکی در برخورد با تخلفات در حوزه سلامت تأکید کرد: بر اساس قوانین، هرگونه لیز تراپی و ارائه خدمات پوستی با لیزر در آرایشگاهها ممنوع است و در صورت گزارش یا شناسایی، با اقلاصه با متخلفان برخورد می‌شود.

همچنین به کارگیری دستگاه‌های مختلف برای کاهش وزن در باشگاه‌های ورزشی و بدنسازی و پرورش اندام ممنوع بوده و ارائه این گونه خدمات تنها توسط پزشکان دارای مجوز مربوطه صورت می‌گیرد.
به گزارش روابط عمومی نظام پزشکی، دکتر حجت‌الله قمیعی افزود: یکی از برنامه‌های سازمان نظام پزشکی بازدید و ارزیابی مطب‌ها، دفاتر کار و مراکز درمانی-تشخیص بخش خصوصی است و برای پرهیز از موازی‌کاری با سایر نهادهای نظارتی با آرایشگاه‌های علوم پزشکی سرایر کشور همکار نزدیک صورت خواهد گرفت و به شناسایی گزارش و پیگیری تخلفاتی چون عدم رعایت تعرفه‌های قانونی، نداشتن مجوزها و پروانه‌های طبابت قانونی و بررسی صلاحیت ارائه‌کنندگان خدمات حوزه سلامت با معاونت درمان دانشگاه‌های علوم پزشکی همکار خواهد کرد.

**تردد بیش از ۱۰۰۰ اتوبوس فرسوده در پایتخت**

تعداد اتوبوس‌های فرسوده تهران از مرز یک‌هزار و شصت‌گشتاد و چهاری تا ندریم چزان آن که تا نامین امروز هیچ جایگزینی، اتوبوس‌های فرسوده موجود را حفظ کنیم چراکه با حذف این اتوبوس ها، مسافران با مشکلات جدی مواجه می‌شوند

این مطلب را پیمان سندنجی مدیر عامل شرکت واحد اتوبوسرانی تهران اعلام کرد و توضیح داد: افزایش قیمت لوازم یدکی اتوبوس ها، نوانسان‌های ازی و تخصیص یافتن ارز مرجه به اتوبوس‌های خریداری شده، چالش‌های بزرگی است که ناوگان اتوبوسرانی تهران را با آن رو برو است. به گزارش تهران سما او افزود: دولت موظف است ۲۰۰۰ دستگاه اتوبوس جدید بابت سهمیه پارسل و ارسال را به تهران واگذار کند در صورتی که تا کنون حتی یک دستگاه اتوبوس هم در اختیار ما نمانده است. سندنجی همچنین اظهار داشت: تعمیر و نگهداری اتوبوس‌های ناان افزایش چشمگیری داشته است و برای خرید قطعات مورد نیاز دچار مشکلات زیادی شده‌ایم. به گفته او قیمت لوازم یدکی اتوبوس ها ۲۲۰ درصد افزایش یافته است.

**۱۰ بیمارستان بر تو رد زمینه اِمنی بیمار معرفی می‌شوند**

مدیر کل مدیریت پدیرتی بیمارستانی، تعالی خدمات‌بایلی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گفت: ۱۰ بیمارستان بر تو رد زمینه حاکمیت بالینی و ایمنی بیمار در جشنواره حاکمیت بالینی معرفی می‌شوند.

به گزارش ایرنا، دکتر محمد روفایی بیان این که جشنواره حاکمیت بالینی، بهمن ماه برگزار می‌شود، افزود: یکصد کارشناس ارزیاب وزارت بهداشت پس از گذراندن آموزش‌های لازم، بیمارستان‌ها را از نظر حاکمیت بالینی و ایمنی بیمار ارزیابی می‌کنند.به گفته وی ارزیابی بیمارستان‌ها به منظور شال‌مدیریت بهتر و اجرا مین برپا خواهد درست، تعامل با بیمار، ارتقای نیروی انسانی، شاخص‌های برنامه ریزی و میزری بالینی بر اساس راهنمای‌های بالینی و ایمنی بیمار صورت می‌گیرد.

حاکمیت بالینی، چارچوبی است که سازمان‌های ارایه کننده خدمات سلامت را موظف به رعایت اصول تعالی خدمات بالینی کرده و از این طریق، آنها را در مقابل حفظ و ارتقای کیفیت خدمات ارایه شده، پاسخگو می‌کند.

**مرگ دخراش ۱۴ معلول بر اثر آتش‌سوزی در یک کارگاه**

برلین -بر اثر آتش‌سوزی در یک کارگاه نجاری ویژه معلولان در شهر

«تینیزه نومی اشتای» واقع در جنوب غربی آلمان ۴۵ نفر را از دیگر شاغلان در این مجتمع کارگاهی جان خود را از دست دادند و تعدادی هم دچار سوختگی‌های شدید شدند.

این کارگاه معلولان متعلق به کلیسای کاتولیک‌ها در جنوب آلمان است که بر اثر آتش‌سوزی دچار خسارت‌های جدی شده‌است. به گفته سخنگوی پلیس این شهر: دلیل وقوع آتش‌سوزی هنوز مشخص نیست اما برهه‌ای از آتش‌نشانی که مشغول بررسی برای مشخص کردن علت حریق هستند، از انفجار در این نگهداری چسب و مواد شیمیایی این کارگاه به عنوان عامل احتمالی آتش‌سوزی نام برده‌اند. بر اساس این گزارش، نزدیک به ۵۰ نفر از معلولان و کارکنان این کارگاه در حالی که در اتاق‌های معلولان در درگاه‌ها بودند، به کمک برزهای آتش‌نشانی نجات یافتند. در این کارگاهی که در حیطه‌های نجاری، مکانیکی و مونتاژ فعالیت دارد، حدود ۱۲۰ معلول جسمی و ذهنی کار می‌کنند.

## تشدید مبارزه با گرانفروشی در استان تهران

سرویس خبر: معاون حقوقی سازمان تعزیرات حکومتی استان تهران، از تشدید مبارزه با گرانفروشی خبر داد و گفت: در اجرای طرح «ویژه‌ای زیر عنوان گشت سیاره» با هر تخلفی در همان محل برخورد قانونی می‌شود.
بزرگمهر صادقی نیچ‌کوهی در گفتگو با خبرنگار ما، افزود: در بازرسی‌های انجام شده ۲۸۵ پرونده سیاره برای متخلفان تشکیل و در محل رسیدگی شد و حدود ۴ میلیارد ریال جزای نقدی برای این تعداد پرونده در نظر گرفته شد.

**برگزاری دومین اجلاس منطقه‌ای مبارزه با فساد کشورهای عضو اکو**



سرویس خبر: دومین اجلاس رؤسا و نمایندگان دستگاه‌های مبارزه با فساد و نهادهای اقتصادی (اِکو) با حضور رئیس سازمان بازرسی کل کشور در تاجیکستان برگزار شد.
در این اجلاس، مرکز همکاری منطقه‌ای دستگاه‌های مبارزه با فساد و نهادهای آمودزمنی کشورهای اِکو آغاز به کار کرد و با حضور نمایندگان ایران، افغانستان، پاکستان، ترکیه، قرقیزستان، آذربایجان و قزاقستان

### کاهش تصادفات فوتی در تصادوا و عاشورای حسینی

سرویس خبر: اسامال کتمرین آمار تصادفات منجر به فوت را در تعطیلات تاسوعا و عاشورا در مقایسه با اسال‌های گذشته داشتیم.

سرهنگ سلبی رئیس مرکز کنترل پلیس راه کشور با اعلام این مطلب افزود: به اجرای طرح ویژه پلیس راه در تعطیلات تاسوعا و عاشورای حسینی و همچنین به کارگیری دوربین‌های هویشمند کنترل سرعت در جاده‌های کشور در این تعطیلات شاهد کاهش ۶۱ درصدی تصادفات جرحی و فوتی بوده‌ایم.

### نجات یافته یک تصادف قربانی تصادف دیگری شدند

ایسنازیس اداره اطلاع‌رسانی فرماندهی انتظامی استان همدان از وقوع یک فقره تصادف در محور غامین همدان و کشته شدن چهار نفر خبر داد.

سرهنگ محسن اقبالیان افزود: ساعت ۲۲ و ۲۰ دقیقه یکشنبه شب یک فقره تصادف خسارتی بین یک دستگاه پژو ۴۰۵ با چهار سرنشین و یک دستگاه نیسان در محور فامنین-همدان اتفاق افتاد که هیچ یک از سرنشینیان اسد نذیدن.

وی ادامه داد: اما متأسفانه یک دستگاه ر‌ا که از محل تصادف عبور می‌کرد با سرنشینیان پژو ۴۰۵ که از خودرو پیاده شده بودند، برخورد کرد و همه آنها را کشت. اقبالیان اضافه کرد: راننده ر‌وا از محل حادثه گریخت و پرونده این حادثه در حال پیگیری است.

### مرگ ۲ برادر خردسال در رودخانه فصلی شهر برازجان

بهر شهر فرمانده نیروی انتظامی دشتستان گفت: دو برادر نه و شش ساله بر اثر سقوط در رود کارآب واقع در مسیر یکی از رودخانه‌های فصلی شهر برازجان در استان بوشهر جان خود را از دست دادند.

سرهنگ داوود محمoodsازده افزود: این دو برادر در نزدیکی این گودال که در پی بارندگی‌های چند روز اخیر پُر شده بود، مشغول بازی بودند که برادر کوچک‌تر در گودال سقوط کرده و برادر بزرگ‌تر برای نجات او وارد رودخانه گودال انداخته بود، اما هر دو به علت غرق شدگی جان سپردند.

سرمایه گذاری، هیات رسیدگی و هیات نظارت بر مقررات زدایی «بهبود فضای کسب و کار و تسهیل» تسریع و کاهش هزینه صدور و تمدید مجوزها و حذف مجوزهای غیر ضروری از دیگر ظرفیت های کشور برای جذب سرمايه گذاری خارجی است.

وی با اشاره به بسترهای قانونی و مشوق های سرمايه گذاری خارجی در ایران، افزود: تصمیم برداختن غرامت در صورت عملی شدن،سلب مالکیت و تضمین جریان زیان ناشی از ممنوعیت با توقف اجرای موافقتنامه مالی در سرمايه گذاری های خارجی- به روش تریبیتات قراردادی بر اثر وضع قانونی با تضمینات دولت از مشوق های سرمايه گذاری در کشور است.

علیشیری همچنین تصمیم خرید کالا و خدمات تولیدی طرح سرمايه گذاری خارجی در مواردی که دستگاه دولتی خریدار انتحصاری با عرضه کنندۀ کالای خدمات تولیدی به قیمت پارانۀ ای است و تضمین تامین و انتقال آذانه از راز دیگر مشوق های سرمايه گذاری خارجی اعلام کرد.

قانونی از قریب به ۱۰۰ معملیات جاریه ییگانه از بزرگراهای ویژه ایجاد شدند و تعدادی اقلام ضد امنیتی را نیز در عدد اتومار داورو را متوقف کنند.
معاون عملیات مرزبانی شرقی اضافه کرد:بمشور و رسایقه دار در جنوب شرق کشور هم دستگیر شدند و بیش از ۳۵۹۰ کیلو گرم مواد مخدر در یکی از هنگهای مرزی ۴۰۰۰ راس احجام قاچاق از دیگر اوا بشاوره به اتار سو و دزیابار ورود غیرقانونی و خارج از نظارت اقلام دارویی، ادامه داد: مرزداران

## تشدید مبارزه با گرانفروشی در استان تهران

او با اشاره به این که در اجرای طرح مذکور ۶۰ واحد صنفی هم پلمب شد، گفت: بیشتر پرونده‌ها در زمینه گرانفروشی و احکارب و محکارب صادقی همچنین با نا آگاهی صنف از برخی قوانین اشاره کرد و گفت: با توجه به اینکه بیشتر صنف متصف هستند، علت بروز برخی تخلفات آگاهی نداشتن آنان به قانون تعزیرات و نظام صنفی است.
وی پیشنهاد کرد که قبل از این که اتحادیه‌ای مجوزی را برای اصنف خود صادر کنند، تدابیری

**حقوق ملت‌هایی از ضروری ترین اقداماتی است که باید به آن متعهد شویم.**
افزود: متأسفانه امروز شاهدیم که مردم مظلوم فلسطین و غزه مورد بیشترین تعرضات و فساد بزرگ رژیم جعلی صهیونیستی قرار گرفته‌اند.

حجت‌الاسلام و المسلمین یور محمدعلی افروز: این نخستین نود منطقه‌ای برای مبارزه با فساد و رسیدگی به شکایات مردمی است که توامان با حضور دستگاه‌های مبارزه‌کننده با فساد و نهادهای آمودزمنی کشورهای عضو اِکو در جامعه جهانی تشکیل می‌شود. رئیس سازمان بازرسی کل کشور با اعلام آمادگی جمهوری اسلامی ایران برای ارائه خدمات و فعالیت‌های تخصصی مبارزه با فساد و رسیدگی به شکایات مردمی به کشورهای عضو اظهار داشت: برگزاری دومین اجلاس رؤسای دستگاه‌های مبارزه با فساد و نهادهای آمودزمنی کشورهای اِکو تأسیس شد. رئیس سازمان بازرسی کل کشور در این اجلاس-با همکاری و بافاد و گسترش عمیق فعالیت‌های آمودزمنی است.

برای ایجاد تسهیلات در زمینه تبادل اطلاعات، تجربیات، معاضدت‌های حقوقی و اداری و همکاری‌های لازم به مجامع بین‌المللی: سال گذشته (م۲۰۱۱) در تهران برگزار شد. در این اجلاس نمایندگان کشورهای عضو توافق کردند که مرکز همکاری منطقه‌ای دستگاه‌های مبارزه با فساد و نهادهای آمودزمنی کشورهای اِکو تأسیس شود. رئیس سازمان بازرسی کل کشور در این اجلاس-با همکاری و بافاد و گسترش عمیق فعالیت‌های آمودزمنی است.

### سر شبکه بزرگ تهیه و توزیع هروئین و کراک در دام پلیس

دراستان عمومی و انقلاب کرمان گفت: سر شبکه بزرگ تهیه و توزیع کلان هروئین و کراک در سطح کشور شناسایی و دستگیر شد.

یسه‌الله موح‌افروز: با تلاش سربرایان گمنام هم‌زمان (عج) و پس از پیگیری‌های مستمر اطلاعاتی سرانجام «حبیب‌الف» سر شبکه این گروه در شهر زاهدان در چنگ قانون گرفتار شد. وی افزود: این سرور در امر تهیه و توزیع کلان مواد مخدر فعالیت داشت و مواد مخدر را از اشعار کشور افغانستان در زنجیر خریداری و به صورت خردفای و با استفاده از مجازاتی در تاکت‌های تفکزش و خودروهای صوفی به استان‌های عمقی کشور منتقل می‌کرد. موح گفت: این قاچاقچی سرمایه‌های کلانی از این راه به دست آورده بود و با وجود دستگیری عوامل اصلی شبکه، همچنان به فعالیت خود ادامه می‌داد. درداستان عمومی و انقلاب کرمان گفت: هفت نفر از اعضای این شبکه در شهر کرمان دستگیر شدند و ۱۵۸ کیلوگرم هروئین و کراک از آنها کشف، شش دستگاه خودرو توقیف و تاکنون بالغ بر ۱۸ میلیارد ریال وجه نقد نیز از آنها کشف و ضبط شده است.

### دستگیری جوانی که پسر عمویش را کشت

سرویس حوادث: درگیری میان دو پسرعمو، موجب قتل یک یکی از آنها شد.

ماموران کالتسری ۱۷۱تهران در اواخر تیر اسامال به دلیل اعلام صاحب یک کارگاه نجاری مبنی بر مشاهده جسد سوخته کارگرش به نام محمد در داخل کارگاه در منطقه «فرعی‌سی گره» با حضور در محل موضوع را به رئیس اداره‌گاه عمومی و انقلاب اطلاع دادند و با تشکیل پرونده کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران با حضور در محل متوجه شدند که محمد از حدود یک سال پیش به عنوان نیکبان در این کارگاه‌نجاری مشغول به کار شده‌و به واسطه علاقه به دختر جوانی از سوی خانواده او مورد تهدید قرار گرفته بود. ماموران با توجه به پیدا شدن مقداری مواد مخدر استفاده شده در صحنه جنایت و انجام تست سرعت داخل کارگاه این فرضیه را در عمل جانیات از آشنایان محمد بوده سرنگ نادی فرمانده پلیس راه استان کردستان خاکی بودن جاده روستا و ناتوانی راننده در کنترل مینی‌بوس را علت سناحه سقوط به دره اعلام کرد

#### لعلچان گوی‌گاه حواله

**سقوط مینی بوس به دره ۳ کشته و ۱۵ مجروح داشت**
سنندج به داخل دره سه کشته و ۱۵ زخمی برآورد شد.

فرماندار سنندج، در حادثه صدم دیروز رخ داد و مصدومان به سه سرعت به مراکز بیمارستانی سنندج انتقال یافتند، اما حال چهار نفر از مصدومان وخیم است.

سرهنگ نادی فرمانده پلیس راه استان کردستان خاکی بودن جاده روستا و ناتوانی راننده در کنترل مینی‌بوس را علت سناحه سقوط به دره اعلام کرد
فرماندار سنندج، در حادثه صدم دیروز رخ داد و مصدومان به سه سرعت به مراکز بیمارستانی سنندج انتقال یافتند، اما حال چهار نفر از مصدومان وخیم است.

چین: شمار قربانیان حادثه معدن زغال سنگ در جنوب غرب چین به ۲۲ نفر رسید.
انفجار گاز در حالی در این معدن رخ داد که ۲۸ معدنچی زیر زمین کار می‌کردند. بر اثر این حادثه ۲۰ معدنچی راج خود را از دست دادند و اجسادشان پیدا شد و دو روز پس از این حادثه امدادگران اجساد دو معدنچی دیگر را از معدن زغال سنگ شیاگن شوی بیرون کشیدند. در این حادثه شش معدنچی نجات یافتند و با وضعیت بحرانی قرار دارند.

**۲۰کشته و زخمی در آتش‌سوزی جنوب هند**
هند: پلیس هند از وقوع آتش‌سوزی در حیدرآباد مرکز ایالت اندراپرادش در جنوب این کشور و کشته شدن پنج نفر و سوختگی ۱۵ نفر دیگر خبر داد.

این آتش‌سوزی در یک محل فیلمبرداری در منطقه ماینکوندا روی داد و به تدریج به یک ساختمان پنج طبقه مجاور گسترش یافت که منجر به مرگ پنج نفر از سکنه آن شد.

تحقیقات درباره علت وقوع این حادثه آتش‌سوزی ادامه دارد.
**حملات شبانه دربرلین ۱۵ کشته برجا گذاشت**

برلین: حملات شبانه شبانه شش نفر در ساتولوپول دو مومین شهر بزرگ برلین ۱۵ کشته و ۲۳ زخمی برجا گذاشت.

## حرکت کاروان حامل ضریح مطهر امام حسین (ع) از قم به تهران

قم: بهر اسامد، ضریح مطهر امام حسین (ع) صبح دیروز با حضور پرشور هزاران تن از عاشقان ابا عبدالله الحسین (ع) در قم برگزار شد.
در این مراسم معنوی شرکت کنندگان دو هفته‌ای عزاداری را ورش کردند. اینسیدو، توجه‌سرای و لشکر آه، ضریح مطهر سیدالشهدا (ع) را به سمت تهران بدرقه کردند. این ضریح مطهر امروز وفردا در میدان امام حسین (ع) میهمان تهرانی‌ا خواهد بود.

### تعطیلی مدارس ابتدایی گناوه به علت بارندگی

گناوه:مدیر آموزش و پرورش گناوه گفت:مدارس پایه ابتدایی این شهرستان در نوبت صبح دیروز به دلیل بارندگی تعطیل شدند. محمد بهیمیری افزود: با توجه به شدت بارندگی و آب‌گرفتگی خیابان‌ها و معابر برای تأمین سلامت دانش‌آموزان، با هماهنگی مسئولان این تصمیم اتخاذ شد. بیش از ۱۷ هزار دانش‌آموز در شهر سنندج ۹۰ هزارنفری گناوه در شمال استان بوشهر به تحصیل شدند.

### بازداشت دزد تابلو فرش‌های نفیس در اصفهان



راننده یک خودروخوار در هفتم آبان امسال از تهران محموله بار تابلو فرش‌های نفیس را به مقصد کرمانشاه بارگیری کرد، اما هرگز به مقصد نرساد و با اعلام شکایت مالباخته پروندهای تشکیل شد.

کارآگاهان پلیس آگاهی استان اصفهان دردم آذر جاری در پی کسب خبری مبنی بر این که فردی قصد فروش تعدادی تابلو فرش نفیس مشکوک را دارد به محل اعزام و صاحب آن‌ها را که جوانی به نام سجادی بود دستگیر کردند.

سرهنگ حسین حسین زاده رئیس پلیس آگاهی استان اصفهان در این باره گفت: در تحقیقات صورت گرفته از متهم مشخص شد که او از افراد سابقه‌دار است و تابلو فرش‌ها که متعلق به یکی از تاجران فرش در تهران بوده در زده است. وی اضافه کرد: متهم در بازجویی گفت: پس از بارگیری تابلو فرش‌ها وی از نفیس بودن و ارزش بالای آنها باخبر شد و به دلیل نداشتن پازنامه یک کره دوازده سوسه خود را در محل خرید و فروش کرد. این شهروستان‌های اصفهان بر دم و منتظر فرصتی بودم تا آنها را به یک شخص مطمئن به فروش برسانم. رئیس پلیس آگاهی استان اصفهان گفت: با اعتراف متهم خودرو خاور حامل ۳۲ تابلو فرش نفیس دستباف ابریشمی کشف و تابلو فرش‌ها به صاحبش باز گردانده شد.

**گاز گرفتگی ۱۷ دانش آموز در خوی**

ارومیه: هفده دانش‌آموز یک مدرسه راهنمایی دخترانه در شهرستان خوی دچار گاز گرفتگی شده‌است.
در گفت‌وگو با خبرنگار فارس، مدیر آموزش و پرورش خوی گفت: در این حادثه ۱۷ نفر از دانش‌آموزان بر اثر اشتناق قلب گاز متوکسیدکربن دچار تهوع و استفراغ شدند.
در این حادثه ۱۷ نفر از دانش‌آموزان بر اثر اشتناق قلب گاز متوکسیدکربن دچار تهوع و استفراغ شدند.
در این حادثه ۱۷ نفر از دانش‌آموزان بر اثر اشتناق قلب گاز متوکسیدکربن دچار تهوع و استفراغ شدند.

**توقف طرح توسعه دانشگاه صنعتی شریف**

رییس دانشگاه صنعتی شریف با بیان اینکه وضعیت بودجه دانشگاه خوب نیست، گفت: در سال ۹۱ میزان بودجه تخصیص یافته عمرانی، پژوهشی و فرهنگی دانشگاه صفر بوده است. دکتر رضا روستا از دانش‌رود گفت: با ایستنا، با بیان اینکه تابه حال فقط حدود ۴۰ درصد از بودجه مصوب به دانشگاه اختصاص یافته است، اظهار کرد: در حال حاضر فقط بودجه اختصاص یافته بودجه هزینه‌های جاری است که شامل حقوق و دستمزد کارکنان و کارمندان می‌شود.

وی با بیان اینکه بودجه به صورت نتخیرا ه ماهانه به دانشگاه وارد می‌شود، گفت: بودجه تعمیر و تجهیزاتی در سال جاری صفر بوده است. روستا آزاد درباره وضعیت طرح توسعه دانشگاه نیز اظهار کرد: طبیعتاً با توجه به نبود بودجه عمرانی، تعمیر و تجهیز، طرح توسعه فعلاً متوقف است.

پلیس اعلام کرد از جمله این حوادث خونین می‌توان به تیراندازی چهار مهاجم مسلح سوار بر دو دستگاه موتورسیکلت که سوار به رستوران و کشته شدن یک مرد و فرزند پنج ساله او و نیز زخمی شدن ۱۱ نفر اشاره کرد.

به گفته پلیس، در حمله دیگری نیز دو مرد مسلح ناشناس به سوی گروهی از مردم در یک سوپرمارکت از فاصله نزدیک تیراندازی کرد که در سه نفر جان سپردند و یک مامور آتش نشان نیز زخمی شد.

در منطقه دیگری از شهر، ماموران پلیس به سوی مظلومانی که تلاش داشتند به خانه‌ای دستبریزند، تیراندازی کردند که سه نفر کشته شدند.

**توفان در پاناما به ۸۰۰ خانه زیان زد**

پاناما: توفان در پاناما در آمریکای مرکزی به صدها خانه در این کشور آسیب زد و تن را به کام مرگ فرستاد.

رانتش زمین که بر اثر باران‌های سیل آسا روی داده به ۸۰۰ خانه آسیب وارد کرد و آسیب‌های جانی بیش از ۱۰۰ نفر از خانه‌هاشاند.
در مارتینلی رییس جمهوری پاناما سه منطقه در این کشور را نقاط فاجعه زده اعلام کرد و افزود: این حادثه جدی تر از آن است که مردم تصور می‌کنند. در منطقه «پوره» آه با تأیید حتماً ها را رافرا رفت و خروش رودخانه‌ها سبب آبگرفتگی معابر و مغازه‌ها شد.

**۴ قلو زایی یک گوسفند در پلدشت**

ارومیه: در پدیده‌ای نادر در شهرستان پلدشت، گوسفندی چهار بچه به دنیا آورد.

این گوسفند از نوع ماگوکی است و بره‌های متولد شده آن همگی سالم هستند. علیرود رئیس اداره دامپزشکی پلدشت تغییرات ژنتیکی در این گوسفند را علت این چهار قلو زایی اعلام کرد.

**کشف ۱۹۰۰ حصد قربانیان مفاید مرکز یک**
مکزیک:پلیس مکزیک از کشف ۱۹۰۰ حصد در ایالت مرزی «چیچوآوا» در شمال این کشور خبر داد.
در این میان، ۱۱ حصد مربوط به افرادی است که مدت‌ها قبل کشته شده و در گورهای جمعی دفن شده بودند. اما هشت حصد دیگر که آثار شکنجه نیز روی آن‌ها مشاهده می‌شود، در روزهای اخیر کشته شدند.
در گزارش دستاوسان مرکز اعلام کرد: ۱۱ حصدی در منطقه «آجیلو جیزز کارتا» نزدیک مرز آمریکا و در حدود ۱۴ کیلومتری جنوب شرقی «سینودا خواز» کشف شد.
ظاهر قربانیان دو سال پیش و در زمان اوج درگیری بین شبه‌های اچ‌جایو موخدر که تلاش می‌کردند مسیر‌های عبور از مرز را به کنترل خود درآورند، کشته شده بودند.
به گفته مسئولان قضایی مکزیک، اجساد هشت نفر در امتداد جاده‌ای نزدیک روسیلا در فاصله حدود ۲۰۰ کیلومتری جنوب شرقی اوچیتانو نگزاش کشف شد. این افراد ظاهرآ جمعه یوده شده بودند و اجساد آنها شنبه پس از شکنجه و اصابت گلوله به سرشان کشف شد.

شبه شنبه ۱۷ آذر ۱۳۹۱ - ۱۲ محرم ۱۴۳۴ - ۲۷ نوامبر ۲۰۱۲ - شماره ۲۵۶۵

**خط ارتباطی اطلاعات بامردم**

۲۲۲۲۶۰۹۰

**۲۴ بند از ظهر بجز پنجشنبه و تعطیلات**

**چند نکته در خور توجه خوانندگان گرامی**

توجه خوانندگان محترم در ارتباط با پدیده‌های تلفنی به نکات زیر جلب می‌کنیم:

- \* موضوعات پدیده‌ها جنبه خصوصی، حقوقی و قضایی نداشته باشد.
- \* از تکرار یک پدیده روی یک شماره اکیدا خودداری نماید.
- \* پدیده‌ها مختصر و مفید، شمرده و دقیق باشد.
- \* چاپ پدیده‌ها بر اساس نوبت است

بشکرت- سرویس ارتباطات مردمی

**ایمیل خط ارتباطی:** ertebat@etelaat.com

**دولت به کمک ما بشاید**

از اعضای خانواده‌های ایثار گر هفتم که ۳۱ سال خدمت از سازمان تأمین اجتماعی بازنشسته شده‌ام و ۵۴۰۰ تومان در ماه حقوق می‌گیرم و این در حالی است که ۳۰۰۰ فرزند دانشجو دارم. از دولت محترم انتظار می‌رود امثال مرا از یاد نبرد و طبق وعده‌هایی که بارها داده است، به یاری ما بپشتاید.

**بازنشسته تأمین اجتماعی**

**از تباطی با دانشگاه فردوسی مشهد ندارد**

با توجه به این که هنگام تکمیل ظرفیت کنکور سراسری سال ۱۳۹۰ مرکز آموزش عالی گنبدادواست به دانشگاه فردوسی مشهد و محل تحصیل آن نیز گنبداد ذکر شده بود، رشته مهندسی کامپیوتر با کد ۹۴۰۷ از انتخاب کردم. اما موقع ثبت‌نام متوجه شدم که مرکز آموزش عالی کتاباد هیچ ارتباطی با دانشگاه فردوسی مشهد ندارد و این که رئیس جامعه جمهری به وزیر علوم دست‌ورسیدگی به موضوع و محل مشکل را در متأسفانه تاکنون در این مورد اقدامی صورت نگرفته است.

**گنبداد (خراسان رضوی) – خانم دانشجو**

**از انتخاب اسامی خاوندان برای فرزندان نامی پیر هزیم**
بسیاری از والدین ندانسته اسامی فرزندانشان را از اسماء خداوند متعال انتخاب می‌کنند که ضمن آگاهی دادن به آنان، ضرورت دارد سازمان ثبت احوال نیز از ثبت اسامی یادشده، خودداری کند که به عنوان مثال می‌توان به حمید، وهاب، رحمان، رحیم، صمد و علی اشاره کرد که باید به صورت‌های عبدالحمید، عبدالوهاب، عبدالرحمان، عبدالرحیم، عبدالصمد و عبدالعلی نوشته و خوانده شود.

به هر حال، انتخاب صفات حضرت باریتعالی برای انسان مخلوق کار درستی نیست و به جای آن باید نام‌هایی که نشان‌دهنده عبودیت انسان در برابر خدا باشد، انتخاب گردد.

**تلفن به خط ارتباطی**

در سازمان بهریمستی شعبه ششمیرانات ۲ سال است که باتری سمعک رایگان به کسی داده نمی‌شود و در ضمن برخورد خوبی هم با مراجعه‌کنندگان ندارند. مرکز گار نیست سازمان بهریمستی برای از دوش مردم بردارد، نه این که فقط هزینه‌هایش را از دولت بگیرد؟

**تلفن به خط ارتباطی**

**هوزو خبری از سبد کالای رمضان نیست**

۶ سال سابقه کار ماهانه ۵۷۰۰ هزار تومان حقوق از وزارت آموزش و پرورش دریافت می‌کنم. همسر خانه‌دار است و یک بچه داریم و اجاره‌نشین هم هستیم، با این حال هنوز سبد کالای رمضان را درابتای نگذریده‌ام. بهتر نبود سبدهای کالا را به ادارات آموزش و پرورش مناطق می‌دادند تا به صورت منطقه‌ای این کارمندان پخش کنند؟

**یک فرهنگی**

**ارزش مطالبات کاهش یافته است**

زمانی که بودجه کشور را با دلار ۶۰۰ تومانی می‌بستند، به مطالبات پایان خدمت احتیاج بیشتری داشتم‌و می‌توانستم از آن بیشتر استفاده کنم. حالا که قرار است بودجه را با دلار ۱۴۰۰ هزار تومانی بپندند، ارزش پول به یک‌سوم کاهش یافته است و با مطالبات هم نمی‌توان مشکلی را حل کرد.

**بازنشسته کشوری**

**تأمین روشنایی و آسفالت کوچه**

در لوسان کوچک، کوچه باریکی بین نسترن و بن‌بست یاس وجود دارد که برای عدم عمومی خانه‌دار است و شب‌ها به دلیل تاریکی، فضای رعب‌انگیزی برای خانوات ایجاد کرده است. ضمناً، این کوچه پر از چاله است و در ادامه این راه باریک، بن‌بست یاس واقع شده است که برای هدایت آب‌های سطحی و آب باران و فاضلاب نیاز مبرم به یک مجرای روباز در وسط کوچه دارد و لازم است پس از انجام آن، کوچه آسفالت شود.

ضمناً تابلوی کوچه به دلیل پاشیده شدن سیمان، نیاز به بازنویسی دارد.

**صیدی بی‌رویه ماهیان سفید**

در گذشته نه چندان دور، در بساط ماهی‌فروشان شمال، ماهی سفید با وزن کمتر از ۶۰۰ گرم دیده نمی‌شد و اگر ماهی کوچک‌تر به فروش می‌رسید، اداره شیلات فروشنده را جریمه می‌کرد. متأسفانه حالا به وفور بچه‌های ماهی سفید صید می‌شود و به فروش می‌رسد و صیادان هر روز چشمه روزه‌های ماهیگیری را کوچک‌تر می‌کنند و صیدی بی‌رویه ماهی‌های کوچک باعث کاهش ذخایر ماهیان شده‌اند. در گذشته در فاصله ۱۰ کیلومتری «چمنخاله» تا «تالکلیچال» ۱۲ تله به آب می‌انداختند و صید خوبی هم بود، حالا فقط یک تور به آب می‌اندازند و ماهیگیران ناراضی هستند. کمبود ماهی به ۲ دلیل است: یکی ورود آب‌های آلوده به رودخانه‌ها و دریا و دیگری نبود نظارت بر چگونگی صید ماهیان به وسیله شیلات.

**دوسر- محمد**

**معرفی درست اهداف امام حسین (ع)**







<div><b>ترجمیم</b></div>
<p>در ایام عاشورای حسینی با نهایت تأسف و تأثر رحلت زودهنگام انسان شایسته و فاضل وارسته آقای علی اکبر تالهی فرزند عارف عالی مقام آیت‌الله العظمی تالهی را به اطلاع دوستان و آشنایان و بستگان می‌رساند. به همین مناسبت مجلس تذکر و ترجمیم در روز سه‌شنبه ۹۱/۹/۷ از ساعت ۳:۳۰ تا ۵ بعدازظهر در مسجد قبا واقع در خیابان قبا برگزار می‌شود.</p> <p>شرکت عموم مؤمنین و علاقه‌مندان به عترت و طهارت موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.</p> <p>علی اکبر صالحی – علی اکبر ولایتی – غلامعلی حداد عادل – سید محمدحسن ابوترابی – سیدصدرالدین شریعتی – خاندان تالهی و مهدیان و سایر وابستگان</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span>هوالباقی</span></div>
<p>با نهایت تأثر و تأسف درگذشت ابوی همکار گرامی جناب آقای ایرج افتخاری کارشناس محترم دادگستری رشته امور ثبتی راضمن عرض تسلیت به‌اطلاع همکاران گرامی می‌رساند.</p> <p>به همین مناسبت مجلس ترجمیمی از ساعت ۱۳ الی ۱۴/۳۰ روز چهارشنبه ۹۱/۹/۸ در مسجدالنبی(ص) واقع در خیابان کارگر شمالی –مقابل خوابگاه دانشگاه منعقدمی‌باشد.</p> <p>حضور سروران گرامی باعث تسلی خاطر بازماندگان خواهد شد.</p>
<p>کانون کارشناسان رسمی دادگستری و هیئت‌رئیسه گروه ۶ –راه و ساختمان و نقشه‌برداری</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>با نهایت تأسف و تأثر درگذشت شادروان دکتر جواد افتخاری وکیل پایه یک دادگستری را به اطلاع می‌رساند.</p> <p>مجلس ترجمیم از ساعت ۱۳ تا ۱۴/۳۰ روز چهارشنبه ۹۱/۹/۸ درمسجدالنبی(ص)واقع درخیابان‌کارگر شمالی برگزار می‌گردد.</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>بازگشت همه پسونی اوست</p> <p>بانهایت تأسف و تأثر درگذشت پدری فداکار و همسری دلسوز مرحوم شادروان دکتر محمدحسن خیرمحمدی را باطلاح کلیه دوستان و آشنایان می‌رساند.</p> <p>به همین مناسبت مجلس ترجمیم آن فقید سعید در روز سه‌شنبه مورخ ۹۱/۹/۷ از ساعت ۱۳/۳۰ الی ۱۵ در مسجد الرضا(ع) واقع در خیابان نیلوفر منعقد می‌گردد.</p> <p>خانواده‌های داغدار: خیرمحمدی –بیبک‌زاده وسایربستگان</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>بازگشت همه به سوی اوست</p> <p>خاندان مرحوم آیت‌الله العظمی حاج آقا محسن اراکی(رضوان‌الله تعالی علیه) بانهایت تأسف وتالم درگذشت آقای منوچهر(سراج‌الدین) فرید اراکی قاضی بازنشسته دادگستری فرزند مرحوم سیدعلاء الدین فرید را به اطلاع کلیه بستگان و آشنایان می‌رساند.</p> <p>مجلس ترجمیم آن فقید سعید روز سه‌شنبه ۷ آذرماه از ساعت ۱۴:۳۰ الی ۱۶ در مسجد الزهرا(س) واقع در شهرک قدس خیابان هرمرزان برگزار می‌گردد.</p> <p>همسر: طلعت السادات خانقاهی</p> <p>فرزندان: احمد، شادی، قبیاده، کیکاووس، کیانوش فرید اراکی</p> <p>خانواده‌های: فرید– خانقاهی – حجتی امامی – خاکیاز – محسنی – رفیع– سجادیپور– فریور – سجادیه– سجادی– یآوری– شمس‌اللهی – منصوری– همتی – بزرگر– مجدی– حکمت – چیت‌ساز– و سایر خانواده‌های وابسته</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>«بازگشت همه پسونی خداست»</p> <p>بانهایت تأسف درگذشت پدری مهربان و همسری فداکار شادروان غلامحسن سیر را به اطلاع بستگان، دوستان و آشنایان می‌رساند. به همین مناسبت مجلس ترجمیم آن مرحوم روز پنجشنبه۹۱/۹/۱۳ از ساعت ۱۵ الی ۱۶/۳۰ در مسجد النبی(ص) واقع درخیابان کارگر شمالی –مقابل کوی دانشگاه تهران برگزار می‌گردد.</p> <p>خانواده‌های: سیر – بهجتی و سایر بستگان</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>انالله و انا الیه راجعون</p> <p>با نهایت تأسف و تأثر درگذشت عالم ربانی حضرت <b>حجة الاسلام مجتبی یعسوبی</b> نماینده سابق حضرت امام خمینی(ره) در سیاه پاسداران انقلاب اسلامی گیلان وامام جمعه ونماینده ولی فقیه در ایلام را به‌اطلاع کلیه بستگان، دوستان و آشنایان می‌رسانیم. به همین مناسبت مجلس ترجمیم آن مرحوم روز سه‌شنبه ۹۱/۹/۷ از ساعت ۱۵ الی ۱۶/۳۰ درمسجدالنبی(ص)واقع درخیابان کارگر شمالی مقابل کوی دانشگاه تهران منعقد می‌گردد.</p> <p>خانواده یعسوبی</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>بازگشت همه پسونی اوست</p> <p>رفتی و زمن مهر گسستی مادر</p> <p>بارفتن خود دلم شکستی مادر</p> <p>افسوس که بودی و ندانستم من</p> <p>ای در گرانمایه، چه هستی مادر</p> <p>با نهایت تأسف و تأثر درگذشت مادری مهربان و فداکار شادروان حاجیه خانم عصمت گرجی را به اطلاع کلیه بستگان، دوستان و آشنایان محترم می‌رسانیم. به همین مناسبت مراسم سوم آن مرحومه روز چهارشنبه۹۱/۹/۱۳ از ساعت ۱۳ الی ۱۴/۳۰ در مسجد حجت‌ابن‌الحسن(عج)واقع در خیابان سهروردی شمالی برگزار می‌گردد.</p> <p>خانواده‌های: تشریزی – گرجی و کلیه بستگان دوستان و آشنایان</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p><b>یادبود</b></p>
<p>یاس تنها یک سحر مهمان ماست</p> <p>پائیز غریب و بی‌رحم، این همه برگ مگر کم بود</p> <p>گل من را چرا چیدی، گل من دنیای من بود</p> <p>۱۲ آذر ماه ۹۱ چهار خزان</p> <p>صد ساله از خاموشی ناباورانه عزیزتر از جانمان داریوش ایزدی می‌گذرد که سراغازی بود برای ماندگاریش.</p> <p>همسر بی‌ظنیرم، بابای فرهیخته و مهربانم، دنیای با تو به ما نیاموخت که بی تو چه کنیم اما وفا به ما آموخت</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>که هرگز محبت‌های بی‌منت و بی‌صدای تو را لحظه‌ای فراموش نکنیم و همیشه جای تو در جان زندگی سبز است. غم نبودنت افزون‌تر از همیشه بر قلب و روحمان سایه افکند و تکرار خاطرات پنهان دل بی‌قرار ماست ورنه عبث مروریست تکرار زندگانی. امتداد فاصله از تالما<span></span>ت دل تنگ ما نمی‌کاهد. من و فرزندانم را نه به بهای لیاقت بلکه به رسم همدلی دعاکنید و درویش کوجه‌های تنهایی را، کاسه‌گدائی او، سکه صلوات شما کافیتس.</p> <p>روز جمعه ۹۱/۹/۱۰ ساعت ۱۵/۳۰ الی ۱۶/۳۰ ما را در آرامگاه ابدیش همراهی نمایید.</p> <p>داریوشم: پراز توام به تهیدستی‌ام نگاه نکن هنوز تو را دارم.</p> <p>همسر همیشه داغدارت: نازی فراهانی</p> <p>فرزندان: مه‌نوش –دکتر شبنم و شقایق ایزدی</p> <p>داماده‌ها: دکتر حسین پولادی –دکتر امیر سهرابی – وحید میرزایی</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>یادبود</p> <p>افسانه حیات دو روزی نبود بیش</p> <p>آن هم پسر با تو بیگویم چسان گذشت</p> <p>یک روز صرف بستن دل شد به این و آن</p> <p>روز دگر ز کندن دل زین و آن گذشت</p>
<p>آذرماه بیست و یکمین سال</p> <p>درگذشت پدر بزرگوارمان</p> <p>زنده‌یاد جناب آقای جواد صفارزاده را گرامی می‌داریم.</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>فرزندان آن مرحوم</p> <p>بیست و یکمین سال درگذشت عزیزمان مرحوم مهندس محسن نصرت ماکویی را – غمین‌تر از سالهای پیشین – گرمای داشته و به روان پاکش درود می‌فرستیم.</p> <p>از طرف خانواده ماکویی</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p><b>تسلیت</b></p>
<p>سرکارخانم دکتر کوچک‌زاده جناب آقای دکتر سیدحسن هاشمی بانهایت تأسف مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده، برای شما و خانواده محترمتان صبر و شکیبائی آرزو داریم.</p> <p>شرکت مارستان حسین صانعی –محمدباقر اثنی عشری –دکتر فرامرز آیرملوزاده –دکتر علیرضا همائی</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>درگذشت فرامرز بوچانی مسئول اداره امور عشایر شهرستان آبدانان را تسلیت عرض نموده برای آن مرحوم طلب مغفرت و برای بازماندگان صبر جمیل از خداوند متعال خواستاریم.</p> <p>از طرف کارکنان مدیریت امور عشایر استان ایلام</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>سرکار خانم رضائی درگذشت ناهنگام و تأسف انگیز برادر ارجمندتان را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و برای بازماندگان صبری جمیل آرزومندیم.</p> <p>خانم دکتر طاهرپور – دکتر علیزاده – دکتر دهقانی – دکتر صدری – دکتر طالع – خانم دکتر پولادیان و دیگر همکاران از مایشگاه چیذر</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>همکار محترم و گرامی سرکار خانم مهناز شریفی باکمال تأثر و تأسف مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمتان از صمیم قلب تسلیت عرض می‌نماییم و برای آن مرحومه از درگاه ایزد منان علو درجات و برای بازماندگان صبر و بردباری مسئلت داشته و خود را در غم شما شریک می‌دانیم.</p> <p>سیدعلی محمد هاشمی – حمیدرضا بهرام بیبکی – محمد کنعانی‌زاده – محمدرضا مرتضی‌زاده – احمد برزگر – احمد عودباشی – اسماعیل عودباشی – حسن عظیمی – رضا دلخوش – مسعود زهیری – سیدحامد موسوی – رحمت‌عابدی – احمد سلیمانی – رضا ایمانی – غلامرضا رحمت‌الله محسن دینی – سعیدسرفرازامینی – محمدرضا عطائی – قیاس مشهدی – محمد خامنه‌ای – محمدتقی اسماعیلی – حسن پرتوی – ابراهیم یزدانی – ابوالقاسم کیانی – حمید شریفی – مصطفی بشیری – جعفر سیدی – سیدحیدر تقوی – علیرضا فرح‌الهی – جواد مقدسی – میلاد حاج‌ملک – سیدامیر شهابی – امید بذلی – مهدی سلیمانی – احسان احمدپور – محمدرضا پورموسی – داود رضانی – میثم کوچک‌میر</p> <p>خانم‌ها: حلوائی – جهانشاهی – شیخ‌علی – نعمت‌پور – مکرمی – شعبانی – حیدرزاده – ذکالوند – حیدری – شجاعی</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>انا لله و انا الیه راجعون</p> <p>دوست گرانقدر جناب آقای دکتر سعید نمکی درگذشت عموی محترم و والد ه همسر مکرمه موجب تأثر فراوان گردید ما را نیز در غم خود سهیم بدانید.</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>جناب آقای دکتر حسن هاشمی متخصص محترم چشم بیمارستان کسری تهران بانهایت تأسف و تالم درگذشت پدر همسر ارجمندتان را حضور جنابعالی و همسرگرامیتان تسلیت عرض نموده، بقای عمر جنابعالی و آموزش آنمرحوم را از درگاه ایزد منان خواهیم.</p> <p>ما را در غم خود شریک بدانید.</p> <p>مدیرعامل – هیات‌مدیره – پزشکان – پرسنل بیمارستان کسری تهران</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>همکار محترم</p> <p>جناب آقای دکتر حسن هاشمی مصیبت وارده را به جنابعالی، همسر ارجمند و خانواده محترمتان تسلیت می‌گویم.</p>
<p>دکتر ناصر صادقیان</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>بازگشت همه به سوی اوست</p> <p>همکار گرامی جناب آقای محمدقائدی تحمل سوگ فقدان پدر صبری الهی را می‌طلبد. ما را در این غم سترگ و جانکاه شریک بدانید.</p> <p>از درگاه خداوند متعال آموزش و علو درجات برای آن مرحوم مغفور مسئلت می‌نماییم.</p> <p>از طرف مدیران و کارکنان شرکت مس بهاباد پارسیان</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>جناب آقای مهندس پرویز رضازاده مصیبت درگذشت مادر عزیزتان راصمیمانه تسلیت عرض نموده، برای آن مرحومه علو درجات الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزومندیم.</p> <p>از طرف گروه واژه‌گزینی تخصصی علوم‌جو و شورای هماهنگی گروه واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>جناب سرهنگ کامران یادگاری و جناب آقای دکتر کیوان یادگاری فقدان و فوت ابوی گرامی‌تان را تسلیت عرض نموده و برای آن مرحوم علو درجات و رحمت و برای سایر بازماندگان صبری جمیل از درگاه باریتعالی مسئلت می‌نماییم.</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>هیات‌مدیره و پرسنل شرکت مهندسین مشاور احدات کیفیت</p> <p>میری – رزاقیان – ارمی – خلیل‌نژاد – یوسف‌پور – طالع‌زاری</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>سرکار خانم امن‌زاده سلوط همکار محترم از مایشگاه</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>مصیبت درگذشت پدر عزیزتان را صمیمانه تسلیت عرض نموده، برای آن مرحوم علو درجات الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزومندیم.</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>پزشکان بیمارستان آیت‌الله کاشانی</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>جناب آقای مهندس عباس لولائی مدیرعامل شرکت بیمه توسعه باننده فراوان مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمتان تسلیت می‌گوییم ما را نیز در غم خود شریک بدانید.</p> <p>صدیقه سرخوش – خسرو امیرحسینی</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>جناب آقای دکتر سیدحسن هاشمی با نهایت تأسف مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده، بقای عمر جنابعالی و خانواده محترمتان را از درگاه ایزد منان مسئلت داریم.</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>دکتر عباس مؤمن‌زاده و بانو</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>جناب آقای دکتر محسن روزرخ بانهایت تأسف و تأثر درگذشت برادر گرامیتان را خدمت جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از درگاه خداوند متعال صبر و شکیبایی برای بازماندگان و علو درجات برای آن مرحوم خواستاریم.</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>خانواده ارجمند جوان</p> <p>جناب آقای مهندس مهرداد جوان درگذشت پدر بزرگوارتان را تسلیت عرض نموده و برای آن شادروان آموزش ایزدی و برای بازماندگان صبر و شکیبائی آرزومندیم.</p> <p>کیش – دانشگاه تهران</p> <p>ضیاء – فردی – صدرائی – تراب‌زاده – صدی – نبازی – عسکری – مردانشاهی – سالاری – متین – احسان – نصیری – جاشکی – شمس‌الدین – رحیمی – بهرامی – ابویسانی – بامداد</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>جناب آقای حاج ایوب علایی</p> <p>اندوه مادر غم از دست دادن همسر بزرگوارتان شادروان خانم اشرف شریفی در واژه‌ها نمی‌گنجد. از خداوند متعال برای شما و خانواده گرامیتان و دوستان و آشنایان صبری عظیم و برای آنمرحومه علو درجات و آرامش در قرب جوار حق را خواهیم.</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>ایرج قنوتی و سایر بستگان</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>همکار گرامی جناب آقای حامد صادقی تهرانی بدینوسیله درگذشت پدر بزرگوارتان جناب آقای دکتر صادقی تهرانی را تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای جنابعالی و خانواده محترم صبر و شکیبایی مسئلت می‌داریم.</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>از طرف مدیران و کارکنان شرکت KWC</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>در کار گلاب و گل، حکم ازلی این بود کاین شاهد بازاری وان پرده‌نشین باشد</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>جناب آقای دکتر حمید عطاریان همواره ما را در غم خویش شریک بدانید.</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>به امید روزهای خوب آینده برای شما و عزیزانتان</p> <p>معماری – دکتر مهرداد اعزازی – دکتر منیژه اعزازی</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>جناب آقای مصطفی هشیارسر</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>بانهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمتان تسلیت می‌گوییم و از خداوند متعال برای آن مرحومه علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>هیئت‌مدیره، پزشکان و پرسنل بیمارستان شهریار</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>جناب آقای مهندس مهدی تشکری‌نیا</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>باکمال تأسف و تأثر درگذشت برادر ارجمندتان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از درگاه قادر متعال آموزش و علو درجات برای آن مرحوم مغفور و صبر واجر و طول عمر باعزت برای بازماندگان محترم مسئلت می‌نماییم.</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>مدیران و کارکنان شرکت پرلیت</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>خانواده محترم حمیدی</p> <p>با قلبی سرشار از غم و اندوه درگذشت فرزند عزیزتان جناب آقای مهندس وحید حمیدی را صمیمانه خدمت شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض می‌نماییم.</p> <p>خانواده باقر مسکریزاده صفار</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>دوست عزیز، جناب آقای دکتر حمید عطاریان بانهایت تأسف، درگذشت همسر گرامیتان را تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای شما و فرزندان عزیزتان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.</p> <p>دکتر شیرین حقیقی – دکتر علی شهراسبی</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p><b>سخنرانی</b></p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>السلام علیک یا ابا عبدالله الحسین</p> <p>محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته‌است</p> <p>امام خمینی «ره» باعرض ادب وارادت به‌ساحت مقدس پیامبر عظیم‌الشان اسلام صلی‌الله علیه و آله که همچنان کینه‌توزانه از سوی پلیدان‌عالم مورداسائه‌ادب قرار می‌گیرند و بمنظور تجلیل از آن حضرت و خاندان مطهرش، مجلس سوگواری و ذکر مناقب و مصائب سید و سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌الآف التحیه و الثناء، هر روز بعد از نماز جماعت ظهر و عصر با سخنرانی وعاظ محترم به شرح زیر در مسجد حضرت امام خمینی(ره) بازار منعقد می‌باشد.</p> <p>دهه دوم محرم: جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای سیدابوالقاسم شجاعی</p> <p>دهه سوم محرم: جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای علیرضائناهیان</p> <p>دهه اول صفر: جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای سیدحمیدمیرباقری</p> <p>دهه دوم صفر: جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای سیدمحمدعلی غروی</p> <p>دهه سوم صفر: جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای شایسته است عموم مومنین و مومنات علاقمند بساحت مقدس پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت گرامی آن حضرت بویژه حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام شرکت نموده و ضمن بهره‌مندی از تعالیم رهائی‌بخش مکتب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام، بویژه در مقطع حساس مقابله و مقاومت در برابر فشارهای استکبار جهانی، تعظیم شاعر دینی نمایند.</p> <p>دفتر مسجد حضرت امام خمینی(ره) بازار تهران</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p><b>اطلاعیه هیئت قائمیه تهران</b></p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>ان لقتل الحسین حراره فی قلوب المومنین لا تبرد ابدا</p> <p>درد بی‌پایان بر پیامبر گرامی و خاندان عزیزش چهارده معصوم پاک، همان چهره‌های تابناک آسمان هدایت و اختران فروزان برج عصمت و طهارت و نفرین همیشگی بر دشمنانشان که دشمنان حق و حقیقت بودند.</p> <p>فرارسیدن ماه محرم، یادآور جهانی از خاطرات تلخ و شیرین تاریخ گویا و آموزنده و سازنده حضرت حسین علیه‌السلام می‌باشد. قرن‌ها است که نویسندگان و گویندگان گوشه‌هائی از این دفتر را بررسی کرده‌اند ولی هنوز هم هزاران دُر ناشفته در اعماق این دریای بیکران نهفته است. باشد تاروزی فرزند پرومندش آخرین ذخیره الهی، وارث همه میراث‌های مذهبی، حضرت حجت بن الحسن المهدی (عجل‌ا... تعالی فرجه‌الشریف پرده از رخسار و جمال دل آرای خویش برگیرد و رازها از اسرار نهائی این نهضت الهی آشکار فرماید و انتقام خون مظلومان و ستم‌پدگان را بگیرد.</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>به انتظار آن روز مقدس، روز قیام و انتقام هیئت قائمیه جافعه کربلا و شهادت جانگداز خامس آل‌عبا حضرت سیدالشهدا حسین بن علی علیه‌السلام و حضرت ابوالفضل العباس بن علی علیه‌السلام و یاران باوفایشان را به پیشگاه مبارک بقیه... الا عظم‌قاثم‌ال محمد(عج) تسلیت عرض می‌نماید و بهمین مناسبت از شب دوم الی شب سیزدهم محرم در حسینیه خود واقع در خیابان قدیم شمیران بالاتر از بل رومی مجالس سوگواری منعقد می‌کند. از عموم علاقمندان دعوت می‌شود با شرکت خود در این مجالس تعظیم شاعر فرمایند.</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p><b>سپاسگزاری</b></p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>تشکر و سپاسگزاری</p> <p>«چه سخت است باور نبودش»</p> <p>بدینوسیله ازکلیه بستگان، اساتید، همکاران، دوستان و پرسنل عزیز بیمارستانها که در مراسم ترجمیم همسر عزیزم شرکت نموده و یا به صورت تلفنی، ارسال پیامک، چاپ در جراید و یا اهدای تاج گل اظهار لطف و همدردی نموده‌اند و در تحمل این رنج مرا یاری فرمودند، صمیمانه سپاسگزاری می‌نمایم.</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p>دکتر حمید عطاریان</p> <p>از خاطر دل نارود یاد تو هرگز</p> <p>ای آنکه به نیکی همه جاورد زبانی به حکم ادب و حق شناسی از تمامی عزیزیانی که در مراسم تشییع، تدفین و ترجمیم مرحومه خانم مهین پورشادان سالار زن خاندان پورشادان شرکت نموده و یا با تلفن و ارسال پیامک از دور و نزدیک با این خانواده‌ها اظهار همدردی نموده‌اند نهایت امتنان و سپاس داریم.</p> <p>پورشادان –زننگنه</p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p></p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p></p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p></p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p></p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p></p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p></p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p></p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p></p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p></p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p></p>

**آگهی های ترجمیم، تسلیت، یادبود و تشکر توسط نمایندگی های روزنامه اطلاعات در سراسر کشور پذیرش می شود.**

**برای سفارش آگهی به نزدیک‌ترین نمایندگی اطلاعات در محل سکونت خود مراجعه فرمایید.**

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p></p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p></p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p></p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p></p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p></p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p></p>

**قول آگهی های ترجمیم تسلیت – یادبود و تشکر**

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p></p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p></p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p></p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p></p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p></p>

<div><div><span><span></span></span></div><span></span></div>
<p></p>







## ارتقای مدیریت، راهی برای بهبود تولید ملی

و فرایند تولید، برنامه ریزی، کنترل تولید و سازماندهی نیروی انسانی یک کارگاه دانست. در یک نگاه کلی به مدیریت تولید ضعیفی دارند، به دلیل نبودن یک رگرایی صحیح پنج عنصر فوق، از مواد اولیه و نیروی انسانی استفاده و به‌روزی نمی‌شود، اتلاف مالی وجود دارد، موجودی های نامرأه از اتم زیاد، نیم ساخته و محصولات نهایی بالست، از نیروی انسانی و منابع مالی سازمان استفاده مناسب نمی‌شود و تولید با سطح ضایعات بالایی همراه است که همه اینها در کنار یکدیگر به جنین به قیمت تمام شده بالا و توانایی در کنترل کیفیت مطلوب می‌شوند. لذا سوال اینجاست که رفع این مشکلات به چه طریق میسر است. طبیعتاً بخشی از مسئله به خود نگاه های تولیدی و اهتمام آنها در اصلاح دیدگاه های سنتی مدیریتی، استفاده از نیروهای متخصص، آموزش نیروی انسانی و غیره می‌باز می‌میرد. اما اگر از دید انسان تولید ملی به مسئله گریسته شود، تشویق و تنبیه نگاه ها و اصلاح سیستم های مدیریتی و تسهیل و مرسوم و افزایش بهره وری، نیازمند عزم و توجه ویژه ای که دولت می‌تواند در این زمینه نقش بسزایی داشته باشد. دولت می‌تواند با ایجاد تسهیلات و امکانات لازم برای نگاه ها، امکان برخورداری آنها از خدمات عارضه یابی برای شناسایی مشکلات موجود، ارائه مشاوره و آموزش های فزاینده و هدایت بنگاه ها در استقرار سیستم های مدیریت تولید نوین فراهم کند.

با ارائه آموزش های سازمان یافته و فراگیر، می‌توان از ایجاد یک سطح استاندارد و حداقلی از دانش مدیریت تولید و سیاست استناد به آن در سطح بنگاه ها و به‌خصوص نهادینه شدن فرهنگ آن در کشور زمینه‌های حاصل کرد. در کنار آن بسیاری از بنگاه ها از همین عارضه یابی برای رفع مشکلات موجود در سیستم های مدیریتی و تولیدی و نحوه استقرار سیستم های مناسب مدیریت تولید نیازمند برخورداری از هدایت و حمایت های تخصصی هستند. بنابراین عارضه یابی و ارائه مشاوره مناسبی لازم می‌شود که می‌تواند به‌واسطه سازمانی برای توسعه‌یافتن نگاهها در این زمینه باشد.

اصولاً توانمندسی و رقابت پذیری و تسهیل  
ملی را دو عامل مهم یکی فضای کلاس و کسب  
و فواید و سازوکارهای مربوطه و دیگری  
سازوکارهای تولید و فعالیت در درون بنگاه تاثیر  
می پذیرد.

در عامل اول، این دولت است که باید محیط  
بستر مناسب را جهت فعالیت اقتصادی بنگاه های  
تولیدی فراهم آورد. این دولت دوم به خود بنگاه های  
تولیدی و چگونگی مدیریت فعالیت های اقتصادی  
باز می می گردد. خوشبختانه در سال های اخیر شاهد  
توجه روز افزون بنگاه ها به مقوله های مدیریتی  
و تأمین و قیمت و کیفیت مناسب برای محصولات  
بوده ایم؛ اما این کافی نیست، چرا که هنوز در بخش  
بزرگی از بنگاه های تولیدی کشور شاهد مشکلات  
متعددی در زمینه سیستم های تولیدی و مدیریتی  
هستیم که موجب شده بهره وری تولید ملی در  
حد مطلوب نباشد. این فقدان بهره وری خود آثار  
متعددی را هم در خود بنگاه ها هم بر جامعه به  
همراه داشته است.

در وهله اول بنگاه های غیر بهره وری با قیمت  
تمام شده بالاروبرو هستند. در وهله بعدی آثار این  
عدم بهره وری به طرق مختلف از جمله پرداخت  
های بیشتر برای کالای که شاید کیفیت مطلوب  
هم نداشته باشد، به اجتماع می رسد. در بنگاه های  
که با مشکل عدم بهره وری روبرو هستند، عموماً  
شاهد استقرار سیستم های مدیریت تولید سنتی  
هستیم که کارایی کمی را ندارند. در بسیاری از  
موارد همان سیستم های سنتی هم به درستی بکار  
گرفته نشده و چسب یا در برخی بنگاه ها مدیریت  
صورت سعی و خطا و فاقد هر گونه مبنای علمی  
و تکنیکی است.

اگر مدیریت را اساسی دانیم پنج عنصر اصلی،  
در سازمان های نیروی انسانی، تجهیزات تولیدی،  
مواد اولیه، روش های تولید و این منابع مالی  
بایدمنیم، سیستم توان دریافت که بدو سیستم های  
متناسب برای مدیریت تولید چه تاثیری را بر بنگاه  
خواهد داشت.

بطور خلاصه مدیریت تولید را می توان شامل  
دو عامل، فعالیت های مربوط به سطح محصول

A photograph showing a row of white front-loading washing machines in a warehouse or store. The machines are lined up on a wooden pallet. Yellow tape is applied to the doors of the machines, likely for protection or labeling. The background shows more machines and warehouse equipment.

اساسی برخوردار است که به صورت تجاری مدیریت شود و از حالت فرآیندمحوری که ویژگی ارائه خدمات دولتی است، خارج شود.

**شیوه‌های قیمت‌گذاری**  
با توجه به ساختار بازار و نهادهای مداخله‌کننده در آن و همچنین تعداد بنگاه‌های مشارکت‌کننده در بازار، شیوه‌های مختلفی برای قیمت‌گذاری خدمات در بازارهای انحصار طبیعی وجود دارد که در اینجا به شیوه‌های عمده اشاره می‌شود:

شیوه قیمت گذاری شیوه قیمت گذاری در متداولترین شیوه قیمت گذاری در اغلب کشورها را در گذشته نه چندان دور، متداول و مرسوم بوده است. به این معنی که با بررسی برای پرداخت صرف کننده برای یک واحد قیمت گذاری صورت می‌گرفت، بدینیهی است که چنین شیوه قیمت گذاری تنها هنگامی قابل اجرا است که بحث سودآوری برای اپراتور مطرح نباشد یا به عبارت دیگر اپراتور ارائه کننده این خدمات دولتی باشد. همچنین با این فرض، دیگر ما به تعدد اپراتورها روده و روه تعمیم بدهیم و یک اپراتور اصلی، مسئولیت کامل و انحصار ارائه خدمات را برعهده دارد و اجازه ورود به بازار توسط سایر تولیدکنندگان وجود ندارد.

البته نیاز به ذکر نیست که به دلیل ارائه خدمت به شیوه دولتی با کاهش کیفیت روبه‌رو خواهیم بود. همچنین به دلیل نبود رقابت، استفاده از تکنولوژی‌های جدید توسط اپراتور اصلی، بجز در مواقع ضرورت، صورت نخواهد گرفت و کیفیت خدمات ارائه شده به روال همیشگی پایین خواهد بود.

# اھرم ھدايت، چر تڪه ڪنٽرل قيمت

در نهایت از ارائه یک سیستم قیمت‌گذاری دنبال می‌شود، این است که زمینه را برای ارائه خدمات به صورت رقابتی فراهم آورد، چراکه با فرض کارایی بازار رقابتی، قیمت‌گذاری نخستین گام برای رسیدن به چنین هدفی است

\* به منظور حداکثر کردن منافع اجتماعی تولید و مصرف یک کالا یا خدمت خاص، مصرف‌کنندگان باید هزینه تولید یک واحد اضافی را بپردازند که این همان هزینه نهایی تولید است. بنابراین بسته به موقعیت، کیفیت، کمیت و زمان که بر هزینه اثرگذار هستند، قیمت‌ها باید به‌طور متغیباتی تعدیل شوند

\* قیمت یک مکان یا خدمت باید متناسب‌ترین هزینه‌های متحمل شده برای تولید آن باشد. این هزینه‌ها باید نه تنها هزینه‌های مستقیم تولیدکنندگان، بلکه هزینه‌های غیر مستقیم که ممکن است به دلیل تولید آن محصول در دیگران تحمیل شود را هم پوشش دهد

برای بهینه‌سازی سیستم‌های حمل و نقل، باید به دنبال راه‌های جدیدی برای رسیدن به چنین اهدافی است. زیردات یک پروسه خصوصی‌سازی از اصول اساسی به خصوص در مورد ارتباطات و اصول است. نکته ۱ از مهم‌ترین اهداف می‌تواند گسترش باشد، ولی دیگر اهداف قیمت‌گذاری است. البته همان‌طور که ذکر شد، چنانچه بهینه‌سازی، دولتی باشد، یکی از اهداف می‌تواند گسترش باشد، ولی دیگر اهداف قیمت‌گذاری است. البته همان‌طور که ذکر شد، چنانچه بهینه‌سازی، دولتی باشد، یکی از اهداف می‌تواند گسترش باشد، ولی دیگر اهداف قیمت‌گذاری است.



تنظیم مقررات به‌طور کلی به تولد بر تصمیمات بنگاه‌ها از طریق ابزارهای قیمت، مقدار، نحوه ورود و خروج می‌پردازد. گرچه تنظیم مقررات می‌تواند شامل گروه وسیعی از اعمال محدودیت‌ها بر تصمیمات بنگاه‌ها باشد، اما به ابزار کنترل‌کننده اساسی به معمولاً توسط نهادهای تنظیم مقررات استفاده می‌شوند، عبارتند از: «قیمت»، «مقدار» و «تعداد بنگاه‌ها». از دیگر ابزارهای کنترلی مهم می‌توان به اعمال محدودیت روی کیفیت محصول، «تبلیغات» و «سرمایه‌گذاری» اشاره کرد.



قیمت، مشخص‌کننده نهایی میزان عرضه تولیدکنندگان و همچنین میزان تقاضای مصرف‌کنندگان است. به‌منظور اتخاذسازی رفاه جامعه، قیمت یک مکان یا خدمت باید منعکس‌کننده هزینه‌های متحمل‌شده برای تولید آن باشد. این هزینه‌ها باید نه تنها هزینه‌های مستقیم تولیدکنندگان، بلکه هزینه‌های غیرمستقیم که ممکن است به دلیل تولید آن محصول در دیگران تحمیل شود (مانند آلودگی) را هم پوشش دهد. از سوی دیگر، قیمت‌ها باید شرایط تقاضا را هم منعکس کنند. قیمت کالا یا خدمتی که تمایل به پرداخت آن بالا است، باید بالاتر از قیمت کالا یا خدمتی باشد که تمایل به پرداخت آن پایین‌تر است. در هر قیمت معین، مقادیر عرضه و تقاضا در بازار مشخص می‌شود. به هنگام افزایش قیمت، عرضه تمایل به افزایش و تقاضا تمایل کاهش خواهد داشت و شرایط منعکس‌شده هنگام کاهش قیمت به عکس هم خواهد بود.

خداوند در زمان غیب برای یک یک

تعالیٰ بهینه‌سازی همگامی روی می‌دهد که تصمیمات مصرفی و تولیدی با یکدیگر منطبق شوند. تولید یک واحد یک تعادل باید دارد (تولید تصویر هنگام بود، مگر اینکه شرایط بازار تغییر کند). به منظور حداکثر کردن منافع اجتماعی مصرف یک کالا یا خدمت خاص، مصرف‌کنندگان باید هزینه تولید یک واحد اضافی را بپردازند (این همان هزینه نهایی تولید است). بنابراین بسته به موقعیت، تفاوت بین هزینه و درآمد به هر هزینه‌پرداز می‌رسند، قیمت‌ها به‌طور متناسب تعدیل شوند.

در مورد خدمات عمومی همانند ترابری، آب و برق بسیاری ازانه‌هاست. اینها مثل همه چیزهای

**آگهی تصمیمات شرکت محصولات گوگردی کاسپین**  
**سهامی خاص به شماره ثبت ۲۴۵۸۰۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۷۸۶۳۵۵۷**  
 به استناد صورتجلسه هیأت مدیره مورخ ۹۱/۳/۲۷ اختیارات مدیرعامل به شرح بند ۱۸ از ماده ۴۴ اساسنامه تعیین گردید.  
**اداره ثبت شرکت ها و مؤسسات غیر تجاری**  
**سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**  
 ۳۲/۹۳۲۵  
 \* \* \* \* \*  
**آگهی افزایش سرمایه**  
**شرکت مهندسی به فر صنعت آسانیر یکتا سهامی خاص**  
**ثبت شده به شماره ۱۴۴۷۸۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۷۳۷۴**  
 به موجب صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۹۱/۳/۲۷ و هیئت مدیره مورخ ۹۱/۴/۵ تصمیم بر افزایش شرکت از ۱۰۰۰/۰۰۰/۰ ریال به ۱۰۰۰/۰۰۰/۰ ریال با نام کامل پرداخت شده از طریق نقدی تامین گردیده افزایش یافته و مبلغ ۱۰۰۰/۰۰۰/۰ ریال به موجب گواهی شماره ۰۱۳۲۰ مورخ ۹۱/۴/۵ بانک سپه شعبه ممتاز مستقل بقیه پرداخت گردیده است. ماده مربوطه اساسنامه به شرح فوق اصلاح و ذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ ۹۱/۴/۱۳ تکمیل اعضاء گردیده است. محل شرکت به تهران میدان کوچه خیابان شهید خدایی پلاک ۶۲ طبقه اول واحد ۸ کسب و کار ثبتی ۱۹۹۴۷۷۶۱۱۱ انتقال یافته در ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید.

۳۲/۸۸۸۳

\*\*\*\*\*

**آگهی تصمیمات شرکت مهندسی**

**شبکه و اطلاع رسانی رایورز سهامی خاص**

**ثبت شده به شماره ۱۳۶۱۶۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۶۹۰۲۱**

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۰/۴/۲۸  
۹۰/۱۱/۱ شرکت مزبور که در تاریخ واصل گردید: ترازنامه  
و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۸۹/۱۲/۲۹  
تصویب رسید. مؤسسه حسابرسی و خدمات مالی حافظ گام  
به ش ملی ۱۰۱۰۴۴۰۲۵ به سمت بازرس اصلی و حسین  
شیخی به ش ملی ۱۳۲۵۵۸۶۲۷ به سمت بازرس علی البدل  
برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. اعضاء هیئت مدیره به  
مدت ۲ سال به قرار ذیل محمدرضا شمشیری راد به ک م  
۰۰۳۹۳۷۶۶۴ به سمت رئیس هیئت مدیره و پرویز رحمتی به  
ک م ۱۸۱۶۹۰۱۳۳۷ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و مجید  
عرفانیان خضایی به ک م ۰۰۴۴۹۳۳۹۶۷ به عنوان مدیرعامل  
انتخاب گردیدند. اعضاء هیئت اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور به امضای  
مدیرعامل و یکی از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت و  
نامه‌های اداری با امضای مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر  
می‌باشد.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری  
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور  
۳۲/۸۷۸۶

\*\*\*\*\*

آگهی تغییرات شرکت گسترش صنایع من و آوا سهامی خاص  
به شماره ثبت ۱۲۱۳۱۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۳۳۵۶۱  
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۹۱/۱۳/۸۴  
شرکت به تأمین گسترش من و آوا تغییر یافت و ماده اساسنامه اصلاح  
شد.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری  
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور  
۳۲/۸۶۵۷

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۹۱/۳/۲۱ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۳/۲۱ واصل گردید: روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌ها شرکت تعیین گردید. اعضای هیئت مدیره به مدت ۲ سال به قرار این است: **گوردید: احمد قوئلو قاجار به ک م ۰۰۴۵۳۳۰۳۹۵**، **محمدنوری جاوید به ک م ۰۰۴۴۲۱۱۷۸۹**، **پروین بیات به ک م ۰۰۴۱۶۸۷۱۹۱**، **مریم قوئلو قاجار به ک م ۰۰۷۱۴۶۴۷۷** و به موجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۳/۳۱ احمدقوئلو قاجار به سمت رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل و محمدنوری جاوید به سمت نایب رئیس هیئت مدیره تعیین گردیدند. اعضاء اولیه اوراق و اسنادنامه‌ها و تعداد اوراق حمله چک، سفته، و برات و قراردادهای رسمی با امضای ثابت مدیرعامل و یکی از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و مراسلات با امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

۳۲/۸۳۹۵

\*\*\*\*\*

**آگهی تصمیمات شرکت پخش سرای منشاء طب سهامی خاص**  
**به شماره ثبت ۱۳۴۳۸۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۷۷۱۶۰۰**

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۱/۲/۲۰ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۲/۲۰ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۰/۱۲/۲۹ به تصویب رسید. موسسه حسابرسی و خدمات مالی حافظ گام به شناسه ملی ۰۰۴۰۹۴۰۳۵ و به سمت بازرس اصلی و حسین شیخینی به سمت نماینده بازرس ۳۲۵۶۵۸۶۴ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند.

۳۲/۸۳۲۴

\*\*\*\*\*

**آگهی تصمیمات شرکت رهنمای طب نوین سهامی خاص**  
**به شماره ثبت ۲۲۰۵۴۸ و شناسه ملی ۱۰۰۷۲۶۱۸۵۰۱۰**

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۹۰/۸/۲۶ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۱/۱۶ واصل گردید؛ ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۸۹/۱۲/۲۹ به تصویب رسید. شهیرام فیروز مرینی به کدملی ۰۰۶۶۰۷۵۱۸ به سمت بازرس اصلی و امیرابار احمدی به کدملی ۰۰۴۹۱۹۹۱۷۴۶ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت طرح آگهی شرکت تعیین گردید. اعضاء هیئت مدیره به مدت دو سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند. اسماعیل دانشمند مهریانی به کدملی ۶۰۲۹۵۵۵۷۹۰ و امیر صنعتی مهریانی به کدملی ۰۰۵۴۲۴۰۹۷۳ و مجید لعل روشن به کدملی ۰۰۹۱۴۳۵۲۹۳ بموجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۰/۸/۲۶ اسماعیل دانشمند مهریانی به سمت رئیس هیئت مدیره و امیرصنعتی مهریانی به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و مجید لعل روشن به سمت مدیرعامل تعیین گردیدند و اعضاء کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک و سفته و برات و وکالتنامهها با و امضاء از سه اعضاء اعضاء هیئت مدیره همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و اداری با امضاءمفتد هر یک از اعضاء هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر است.

۳۲/۷۱۸۰

[illegible]

شماره ۹۱۱۱  
آگهی مزایده عمومی  
مجموع  
۹۵۴  
فولاد  
مبارکه

**شرکت فولاد مبارکه اصفهان** در نظر دارد اقدام مزاد را به شرح ذیل از طریق مزایده عمومی به فروش برساند.

۱- قطعات و اقلام فلزی شامل (استیل - مس - برنج - اداپو - انواع غلطک و رولیک - قطعات آلبازی - کابل - تانک - قرقره - لوله چدنی و فولادی - بشکه - ۲۰ لیتری - دکل برق فشار قوی - ریل - تابلو برق - سرباره روی - ایلار - ایلکترا - دکل لیکتراک - شات پلاست - بوم - ترنقیل - باتری - کپسول وغیره)

۲- ضایعات غیره فلزی شامل (نوار نقاله - گریس - سنگ سمباده - لاستیک و لاستیک بزرگ - بشکه و دیه - مخزن - لاستیک خودرو - روغن روان - وود - ضایعات استیل در درجه کنشویی - خاکهای مخلوط با قراضه)

۳- قطعات و تجهیزات شامل (ماشین تراش - پرس - خم کن ورق - دریل - منفره تراش - اره دگست - پروفیل بر - جوش نقطه ای - موتور dc - اتوم - موتور - گریس - مبدل حرارتی و خنک کننده - بخاری - کانگای - کابل جمع کن - سواستار - ۳۰ تن قطعات برقی و مکانیکی و غیره بصورت در هم - ۷۸ ردیف اقدام اداری، خانگی مستعمل و اسقاط -

۱۳۳ ردیف اقدام صنعتی مستعمل و اسقاط)

علاقه‌مندان به شرکت در مزایده می‌توانند جهت تهیه لیست اقلام و اسناد مزایده از طریق سایت **شرکت فولاد مبارکه اصفهان به نشانی [www.Mobarakeh-steel.ir](http://www.Mobarakeh-steel.ir)** اقدام نمایند.

پاکت‌های پیشنهادی واصله رأس ساعت ۸/۱۵ صبح روز دوشنبه ۹۹/۱۹/۲۷ باز و قرائت می‌گردد. سایر اطلاعات مورد نیاز در اسناد مزایده شرح داده شده است.

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر با تلفن ۰۳۳۵۴۳۰۴۲۱ - تماس حاصل فرمایید.

هزینه آگهی به عهده برگزارکننده مزایده می‌باشد.

ضمناً متن آگهی در سایت‌های درج گردیده است.

- شرکت فولاد مبارکه اصفهان به نشانی

**[www.Mobarakeh-steel.ir](http://www.Mobarakeh-steel.ir)**

در مرکز اطلاعات مناقصات و مزایادات ایران به نشانی اینترنتی **[www.ariatender.com](http://www.ariatender.com)**

کد: ۹۱۱۵۵) روابط عمومی شرکت فولاد مبارکه اصفهان

**آگهی تغییرات شرکت سرمایه گذاری نور همدانی سهامی عام به شماره ثبت ۲۸۲۷۲۸ و شناسه ملی ۱۰۳۱۳۷۷۸۰۵**

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالانه مورخ ۱۳۹۱/۰۲/۲۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:

- ۱- موسسه حسابرسی و خدمات مالی آذرين حساب به عنوان بازرس اصلی، آقای ابوالقاسم معاری به شماره ملی ۱۰۶۲۵۸۳۹۷۳ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند.
- ۲- روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شدند.
- ۳- اعضاء هیئت مدیره تا تاریخ ۱۳۹۳/۰۲/۲۳ به قرار ذیل انتخاب گردیدند:

۳- شرکت منابع ورسندگی همدانیان سهامی خاص به شماره ثبت ۹۰ بانمایدگی آقای سعید شیرانی و موسسه خیریه علی و حسین همدانیان به شماره ثبت ۰۴۱۵۱ بانمایدگی آقای علیرضا شیرانی چهارسوقی و شرکت کشاورزی مکانیزه اصفهان کشت سهامی خاص به شماره ثبت ۳۰۵۱۵ بانمایدگی آقای محمدرضا عقیلی و شرکت بازرگانی همدانیان سهامی خاص به شماره ثبت ۱۱۴۰۴ بانمایدگی آقای مسعود گل شیرازی و شرکت توسعه و مدیریت بافانز سهامی خاص به شماره ثبت ۴۲۳ بانمایدگی آقای علی محمد سهرابی تا تاریخ ۱۳۹۳/۰۲/۲۳.

۴- ترازنامه و حساب‌های سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۰/۱۲/۲۹ به تصویب رسید.

در تاریخ ۱۳۹۱/۰۶/۰۵ ذیل دفتر ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت.

کد: ۱۶۹۴۳۳۴ اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری - واحد ثبتی تهران

**آگهی مناقصه عمومی خرید  
دفتر پسته گلنگ آسیاب  
شماره مناقصه: ۴۰-۹۱-۱**

شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه  
(فرع پان هفت و پنج استان خراسان)

۱- شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه نظر به دراز تعداد داد و ستد پسته گلنگ مورد نیاز آسیاب های کارخانه تولیدشکر خود را (طبق مشخصات و شرایط مندرج در اسناد مناقصه) (طریق مناقصه عمومی با شرایط مشروح در جدول خریداری نماید.

۲- زمان دریافت اسناد مناقصه: تا تاریخ ۱۳۹۱/۸/۲۳ لغایت ۱۳۹۱/۹/۷  
۳- محل خرید اسناد:  
۴- هفت تپه - کیلومتر ۸۰ جاده دشتیمنشک - مدیریت امور بازرگانی واقع در محوطه صنعتی شرکت  
۵- آهواز - بازار گلستان بهار: ساختمان مرکزی سازمان آب و برق خوزستان جهت تعاونی روستایی دفتر نیشکر هفت تپه  
۶- تهران - یوسف آباد خیابان ۴۴ پلاک ۱۰/۱ طبقه سوم واحد (د) واقع به سایت اینترنتی شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه به آدرس: [www.hctsc.com](http://www.hctsc.com)

۷- مدارک مورد نیاز جهت تحویل اسناد:  
۸- فیش و واریز مبلغ ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال به حساب جاری ۲۱۷۴۰۶۲۲۰۱۰۰۴ نزد بانک ملی شعبه هفت تپه به نام شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه به آدرس: [www.hctsc.com](http://www.hctsc.com)  
۹- واریز مبلغ سیربر هفت تپه مناقصه:  
۱۰- (ب) واریز مبلغ ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال به عنوان سبده شرکت هفت تپه مناقصه به حساب جاری شماره ۲۱۷۴۰۶۲۲۰۱۰۰۴ نزد بانک ملی شعبه هفت تپه به نام شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه.  
۱۱- به ضامنته با چک تضمین شده بانکی که اعتبار آن از سه ماه کمتر نباشد.  
۱۲- آدرس تولید اسناد، دفتر مدیریت امور بازرگانی شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه یا طوری با سند سفرهای ارسال گردند که تاوقت تعیین شده به دبیرخانه مرکزی شرکت حاصل شود.  
۱۳- مهلت تحویل اسناد: ساعت ۱۱ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۳۹۱/۹/۷  
۱۴- مهلت واریز مناقصه: دفتر مدیریت امور بازرگانی شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه  
۱۵- زمان بازگشتی با الف و ب ساعت ۱۴ روز سه شنبه مورخ ۱۳۹۱/۹/۷  
۱۶- پرداخت هزینه چاپ آگهی در روزنامه به عهده برنده مناقصه می باشد  
۱۷- حضور پشیماندهندگان در موقع بازکردن پیشنهادها در آزاد است.  
۱۸- شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه (به نامی خاص)

[illegible]











## پیش بینی سود ۳ شرکت بورسی

نخستین پیش بینی سود سه شرکت لیژینگ صنعت و معدن، تهران شیمی و گلناش که دارای سال مالی ۳۰ آذر هستند، اعلام شد.
به گزارش فارس، شرکت ۲۰ میلیارد تومانی لیژینگ صنعت و معدن که سود هر سهم سال مالی ۳۰ آذر جاری را ۲۵۲۲ ریال و برای دوره مالی ۹ ماهه ۳۴۴ ریال پیش بینی کرده، اولین سود سال مالی آینده با فرض افزایش سرمایه از ۶۰ به ۱۰۰ میلیارد تومان را ۳۲۶۱ ریال اعلام کرد. این شرکت که به موجب مصوبه مجمع فوق‌العاده، سال مالی را از پایان اسفند به پایان آذر تغییر داده مقرر کرده اولین دوره مالی جدید را به صورت ۳۰ آذر، ابتدای فروردین ۹۱ آغاز و از ۳۰ آذر ۹۱ به پایان برساند. لذا مقایسه پیش‌بینی عملکرد دو سال مالی ۹۱ و ۹۲ مناسب نیست. شرکت گلناش هم که با سرمایه ۴٫۵ میلیارد تومانی در زمینه مواد شوینده و پاک کننده و محصولات بهداشتی و آرایشی فعالیت می کند، اولین سود هر سال مالی آذر ۹۲ را ۱٫۳۳۰ ریال پیش بینی کرد. این شرکت سود هر سهم سال مالی جاری را ابتدا ۱٫۱۰۰ و سپس ۱٫۱۶۹ ریال و در اطلاعیه اخیر ۱٫۱۶۸ اعلام کرده است.

با این اوصاف پیش‌بینی عملکرد سال مالی آینده در مقایسه با پیش بینی عملکرد سال مالی ۹۱ با رشد ۴۷ و ۳۳ درصدی فروش و قیمت تمام‌شده کالای فروش‌رفته و افزایش ۵۳ و ۱۳ درصدی سودعملیاتی و سود خالص مواجه شده که این شرکت دلایل تغییر جزئیات پیش بینی را عمدتاً ناشی از افزایش نرخ فروش محصولات و نرخ خرید مواد اولیه و تسویه بخش عمده ای از بدهی های ارزی اعلام کرده است.

هیات‌مدیره شرکت گلناش درحالی تقسیم سود ۱۲۰ تومانی سود عملکرد سال مالی ۹۲ را به مجمع سالانه و افزایش سرمایه ۴٫۵ میلیاردتومانی از محل اندوخته پیشنهاد داده که این شرکت اعلام کرده ۳۰۰ میلیون تومان تعدیلات سنواتی برای سال مالی عمدتاً مربوط به صدور مالیات قطعی سنوات قبل است.همچنین پیش بینی درآمد حاصل از سرمایه گذاری ها برای سال مالی آینده به مبلغ ۴۷۰ میلیون تومان مربوط به سود سپرده های بانکی بوده و نرخ برابری ارز فروش صادراتی و خرید مواد اولیه پیش بینی شده برای سال مالی آینده ۲۵۰۰ تومان به ازای هر دلار در نظر شده است.شرکت تهران شیمی هم که سود سال مالی آذر ۹۱ را در چند مرحله از ۶۲۸ به ۸۳۹ ریال افزایش داده برای هر سهم سال مالی آینده را ۸۳۲ ریال پیش بینی کرده و پیشنهاد هیات مدیره تقسیم سود ۸۴ ریال از این سود برای مجمع سالانه آتی است.این شرکت ۱۴۸ میلیارد تومانی پیش بینی سود تلفیقی هر سهم سال مالی جاری را از ۸۳۲ به ۷۹۱ ریال کاهش داده ولی برای سال مالی آینده ۸۴۷ ریال اعلام کرده است. همچنین بلوک ۹۸٫۷درصدی شرکت تهران بتون به ارزش پایه تقریبی ۱۲ میلیارد تومان راهی می فروش در بازارسوم فراپورس می شود.شرکت خدمات مدیریت صبا تامین که در کنار سایر زیر مجموعه های سازمان تامین اجتماعی در بازار سرمایه حضور دارد، بلوک ۹۸٫۷ درصدی شرکت تهران بتون را راهی می فروش می کند.

عنوان شاخص	مقدار	بیشترین	کمترین	تغییر	درصد
شاخص کل	۳۱۶۰۸/۹	۳۱۶۰۸/۹	۳۱۳۶۴/۳	۳۳۹/۴	۱/۱۲
شاخص ۳۰شرکت بزرگ	۱۷۵۹/۹	۱۷۵۹/۹	۱۷۳۸۷/۱	۲۱/۵	۱/۲۴
شاخص آزادشاور	۳۸۴۲۷/۹	۳۸۴۲۷/۹	۳۸۰۴۲۷/۹	۴۰۲/۵	۱/۰۶
شاخص بازاراول	۲۵۵۳۷/۴	۲۵۵۳۷/۴	۲۵۵۲۸/۲	۲۹۴/۲	۱/۱۷
شاخص بازاردوم	۴۸۱۰۸/۷	۴۸۱۰۸/۷	۴۷۴۴۲/۴	۴۴۹/۴	۰/۹۴
شاخص صنعت	۳۲۵۶۶/۴	۳۲۵۶۶/۴	۳۲۲۱۵/۲	۳۵۱/۴	۱/۴

مجموع حجم معاملات	۱۰۶۹/۵۴۲/۰۶۹	۲۴۱/۵۴۱/۰۶۹	سهم
مجموع ارزش معاملات	۷۴۰/۲۸۹	۷۴۰/۲۸۹	میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۲۱۵۸۷	معامله	
ارزش بازار	۱/۴۳۸/۶۳۷	۱/۴۳۸/۶۳۷	میلیارد ریال

## بررسی ۱۰ پرونده در کمیته سازش

در پنجمین جلسه رسیدگی به پرونده های شکایت اعضای کانون سرمایه گذاری ایران به ۱۰ پرونده رسیدگی شد. به گزارش روابط عمومی کانون سرمایه گذاری ایران، در پنجمین جلسه رسیدگی به پرونده شکایت اعضای کانون سرمایه‌گذاری ایران که هفته گذشته در محل کانون برگزار شد ۱۰ پرونده مورد رسیدگی قرار گرفت و اعضای کمیته به روی یک پرونده مهر عدم سازش زدند.

اعضای کمیته سازش کانون پس از بررسی لازم در چند جلسه، حکم عدم سازش را برای یک پرونده شکایت امضا کردند و پرونده را برای بررسی نهایی به



سهم شرکت‌های خودرویی که هفته گذشته منفی بودند، در نتیجه اثر چند عامل با رشد ۴ درصدی قیمت و صف صنعت جدا مواجه شدند، تا جاده خودروسازها فعلا تغییر کند.

به گزارش فارس، صنعت خودروسازی با ۳۱ شرکت بزرگ و کوچک تولیدکننده انواع خودرو و قطعات خودرو یکی از صنایع مهم بورس به شمار می‌رود که طی دو سال اخیر تحت تاثیر عواملی، چون افزایش هدفمند سازی ارانه ها، افزایش نرخ ارز، تحریم‌ها و عدم افزایش قیمت فروش محصولات تغییر کند.

بررسی‌ها نشان می‌دهند، صنعت در سال جاری با منفی ۱۵ درصد همراه شده و سهام شرکت‌های این صنعت در زمره سهام ارزان بورس هستند. این صنعت در شرایطی با کاهش ارزش روز بازار سهم از ۶ هزار میلیارد تومان اسفند گذشته به ۳٫۹ هزار میلیارد تومان ماه قبل مواجه شده که طی ماه‌های گذشته افزایش نرخ ارز موجب کاهش سودآوری و حتی اعلام

هیأت دآوری سازمان بورس ارجاع دادند.

بر اساس این گزارش، چهار شرکت برای پاسخ‌گویی به شکایت یک شرکت بورسی دیگر در محل کانون حاضر شدند که بر این اساس دو شرکت حاضر به پرداخت بدهی خود به این شرکت شدند و دو پرونده دیگر برای بررسی بیشتر به جلسه بعدی کمیته موکل شد.همچنین پرونده شکایت دو شرکت دیگر به دلیل عدم حضور خواننده برای اخذ تصمیم نهایی به جلسه بعدی موکل گردید ضمن آنکه بین خواهان و خوانده سه پرونده دیگر سازش حاصل شد.موضوع شکایت همه شرکت ها عدم پرداخت سود سهام سال های گذشته بوده است.

### نقش سهام خودروسازان در نوسان شاخص بورس



مثبت گذاشته‌اند.

بررسی ها در رابطه با دلایل این تغییر جهت حکایت از آن دارد، فعالان بازار سرمایه خبر از سرگیری ادامه همکاری شرکت پژو فرانسه و ارسال قطعات به شرکت های خودرو ساز کشور را ملاک تصمیم‌گیری قرار داده و در کنار ادامه حضور شرکت رنو در کشور ، به آینده سهام این گروه آن هم با توجه به کف رسیدن قیمت سهام اکثر شرکت‌ها امیدوار شده‌اند.

علاوه بر این گروهی دیگر عواملی چون کاهش روزه‌های اخیر قیمت ارز، ادامه رایزنی‌های مدیران خودرویی با مسئولان برای افزایش قیمت فروش محصولات، برنامه گروه بهمن علاوه بر تولید محصولات جدید و غیره را در بهبود وضع سهام شرکت‌های خودرویی سهمی موافجه شده‌اند ۱٫۲ میلیون سهمی موافجه شده‌اند و سهام سایر شرکت‌های حاضر در صنعت خودرو با رشد بهای هر سهم در حال معامله هستند. حتی شرکت‌های سرمایه‌گذاری سایپا و گروه بهمن هر کدام بیش از چهار واحد بر روند شاخص اثر

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
<b>بیمه آسیا</b>	۲,۶۷۱	(۱۱۱)	<b>سیمان داراب</b>	۳,۹۴۳	(۱۶۴)	<b>کارخانجات قدون</b>	۱,۰۸۵	(۴۲۰)
<b>کتوسازی ایران</b>	۲,۶۰۰	۴۱۶	<b>سیمان سازهایی</b>	۳,۵۰۰	۴۴	<b>قدن سیرین خراسان</b>	۷,۲۰۰	(۱۵۰)
<b>مخابرات ایران</b>	۲,۶۰۰	(۹)	<b>سیمان بجنورد</b>	۲,۳۴۰	۲۰	<b>شکر ماهود</b>	۳,۴۴۰	(۳۹)
<b>بیمه البرز</b>	۳,۰۰۰	۴	<b>سیمان بهبهان</b>	۲,۱۰۸	(۲۱۱)	<b>قدن قندشاهان</b>	۳,۳۴۰	(۱۷۵)
<b>کابل البرز</b>	۱,۰۹۴	۳	<b>سیمان سپاهان</b>	۱,۰۸۲	(۱۷)	<b>قدنقش جهان</b>	۱,۱۴۰	(۱۱۳)
<b>ایران ترانسفو</b>	۲,۲۰۵	۹۲	<b>سیمان خاش</b>	۲,۰۰۰	(۳۲)	<b>قدن شایبور</b>	۱۳,۴۰۰	(۱۹)
<b>پارس سوچ</b>	۱,۸۱۵	(۱)	<b>صنایع سیمان دشتستان</b>	۳,۱۴۶	۱۲۱	<b>قدنکهنان</b>	۲,۰۵۳	(۸۵۵)
<b>لامپ پارس شهاب</b>	۳,۸۰۰	۱۴۶	<b>سیمان دورود</b>	۴,۵۳۳	۱۲۵	<b>آسفال</b>	۱,۱۵۳	۴۴
<b>موزون</b>	۳,۰۶۰	۱۱۷	<b>سیمان ماهارود</b>	۳,۲۸۹	۵	<b>سیمان صنعتی یونان</b>	۱,۶۴۴	۶۵
<b>نیروترانس</b>	۴,۳۷۶	(۱۸۲)	<b>سیمان شرق</b>	۹۸۸	(۳۸)	<b>سرما آفرین</b>	۱,۵۱۴	۵۸
<b>کارخانجات تولیدی شهید قدنی</b>	۱,۵۰۰	(۲۲)	<b>سیمان شمال</b>	۱,۱۸۷	۴۱۸	<b>سرمه گذاری الیز(هلدینگ)</b>	۲,۴۱۸	(۱۰۰)
<b>گسترش نفت و گاز پارسان</b>	۸,۶۰۰	۴۰۶	<b>سیمان اصفهان</b>	۹,۶۴۳	۳۷۲	<b>گروه مدیریت سرمایه گذاری امید</b>	۵,۸۵۰	۲۲۱
<b>بیمه پارسیان</b>	۲,۱۵۱	(۹)	<b>سیمان صوفیان</b>	۱,۳۷۷	(۵۷)	<b>انصار</b>	۲,۲۳۳	(۹۲)
<b>ایران یاساتابواریور</b>	۴,۶۵۰	۱۶	<b>سیمان غرب</b>	۴,۱۲۲	(۱۵)	<b>سرمه گذاری گروه توسعه ملی</b>	۲,۷۲۰	(۳)
<b>سرمه گذاری پردیس</b>	۱,۱۸۰	۱۶	<b>سیمان فارس و خوزستان</b>	۱,۴۵۱	۱۱۱	<b>توسعه صنعت پتروشیر(هلدینگ)</b>	۱,۸۰۰	(۵۲)
<b>گروه صنعتی یاز</b>	۲,۶۵۹	۴۲	<b>سیمان فارس نو</b>	۲,۴۰۰	(۱۳)	<b>سرمه صادرات ایران</b>	۱,۰۰۷	(۹)
<b>نواکتوسازی ایران</b>	۱,۶۳۸	(۹۱)	<b>سیمان هرمزگان</b>	۹,۲۰۰	۵۹	<b>بانک ملت</b>	۱,۰۰۵	(۱۳)
<b>پمپ سازی ایران</b>	۲,۵۰۰	۶۱	<b>سیمان گنجان</b>	۲,۶۵۷	(۱۱۰)	<b>سیمان گنجان</b>	۹۴۷	-
<b>ماشین سازی نیرومحرکه</b>	۱,۰۰۰	(۳۰)	<b>سیمان کارون</b>	۲,۹۸۸	۱۱۴	<b>سیمان گذاری یونلی</b>	۹۴۱	(۱۴)
<b>گسترش صنایع و خدمات کشاورزی</b>	۲,۸۴۴	(۹)	<b>سیمان کردستان</b>	۱,۱۸۸	۲۱۰	<b>سیمان گذاری صنعت بیمه</b>	۱,۱۴۰	۲۳
<b>نورستنی و رفاهی آیداکران ایران</b>	۱,۵۵۰	(۳۵)	<b>سیمان کرمان</b>	۶,۵۰۰	(۱۳۴)	<b>بانک پارسان</b>	۲,۶۴۳	۲
<b>بین‌المللی توسعه ساختمان</b>	۲,۷۷۸	۲۶	<b>لایاش نفت تیزیز</b>	۶,۶۴۹	۲۵۵	<b>بانک پاسارگاد</b>	۱,۰۸۰	۱
<b>سامان گستر اصفهان</b>	۱,۶۴۰	۴۵	<b>پالایش نفت بندرعباس</b>	۳,۰۸۷	(۱۶)	<b>سرمه گذاری صنایع پتروشیمی</b>	۹۶۷	۳۷
<b>سرمه گذاری شاهد</b>	۱,۲۲۲	(۵۱)	<b>نفت پهران</b>	۷,۹۱۰	۱۶	<b>داروینک (هلدینگ)</b>	۱,۰۰۰	۴۶
<b>عمران توسعه فارس</b>	۱,۲۷۱	(۵۷)	<b>بین المللی محصولات پارس</b>	۱,۸۰۷	(۷۵)	<b>بانک تجارت</b>	۱,۲۰۴	(۵۰)
<b>سرمه گذاری سکن</b>	۱,۷۷۶	(۷۳)	<b>پاکسان</b>	۳,۳۴۲	(۱۳۲)	<b>نوسعه شهری نوس گستر</b>	۲,۰۱۶	۷۷
<b>نوسازی و ساختمان تهران</b>	۳,۸۵۲	۱۶	<b>پتروشیمی آبادان</b>	۹,۹۴۴	۶۹	<b>سرمه گذاری توسعه ملی</b>	۱,۵۰۰	(۱۳)
<b>کارتن ایران</b>	۱,۵۶۹	(۶۵)	<b>پتروشیمی پردیس</b>	۴,۶۵۰	۱,۷۷۸	<b>سرمه گذاری پارس توشه</b>	۲,۳۵۰	۹۰
<b>صنایع گافانسیز کاوه</b>	۵,۱۳۰	۲۰۸	<b>پلی‌کریل</b>	۶۲۱	(۲۳)	<b>سرمه گذاری نوکافولا(هلدینگ)</b>	۱,۴۵۱	۵۰
<b>حمل و نقل پتروشیمی( سهامی عام</b>	۱,۶۱۷	۳۰	<b>پارس پامچال</b>	۷,۴۴۴	(۳۱۲)	<b>سرمه گذاری سایبا</b>	۱,۰۵۵	(۱۸)
<b>تأیدپواتر خاورمیانه</b>	۲,۶۰۱	۴۲	<b>پتروشیمی خاک</b>	۲۰,۰۲۳	۷۷۰	<b>سرمه گذاری ساختمان ایران</b>	۲,۵۰۰	(۹۴)
<b>حمل‌ونقل توکا</b>	۵,۵۵۰	(۴۶)	<b>صنایع شیمیایی سینا</b>	۴,۳۵۲	۱۶۷	<b>سرمه گذاری سه</b>	۱,۵۸۴	۶۴
<b>حمل و نقل بین المللی خلیج فارس</b>	۵۸۹	(۱۷)	<b>پتروشیمی طارقی</b>	۹,۸۴۴	۳۸۰	<b>بانک سینا</b>	۱,۳۹۲	۲۸
<b>حقاری شتل</b>	۲,۶۵۲	۱۰۲	<b>صنایع شیمیایی فارس</b>	۹,۰۸۹	۵	<b>سرمه صادرات پتروشیر ایران</b>	۱,۵۰۷	(۱۰)
<b>کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران</b>	۱,۱۳۲	۴۳	<b>گلناش</b>	۷,۲۰۰	۱۹۸	<b>سرمه گذاری صندوق بازنشستگی</b>	۲,۲۹۹	۴۷
<b>سایا آذین</b>	۴۸۰	(۱۹)	<b>گلایران</b>	۴,۱۴۰	۱۴۷	<b>سرمه گذاری صنعت ومعدن</b>	۱,۰۸۰	۵
<b>ایران خودروی شرق</b>	۹۱۲	۳۵	<b>نفت پارس</b>	۴,۰۹۵	۱۳۱	<b>سرمه گذاری غدیر(هلدینگ)</b>	۴,۴۳۳	۱۸۲
<b>گروه بهمن</b>	۱۰۸۵	(۱۶)	<b>پتروشیمی سراز</b>	۵,۷۴۱	۲۲۰	<b>لیژینگ پارس ریان</b>	۱,۴۵۱	(۵۳)
<b>ج. گروه بهمن</b>	۱۶۱	(۱۳)	<b>نیروکمر</b>	۸,۵۰۰	۲۳	<b>لیژینگ صنعت ومعدن</b>	۲,۰۴۲	۷۸
<b>پارس خودرو</b>	۶۱۰	(۲۳)	<b>کشت‌وصنعت‌پایذر</b>	۴,۶۸۹	(۲۳۷)	<b>لیژینگ خودروغدیر</b>	۵۸۰	۲۲
<b>قطعات اتومبیل ایران</b>	۱,۳۴۷	۵۱	<b>لنیات کالبر</b>	۳,۲۴۷	(۱۳۵)	<b>لیژینگ ایران</b>	۱,۷۲۲	۶۸
<b>چرخشگر</b>	۱,۲۷۵	(۵۳)	<b>لنیات پاک</b>	۴,۴۴۲	(۲۰۱)	<b>توسعه‌مدان وفلذرات</b>	۴,۵۲۸	۱۷۴
<b>رینگ‌سازی‌مشهد</b>	۸۲۷	(۳۴)	<b>مهر صنو</b>	۲,۴۶۰	(۵۲)	<b>سرمه گذاری صنعت ومعدن</b>	۵۱۶	(۱۵)
<b>آزمایش</b>	۶۸۰	(۸)	<b>کشت و صنعت چین چین</b>	۴,۲۷۰	۱۰۵	<b>سرمه گذاری صنعت نفت</b>	۱,۰۷۰	(۱۵)
<b>سایا</b>	۱,۰۳۰	(۴۲)	<b>دشت مبارک</b>	۱,۱۸۶	۸۴	<b>بانک اقتصادنیون</b>	۲,۳۵۸	۱۳
<b>الکترون خودرو شرق</b>	۶۳۸	۲۴	<b>سالمین</b>	۵,۵۰۴	۲۱۳	<b>سرمه گذاری نیرو</b>	۱,۱۵۹	۴۴
<b>سرمه گذاری اعتبار ایران</b>	۱,۵۲۰	۵۸	<b>پگاه آذرپایجان غربی</b>	۸۱۵	(۱۴)	<b>سرمه گذاری نیرو</b>	۱,۱۵۹	۴۴
<b>سرمه سازی خاور</b>	۸۲۸	۳۱	<b>سرمه سازی پگاه خراسان</b>	۳,۰۹۰	(۱۶۲)	<b>سرمه گذاری ملی ایران</b>	۱,۶۵۳	(۶۰)
<b>گسترش سرمایه‌گذاری ایران خودرو</b>	۲,۰۴۴	۷۹	<b>شهد ایران</b>	۲,۰۶۳	۷۹	<b>بانک کار آفرین</b>	۱,۴۵۳	(۲۸)
<b>نیرو محرکه</b>	۱,۰۹۱	(۱۹)	<b>یسکویت گرجی</b>	۲,۰۶۱	(۶)	<b>فرآورده‌های نسوز آذر</b>	۱,۴۴۱	(۵۸)
<b>تولیدمعمور خودرو</b>	۱,۳۴۶	(۵۵)	<b>ج. یسکویت گرجی</b>	۱,۰۶۱	۷۸	<b>باما</b>	۸,۵۸۱	۲۹۱
<b>مهر کامراس</b>	۴۳۳	(۱۷)	<b>صنایع آذرتاب</b>	۱,۱۸۶	۴۸	<b>کاشی پارس</b>	۱,۱۲۰	(۳)
<b>ایران خودرو</b>	۱,۱۷۴	(۳۴)	<b>ماشین سازی اراک</b>	۱,۷۸۷	۶۸	<b>کاشی‌پتشر ایران</b>	۳,۰۰۸	۱۱۵
<b>کارخانجات دارویشی</b>	۵,۴۴۵	(۵۲)	<b>کالسمین</b>	۳,۶۶۶	۲۵۵	<b>تولیدی کاشی تکرام</b>	۱,۰۰۰	۴۵
<b>داروسازی امین</b>	۲,۱۴۰	(۷۶)	<b>صنعتی آما</b>	۳,۲۴۳	۱۲۴	<b>معدنی صنعتی جادو ملو</b>	۱,۸۷۷	۳۷۹
<b>بیمه دانا</b>	۴,۷۵۰	۱۸۰	<b>آلومینیوم ایران</b>	۹,۹۴۲	(۳۷۲)	<b>چینی ایران</b>	۳,۱۲۷	۹۵
<b>تولیدمواد پلی‌دارویشی</b>	۱۰,۷۴۰	۴۰۷	<b>سینا شهیدانهر</b>	۱,۰۶۴	۲۰	<b>کاشی وسرامیک حافظ</b>	۱,۳۰۰	(۳۴)
<b>داروسازی جایران حیان</b>	۲,۵۰۱	(۲۷)	<b>سینا</b>	۳,۴۵۱	۱۳۲	<b>صنایع پتروشیمی کرمانشاه</b>	۷,۲۷۸	۲۲۸
<b>دارویی رازک</b>	۹,۱۶۱	(۱۰۶)	<b>جام‌دارو</b>	۲,۱۳۰	۸۱	<b>صنایع پتروشیمی رور ایران</b>	۲,۶۶۵	۱۰۲
<b>داروسازی رودارو</b>	۲,۴۹۹	(۱۱۰)	<b>فولاد امیرکبیر کاشان</b>	۲,۴۶۰	۹۴	<b>صنایع کاشی وسرامیک سینا</b>	۳,۳۴۳	۱۳۹
<b>گروه دارویی سبحان</b>	۲,۸۴۳	(۱۳)	<b>فولاد خراسان</b>	۹,۴۷۱	۳۲۵	<b>سرامیک‌های صنعتی اردکان</b>	۳,۳۸۰	۴۵۳
<b>ج.گروه دارویی سبحان</b>	۱,۶۷۰	(۲۱)	<b>فولاد خوزستان</b>	۲۱,۵۰۰	۴۶۲	<b>کاشی سعدی</b>	۲,۲۱۷	۸۵
<b>داروسازی سینا</b>	۱,۰۰۰	۲۶۲	<b>فرآوروی‌رومعدنی ایران</b>	۷,۰۲۳	۷۷۰	<b>فخلان‌تکین طبس</b>	۲,۹۱۰	۸۲
<b>انوار آذر داروسازی دکتر عبیدی</b>	۴,۱۴۵	(۲۵۶)	<b>فروسیس ایران</b>	۴,۱۷۷	(۱۶۹)	<b>فرآورده های نسوز ایران</b>	۴,۲۱۹	۴۷
<b>دارویی لقمان</b>	۳,۱۳۰	۸۲	<b>گروه صنعتی سپاهان</b>	۴,۳۱۲	(۱۷۸)	<b>سشده و گاز</b>	۱,۲۲۰	(۵)
<b>داروسازی کونر</b>	۱,۴۹۹	۵۶	<b>ملی سربووری ایران</b>	۲,۸۱۸	۱۰۸	<b>معدنی صنعتی گل گهر</b>	۹,۱۵۳	۳۵۲
<b>کیمیدارو</b>	۱,۵۱۳	(۶۳)	<b>معدنی صنعتی گل گهر</b>	۲,۰۰۱	(۶۰)	<b>صنعتی گل گهر</b>	۱,۲۲۰	(۳۶)
<b>خدمات انفورماتیک</b>	۱۳,۴۰۰	۴۰۱	<b>لوله‌ومشین سازی ایران</b>	۱,۸۵۸	۴۶	<b>کاشی الوند</b>	۱,۲۲۰	(۳۶)
<b>تجارت الکترونیک پارسیان</b>	۸,۴۰۰	(۲۴)	<b>ملی صنایع مس ایران</b>	۶,۵۰۲	۲۴۰	<b>معادن مکتزار ایران</b>	۲۰,۱۹۰	۴۷۶
<b>مدیریت سرمایه‌های نیروگاهی</b>	۱,۸۰۲	۶۹	<b>نوره آلومینیوم</b>	۳,۰۲۳	(۱۳۷)	<b>کاشی نیلو</b>	۱,۱۹۹	۹
<b>گارت اعتباری ایران کش</b>	۹,۰۰۰	(۱۳۳)	<b>نوردوقطعات فولادی</b>	۲,۳۱۸	۱۲۷	<b>تولیدی گرافیت‌پهرام</b>	۱,۳۶۸	۵۲
<b>کشاورزی و دامپروری مگسال</b>	۲۱,۵۰۰	۲۵۰	<b>فولاد مبارک اصفهان</b>	۳,۵۵۰	۱۳۶	<b>ششده همدان</b>	۲,۱۶۹	(۱۲)



# ادب و هنر

۲۰۶

ضمیمه ادبی هنری روزنامه اطلاعات  
ویژه فرهنگ، هنر و ادبیات

سه شنبه ۷ آذر ۱۳۹۱  
شماره ۲۵۴۶۵

... به پیوسته



آفر به باه ماه ربای تو می رسد

این کفتر (ها) شده هر جور می پرد

«عباس پشامی»

گفتاری از دکتر غلامعلی حداد عادل، درباره اهتمام حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای به زبان و ادبیات فارسی

## زبان فارسی؛ رکن دوم هویت ملی



در این سالی و چند سالی که از انقلاب گذشته است و بنده توفیق آشنایی با آیت الله خامنه‌ای را داشته‌ام، یکی از رشته‌های پیوند مازبان و ادبیات فارسی بوده است. درباره این وجه از شخصیت ایشان نکاتی

را عرض می‌کنم:

اول این که احاطه ایشان بر ادب فارسی و توانایی‌های زبانی ایشان یک امر استثنایی است و نتیجه تحصیلات عادی حوزوی نیست. در زمانی که آقای خامنه‌ای جوان بودند و در حوزه علمیه فقه و اصول می‌خواندند، درس و بحثی با عنوان زبان فارسی یا ادبیات فارسی یا نویسندگی و حتی شعر به صورت رسمی در حوزه نبود. حوزه امروز که در آن فعالیت‌های ادبی هم جایی دارد، بسیار فرق دارد با حوزه ۵۰ سال پیش.

این یک واقعیت است که روحانیون تربیت شده آن حوزه از نظر توانایی‌های زبانی و ادبی، معاصر جامعه خود نبودند، اما آقای خامنه‌ای این ارتباط با زبان و ادبیات فارسی و عشق و علاقه و تسلط بر آن را در اثر چند عامل کسب کرده بود: اول استعداد طبیعی و ذوق فطری خود ایشان که یک موهبت خدادادی است. دوم زندگی در محیط مشهد که زادگاه و پرورشگاه زبان و ادبیات فارسی به‌شمار می‌رود و در آن سال‌ها قوت و قدرت ادبی خوبی داشت. شاعران درجه اول خراسان و ایران در آن‌جا حضور داشتند و محافل و انجمن‌های ادبی و جلسات شعرخوانی زیادی برگزار می‌شد. آقای خامنه‌ای هم دوستان شاعر خوبی داشتند که من بعضی از آنان مثل مرحوم قدسی و برخی مثل آقای قهرمان (که هم‌اکنون در قید حیات هستند) کم و بیش می‌شناسم. آقای خامنه‌ای در این مجالس حضور پیدا می‌کردند، به اشعاری که سرایندگان درجه اول می‌خواندند، توجه می‌کردند و به بحث‌هایی که در نقد شعر می‌شد، توجه داشتند. خود ایشان هم ذوق شعری داشتند و به لحاظ شخصیت و دانش مورد احترام استادان مسن تر بودند. ایشان خاطرات زیادی از مجالس ادبی مشهد دارند و در تمام این سال‌ها دوستی و مرادود شعری و ادبی را با عده‌ای از شاعران مشهد داشته‌اند.

آقای خامنه‌ای از مطالعه متون اصلی و اصیل نظم و نثر فارسی غافل نبوده‌اند و به برکت حافظه قوی، بسیاری از اشعار را در حفظ دارند. هنوز هم این انس و الفت وجود دارد. همین چند ماه پیش من یک بیت شعر عربی را که مضمونش منسوب به مجنون است، به شعر فارسی

برگردانده بودم. «هوی ناقتی خَلفی و قَدّامی الهوی و اِنّی و اِیّاهَا لِمُخْتَلَفان». شعری از یک شاعر عرب در بیان احوال مجنون است. مجنون سوار ناقه (ماده شتر) بوده و رو به قبیله لیلی می‌رفته، اما این ناقه بچه‌اش را در خانه گذاشته و دلش پیش او بوده است. تا مجنون از ناقه غافل می‌شده، این شتر برمی‌گشته به سوی بچه‌اش. می‌گوید: عشق ناقه من پشت سرم است و عشق خودم جلوی روی من. با هم هماهنگ نیستیم. مضمون عرفانی والا بی است. من به ایشان گفتم که این شعر را به فارسی برگردانده‌ام، از نظر شما چطور است؟ ایشان گوش کردند و با محبت نظری دادند و فرمودند: این قصه‌اش در مثنوی هست. بعد همان‌طور که نشسته بودیم و ایشان مشغول خوردن ناهار بودند، تمام ابیات آن داستان مثنوی را برای من خواندند. امثال این‌طور اشعار و ابیات در حافظه ایشان زیاد است. ایشان تک‌بیت‌ها و غزل‌های سبک هندی فراوانی از صائب و کلیم و یسیدل و طالب آملی و دیگران حفظ هستند. اگر کسی اهل شعر باشد و با ایشان مصاحبت داشته باشد، نوبه‌نو این‌گونه مضمون‌ها و ابیات دست اول برگریده را از ایشان می‌شنود.

### آشنایی با تاریخ تحول شعر فارسی

علاوه بر این، ایشان به کلیت ادبیات فارسی و تاریخ تحول شعر فارسی نیز توجه دارند. یعنی سبک‌های مختلف شعری مانند سبک خراسانی، هندی، دوره بازگشت و شعر معاصر هر کدام در ذهن ایشان جای خود را دارد. خصوصیات این‌ها را می‌شناسند و امتیاز هر کدام را نسبت به دیگری می‌دانند. می‌توانم بگویم ایشان این دوره هزار ساله، از شعر رودکی را در جاده تاریخ پایه‌پای شاعران طی کرده‌اند و کمتر شاعر بزرگی است که ایشان درباره آن نظر نداشته باشد؛ چه این شاعر مولانا و سعدی و حافظ باشند و چه ملک الشعرای بهار و دیگران.

ایشان پس از دوره جوانی هم با شاعران و استادان معاصر ارتباط داشته و از آن‌ها استفاده می‌کردند. یکی از این شاعران مرحوم استاد امیری فیروزکوهی بود که آقای خامنه‌ای در تهران با ایشان ارتباط داشتند. ظاهر اوقتی آقا به تهران می‌آمدند، با ایشان دیدار می‌کردند و همین رفت و آمد باعث شده بود که افراد خانواده امیری هم با ایشان آشنایی داشته باشند. شاعران دیگری هم که به منزل آقای امیری می‌آمدند، ایشان را می‌دیدند. از آن‌جا که آقای امیری به سبک هندی علاقه و باور داشت، این هم یک زمینه مشترک گفت‌وگوهای ادبی میان این دو می‌شد. ما علاقه متقابل بین این دو بزرگوار را بعد از انقلاب و در آن دوران محدودی که آقای امیری



زنده بود، دیدیم.

خاطر من هست یک بار راجع به مرحوم جلال همایی در حضور ایشان صحبت شد. ایشان فرمودند من در جوانی یکی دو بار به دیدن آقای همایی رفتم و درباره بعضی غزل‌های ایشان صحبت کردم. مرحوم همایی هم یکی دو غزل را به خط خود در دفتر من نوشته‌اند. آقای خامنه‌ای از روزگار قدیم دفتری دارند که ابیات و اشعار خوب و درجه اول شاعران معاصر - شاید هم شاعران غیر معاصر - را در آن نوشته‌اند و یادداشت کرده‌اند. البته من آن دفتر را ندیده‌ام، ولی خودشان گفتند چنین دفتری هست و کسانی که آن دفتر را دیده‌اند هم برای من از آن صحبت کرده‌اند. غرض این که زبان و ادبیات برای آقای خامنه‌ای قبل از انقلاب یک علاقه شخصی صرف نبوده است، بلکه آن را جدی گرفته و به اهمیت این عنصر معرفتی و فکری در انسان و قوف داشته‌اند؛ یکی از عوامل سنجیت روحی ایشان با مرحوم مطهری هم همین بود؛ هر دو خراسانی و هر دو آگاه از ظرفیت‌ها و ارزش‌های زبانی و ادبی و علاقه‌مند به شعر و ادب فارسی بودند؛ هر دو نویسنده و خطیب توانا و خوب، اما در بین روحانیون کسانی که از نظر ادبی بتوانند با آقای خامنه‌ای دم‌خور باشند، محدود و معدود بودند.

بقیه در صفحه ۲

### ● خشت اول

## من از کودکی

## عاشقت

## بوده‌ام



رضا رفیع

گفت: ای گروهر که ندارد هوای ما سر گیرد و برون رود از کربلای ما آقاجان همچنان با صدای رسا و خوش آهنگش می‌خواند و جمع دوستان و آشنایان سوگوار ابا عبدالله (ع) همچنان می‌گریند. مستمع وقتی که در گوینده اخلاص می‌بیند، بیشتر کربلایی می‌شود. سخن از میدان عشق، کربلاست. این تصویرسازی‌های زیبا و معنوی برای من، که کودکی پامتری بیش نیستم، خیلی جذب کننده است. سخن از لحظه‌های عاشقانه‌ی یاران امام حسین با مولا و مقتدای عشق و ایمان و آزادگی است. تصویرسازی عرصه ایستادگی و جانبازی و فناء فی الله است. زیر سم اسبان فتادن و بر نیزه رفتن و قطعه قطعه شدن، سخن از مسلخ و منای عاشقی است. خلوت خاص برگزیدگان بزم عشق. آقاجان، محزون ترو کربلایی تر، صدا را اوج می‌دهد: نداداده تن به خواری و ناکرده ترک سر نتوان نهاد پای به خلوت سرای ما می‌گویم: آقاجان، یعنی همه عاشق بودند؟... همه بر کارشان آگاه بودند؟

آقاجان، دستی بر سرم می‌کشد و می‌گوید: پسر، نوجوان روز عاشورا، قاسم بن الحسن (ع) بود. نور چشم دومین امام معصوم که به امانت به عمو سپرده شده بود. وقتی که سیدالشهداء در شب عاشورا با یاران و اصحاب خویش سخن گفت و بیعت خویش را از آنها برداشت، تا هر که می‌خواهد، بی‌خجالت و آزر از این خلوت‌سرای خاص بیرون رود؛ چون هفتاد و دو نفر ماندند و گفتند که تا آخرین جرعه جان در رکاب حضرتش خواهند بود؛ قاسم به سراغ عمو آمد.

— عمو جان، آیا من نیز در شمار کشته شدگان خواهم بود؟ امام حسین دستی بر سر و روی یادگار برادر کشید؛ و برای آن که تاریخ بر انتخاب آگاهانه یاران و حواریونش شهادت دهد، از او پرسید:

— کیف الموت عنک؟..... [عزیزم.... فرزندانم....].... مرگ در نزد تو چگونه است؟ — احلی من العسل!

قاسم به عمویش گفت که شهادت در این راه و مرگ در رکاب شما، در نگاه من شیرین تر از عسل است. و امام حسین نگاهی به سیمای معصوم او انداخت و تبسمی محزون نمود و گفت: آری فرزندانم؛ تو نیز در شمار کشته شدگان خواهی بود. و قاسم، با تمام وجود لبخند زد. لبخندی عاشقانه که اشک در چشم مولا نشست، رقصی چنین میانه میدانم آرزوست!

می‌گویم: آقاجان، شما هم از کودکی و از سن من عاشق امام حسین بودید؟

تبسم بر چهره محبت آمیزش نقش می‌بندد. می‌گوید: پیش از آن که دست راست و چپم را تشخیص دهم، عشق او با شیر مادر و با نفس گرم پدر در جان تشنه من حلول کرد. مگر این دو چشم بی سو می‌تواند عاشق نور نشود؟... پسر! عشق این خانواده، ازلی است. همه عمر بر ندارم سر از این خمار مستی / که هنوز من نبودم که تو در دلم نشستی....

آقاجان، مرا کنار خودش می‌نشاند و خودش باز شروع می‌کند به خواندن. اشک می‌ریزد و می‌خواند. عجیب است؛ همه دارند می‌گریند.... خدایا، مگر آقاجان چه می‌خواند؟... یا چه کسی دارد این طور صمیمانه و عاشقانه می‌گوید و می‌گرید؟:

من از کودکی عاشقت بوده‌ام  
قبولم نما گرچه آلوده‌ام  
غمّت حاصل زندگانی من  
به راه توطی شد جوانی من  
من از ریزه خواران خوان توأم  
اگر چه بدم میهمان توأم  
به عشقت از آن دم که خودادی ام  
به چشم همه آبرو دادی ام  
ز در رانداگانت حسابم مکن  
گدایم، کرم کن، جوایم مکن  
از این رو سپیدم بر داورم  
که من هم سیاهی این لشکرگم

### مروّی بر شرح احوال و آثار آیدین آغداشلو در فرهنگستان هنر



مریم نظری

## آغداشلو به روایت آغداشلو

«فرهنگستان هنر» نخستین نشست از سلسله نشست‌های «در مکتب هنرمندان معاصر ایران» را به «مروّی احوال و آثار آیدین آغداشلو» اختصاص داده بود. این نشست ۲۵ مهر برگزار شد. در این نشست «بهنام کارمانی» و ویژگی‌های سبکی و هنری آغداشلو را بررسی کرد که این بخش در شماره ۲۰۴ ضمیمه «ادب و هنر» به چاپ رسید.

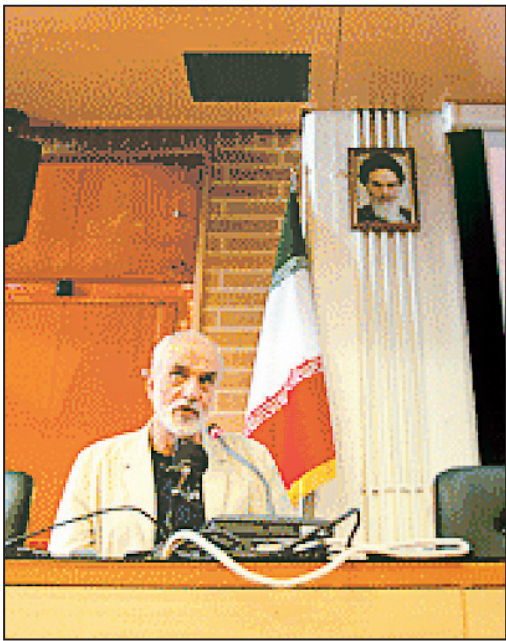
اکنون بخش دوم این نشست که «آیدین آغداشلو» با یادآوری خاطراتی به شرح زندگی خود می‌پردازد، تقدیم می‌شود.

\*\*\*

نخست آیدین آغداشلو از زندگی شخصی‌اش و چگونگی راه پیدا کردنش به عرصه نقاشی سخن می‌گوید: وقتی به دوران کودکی ام نگاه می‌کنم، پسر بچه خیلی بدلباسی رامی‌بینم در خانواده‌ای که خیلی هم پولدار نبود یا اصلاً پولدار نبود. خب او باید با ساختمان زندگی اش که به او تحمیل شده بود به نحوی کنار می‌آمد. ظاهراً پسر باهوشی بود. خوشگل بود و دنبال راه فراری می‌گشت که از زندگی خیلی سخت خود فرار کند. زندگی بی که مثلاً اگر قرار بود یک کمی نان بیشتر بخوریم، دعوایمان می‌کردند که خوردی دیگر، کافی است. خب، این بچه بالاخره راهش را و به نحوی آن مغز را پیدا کرد.

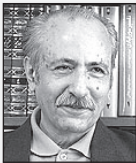
او ادامه می‌دهد: من اینها را به یاد نمی‌آورم و برآیم تعریف کرده‌اند که وقتی این بچه را در پنج سالگی برای اولین بار به تهران برده بودند، او نشسته بود و صورت دختر بچه‌ای را که آنجا بود نقاشی کرده بود.

بقیه در صفحه ۴





## کژتابی‌های ذهن و زبان



**۵۱** استاد بهاء‌الدّین خرمشاهی

و یکی از عرفا که معمولاً دنیا را با دست پس می‌زند و با پا پیش می‌کشند، یا احتیاط برعکس، می‌گوید: یعنی چون خیلی ریاضت کشیده و حتی زیارت نرفته بوده و همه‌اش چله نشین و خلوت گزینی و رابطه با اشباح داشته (چون ارواح از او حرف‌شنوی نداشته‌اند و حاضر نمی‌شدند که به حرف و حرکات او حاضر شوند) می‌گوید: لقائله... از شدت کُفّ نفس، نفسم کف کرد. پس کف کردن یک جور‌هایی با کیف کردن رابطه معنا شناختی دارد.

داشتم می‌گفتم: (یعنی از قول حافظ البتّه) طالع اگر مدد دهد دامنش اورم به کف. بعدش چی؟ دو حالت رخ می‌دهد: اگر دامنش را بازور حتی تا مرز جر خوردن و جرزدن در بازی، نتواند از دست من بیرون بکشد، زهی طرب و همان کف و کیف با کم و کیف‌های مختلف. ولی اگر تیغ برکشد که محبّانِ همی زنم / اول کسی که لاف محبّت زند منم؛ یعنی اگر بکشد (به ضم کاف) و کشت و کشتار راه ببنداد، دیگر به مدلول الحقّ لمن غلب، من هم محروم می‌شوم و هم مرحوم و به جای حجلهٔ بخت که حافظ می‌گوید: حجلهٔ بخت بیارای که داماد آمد، یک حجله در محلهٔ ما برای من جوانمرگ شده برپا می‌شود.

باید این مقاله یک مبصر داشته باشد که سر هر صفحه با یک یا دو پاراگراف بگوید کات و مرا بیاورد به نقطه، سر سطر. فکر نکنید هنر کژتابی مثل اغلب هنرها نزد ما ایرانیان و بس بوده، بلکه انگلیسی‌ها هم شم سیاسی‌شان زبانا و شامهٔ زبانی‌شان سیاستا قوی بوده است. زیرا آنها هم وقتی می‌گویند I draw a car دو معنی می‌دهد:

۱) من به جای اسب ارابه را می‌کشم / حمل می‌کنم.
۲) من دارم طراحی یا نقاشی یک ارابه می‌کنم.
یا وقتی می‌گویند: I can fish دو معنی دارد:
الف) من ماهیگیری بلدم /می‌توانم انجام بدهم.
ب) من ماهی‌های صید شده را در قوطی کنسرو می‌کنم.
یا وقتی می‌گویند grateful یک معنایش سپاسگزار /شاکر است و یک معنایش که به من و خوانندگان ربطی ندارد great fool (دراز گوش کبیر، احمق جلیل‌القدر)
\*\*\*
پس کژتابی‌های ذهن و زبان یک پدیده زبانی است که آمیزه‌ای از ابهام و ابهام دارد. ولی با هر آمیزی از ابهام یا ابهام لزوماً مثل فرمول شیمی (نمی‌دهد) کژتابی، حاصل نمی‌گردد، باید مثل خوب داشت و احتیاطاً طرف با وضو باشد یا اگر هم وضو نداشت اقل کم غسل واجب به گرد نداشته باشد. حالا از من نپرسید: مگر غسل با گردن رابطه دارد؟ که در اینجا مسألهٔ ابهام هموزنی پیش می‌آید و ناچاریم شعار سردهیم که عاقلان دانند.

خوشبختانه هر کس که ذوق و شوق زبانی ندارد، از همینجای کار احساس می‌کند با یک نوع پدیده سرکارگذاری آکادمیک مواجه است، و از هر جای ضرر که برگردیم مثل زهر طرف که شود کشته سود اسلام است.

\*\*\*

من از آکادمیک بودن شامبرتری بازی‌های زبانی خود خیلی مطمئن نیستم. اگر چه می‌توانم یک کتاب‌شناسی جمع و جور و با هنر و تلمّپ به انگلیسی در این‌باره برای اهل و نااهلش بدهم. خلاصه به قول دوبلهٔ آنتونی کوئین در فیلم جاذهٔ که می‌خواست معر که‌گیری کند و زنجیر پاره کند و غیره با کلمات بریده بریده و مشتری جمع کن می‌گوییم «اونایی که قلبشون ضعیفه اینجا واینس» [نایستند].

\*\*\*

هیزم به خورار و زعفران به متقال، البته بعضی می‌گویند یک متقال همان یک تیغ است که باز عاقلان دانند، اما مرادم این است که این جملات کژتاب ر شبنم – شبنم، یک حرف و دو حرف جمع‌آوری کرده‌ام، و فله‌ای نیست. حاصل یک دهه یادداشت‌را در ۱۰-۲۰ مقاله (اگر ان‌شاء الله همه چیز خوب پیش برود) تقدیم شما خوانندگان خوش قلب که از نظر آنتونی کوئین هم قلب قوی دارید، می‌سازم.

کامیون آجر نیست که هری و شری به مدد مکانیک کمپرسی در خانه خوانندگان یا پارکینگ روزنامه شرق خالی کنم و از هر چهار یا شش سو هفت خانوار را زهره ترک کنم.
تاچه بازی رخ نماید بیدی خواهیم راند
عرصهٔ شطرنج رندان را مجال شاه‌نیست
از این پس معنای هر جمله یا شعری معلوم نبوده، جلوش در داخل پرانتز می‌نویسیم. «ضح» به قول قدما رمزی است به معنای «واضح» یا سلامت‌تر این است که روشن روان ترجیع بند خود را بدون موسیقی روشن روان تکرار می‌کنیم که عاقلان دانند.

فی‌المثل به این ریز افسان که «anecdote» هم هست (یعنی گوینده در آن شرکت یا حضور یا به نوعی نقش داشته است. به خلاف جوک که ربطی به ما ندارد و فقط برای ما گفته می‌شود) توجه فرمایید.

یک زوج با یک زوج دیگر دوست بودند. تا زود معلوم شد که همسر زوج اول آبتن بوده و حالا پایامه است و این هفته و آن هفته است که نابغه‌ای به همان نوابوق (نسخه بدل: نوابیخ) جهان بیفزاید.

**ادامه دارد**



بقیه از صفحه اول

البته باید این را اشاره کنم که ایشان به شهادت کتاب‌ها و مقالاتشان، نویسنده و مترجم خوبی هم هستند. ایشان کتاب‌هایی از عربی به فارسی ترجمه کرده‌اند؛ از کسانی مانند سید قطب و شیخ راضی آل‌اسین، یعنی در حوزه قلم و نویسندگی انسان جوانا و پویایی بوده‌اند.

**دیدار اعضای فرهنگستان زبان فارسی**

حدود ۲۰ سال پیش که فرهنگستان زبان و ادب فارسی تازه تأسیس شده بود، یک بار اعضای پیوسته فرهنگستان خدمت ایشان رسیدند. آن موقع آقای دکتر حبیبی رئیس فرهنگستان بودند و بنده هم عضو پیوسته بودم. پیرمردهایی مثل مرحوم محیط طباطبایی و آقای احمد آرام جزء فرهنگستان و در جلسه حاضر بودند. آقا آمدند و به آنان احترام فراوانی کردند. گفتند چرا صندلی آقای محیط را این قدر دور گذاشته‌اید؟ بیاورید ایشان را بالا بنشانید. بعد آقای آرام را احترام کردند و گفتند: «آقای آرام! من سال‌ها پیش خدمت شما رسیده بودم، یادتان هست؟ کتابی را ترجمه می‌کردم و کلمه‌ای در آن کتاب بود که من معنی آن را در عربی معاصر آن روز نمی‌دانستم. آمدم تهران سراغ شما را گرفتم. پُرس‌پُرس‌ان جایی را در حوالی چهارراه کالج در خیابان انقلاب فعلی به من نشان دادند که مؤسسه فرانکلین بود. من از پله‌ها بالا آمدم و داخل اتاق شما شدم و درباره آن کلمه سؤال کردم. به هر حال من دیداری این طوری را شما داشتم. یادتان هست؟» آقای آرام هم در عالم خودش خیلی خونسرد گفت: بله، چیزی یادم هست که یک بار طلبه‌ای آمد پیش من. آقا خندیدند و گفتند: «آن طلبه من بودم!» این واقعه ذوق ایشان را در حوزه قلم می‌رساند.

آیت‌الله خامنه‌ای به نثر فارسی قدیم و معاصر و داستان‌های نویسندگان ایرانی علاقه دارند. به رمان‌های بزرگ نویسندگان غرب، آشنا هستند و بسیاری از رمان‌های درجه اول غربی را از نویسندگانی مثل داستایوفسکی، تولستوی، شولوخوف، رولان و هوگو خوانده‌اند. چند سال پیش من با ایشان صحبت می‌کردم که: می‌شود خاطره فلان دوره سیاسی را نوشت و اظهار علاقه می‌کردم که ای کاش فرصت می‌شد تا خودم آن را بنویسم. ایشان گفتند: اگر می‌خواهی بنویسی، من کتابی از ویکتور هوگو را معرفی می‌کنم تا بخوانی؛ نمونه خوبی است. بعد کتاب «تاریخ یک جنایت» را به من دادند. ایشان هنوز هم فراوان رمان‌می‌خوانند و با آن‌انس دارند. بدین ترتیب آیت‌الله خامنه‌ای از پیش از انقلاب تا چهار پنج دهه اخیر، با تحولات معاصر شعر و نثر فارسی کاملاً همگام بوده‌اند. بسیاری از شاعران و نویسندگان معروف نوپر داز به خوبی می‌شناسند و شاید بعضی از آنان مانند اخوان ثالث را از نزدیک هم دیده باشند. درباره هر کدام از این‌ها هم ارزیابی دارند و زبان هر کدام را می‌دانند. شاعران کهن سرای معاصر را به خوبی می‌شناسند. مثلاً آثار و احوال رهی معری یا توتلی یا حمیدی یا بتهاج – که هم نوپر داز است و هم کهن سرا – را خوانده‌اند. خلاصه در ذهن ایشان هم ادبیات معاصر اعم از شعر و نثر کاملاً حضور دارد و هم ادبیات کهن.

این موارد، وسعت میدان آشنایی ایشان با ادبیات عرب و ادبیات فارسی قدیم و جدید و همین‌طور نمونه‌های فاخر ادبیات غربی را نشان می‌دهد که به فارسی ترجمه شده‌است. با پیروزی انقلاب، این توجه و اهتمام به زبان و ادب فارسی در زندگی و عمل ایشان ابعاد تازه‌تری پیدا کرد؛ چه در دوران ریاست جمهوری و چه در دوران رهبری. اما ایشان چه ظرفیت و خصوصیتی در زبان فارسی دیده‌اند که این همه به آن عنایت دارند؟ در حالی که می‌دانیم کمال اول ایشان، روحانی بودن و شأن عالم دینی است و اگر هیچ‌کدام از این خصوصیات را هم نداشتند، فضل ایشان از نظر فقهی و اجتماعی در جای خود والا بود.

ادبیات برای ایشان جلوه‌بارزی از توانایی‌های انسانی است و قدرت زبان و بیان انسان که شاهکار خلقت و بهترین و والاترین مخلوق خدا است از شگفتی‌ها و آیات الهی نشان دارد. ایشان به این ظرفیت هم در درون خود وقوف دارند و هم در دیگران. آفاق وسیعی در ادبیات پیش چشم هر انسانی قابل گشودشدن و همین کافی است که ایشان از این ظرفیت غافل نباشند.

**پس از انقلاب**

پس از انقلاب که آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان حاکم و مسئول (رئیس جمهور و رهبر) مطرح بوده‌اند، با دیدی در مقیاس ملی و به عنوان یک مسئولیت سیاسی در اداره کشور به جایگاه ادبیات توجه داشته‌اند و زبان فارسی در اندیشه ایشان جایگاه دیگری دارد، زیرا زبان فارسی را یکی از ارکان هویت ملی ایرانیان می‌دانند. ایشان معتقدند که هویت ملی ما را در رکن مهم تشکیل می‌دهد: یکی دین اسلام و دیگری زبان فارسی و البته اسلام را در همبستگی ملی مهم‌تر می‌دانند. استدلال ایشان هم این است که هنوز مردمانی در ایران هستند که فارسی نمی‌دانند و به این زبان صحبت نمی‌کنند، ولی ایرانی هستند و با بقیه مردم ایران واحدت دارند. عنصر معنوی پیوند این مردم با دیگران دین اسلام است.

اما ایشان در درجه دوم یک رشته پیوند نیرومند و گسترده تاریخی مهم را همین زبان و ادبیات فارسی می‌دانند. یکی از پایه‌های فکری ایشان این است که نه فقط تعارضی بین عشق و علاقه به زبان و ادبیات فارسی با ایمان به اسلام نمی‌بینند، بلکه معتقدند این دو دست در گردن هم هستند و در طول تاریخ تعامل داشته و مثل آینه منعکس کننده هم بوده‌اند. ایشان با چنین مبنای فکری سعی کرده‌اند کشور و ملت را از آسیب این دوگانگی که قبل از انقلاب بین ملیت ایرانی و مسلمانی به وجود آمده بود و خیلی از روشنفکران به آن دامن می‌زدند، مصون بدارند.

یکی از آفات اجتماعی ما این بوده است که عده‌ای فکر می‌کردند اگر طرفدار و عاشق زبان و ادبیات فارسی باشند، به معنای ملی گرایی مخالف اسلام است و عده دیگری فکر می‌کردند که لازمه فوت و رسوخ در مسلمانی این است که به مظاهر ملی کم توجه باشند. مبنایی که در ذهن آقای خامنه‌ای است و چنین جایگاه شایسته‌ای برای زبان فارسی قائل هستند، سبب اعتدالی در برقراری رابطه بین اسلام و ایران می‌شود که از آثار سوء و تبعات ناشی از تعارض این دو جلوگیری می‌کند. «ایرانی» از نظر ایشان فردی است که عموماً هم معتقد به خدا و اسلام و پیغمبر و ائمه است و هم علاقه‌مند به زبان و ادبیات فارسی در همه اجزاء آن.

آیت‌الله خامنه‌ای در ۲۳ سال دوران رهبری خود، به طُرُق مختلف سعی در تقویت زبان و ادبیات فارسی داشته‌اند. به نظر بنده مهم‌ترین عنصر و عمده‌ترین کاری که ایشان برای رونق بخشیدن به زبان فارسی و ادبیات فارسی کرده‌اند، همین سخنرانی‌های فراوان صحیح و فصیحی است که ایراد کرده و با این خطبه‌ها ارزش و اهمیت زبان را به‌طور طبیعی به عموم ملت و به‌خصوص تحصیل‌کرده‌ها منتقل کرده‌اند. شاید کمتر کسی این تأثیر را ارزیابی کرده باشد. البته ما به گویندگان و سخنوران خود احترام می‌گذاریم، اما می‌توانیم سخنرانی‌ها و خطبه‌های ایشان را با بسیاری دیگر از سخنرانان مذهبی و حتی روشنفکران دیگر مقایسه کنیم. اگر کسی بخواد صحبت‌های ایشان را از طرز محاوره‌ای و گفتاری به سبک رسمی و زبان معیار مبدل کند، زحمت بسیار کمی خواهد داشت. یعنی فعل سر جای خودش است، جمله سالم است، عبارت رها شده و این‌طور نیست که جمله با یک آهنگ و یک وجه‌لعلی شروع شود، اما به آخر که می‌رسد، متناسب با مقدمات نباشد. در حالی که این اشتباه‌ها در سخنرانی‌های دیگران فراوان دیده می‌شود.

**هنر سخنرانی**

سخن‌گفتن ایشان با آن آهنگ صیقل خورده و آینه‌گون که مخصوصاً در دوران جوانی داشتند، بسیار اثر گذار بوده است. حالا ایشان هفتاد سالگی را پشت سر گذاشته‌اند و دیگر صدایشان در سخنرانی همان صدای سی سالگی و چهل سالگی نیست، ولی گاهی که تلویزیون سخنرانی‌های اوائل انقلاب ایشان را پخش می‌کند و مثلاً در نماز جمعه خطبه می‌خواند یا دعای می‌کنند، مثل شیشه شفاف و مثل آینه درخشان است. لحن صیقلی و کلام فصیح، هنر والاّی است و بر این که جوان‌های تحصیل کرده ما بمانند و بیاموزند که چگونه باید حرف زد، بسیار مؤثر بوده است. در واقع ایشان به‌صورت طبیعی برای نسلی که با ایشان بوده و از ایشان استفاده می‌کرده و به صحبت ایشان گوش می‌سپرده‌اند، معلم سخنوری بوده‌اند؛ البته این که ما چقدر یاد گرفته باشیم، داستان دیگری است.

آیت‌الله خامنه‌ای اقدامات برنامه‌ریزی شده و آگاهانه بسیاری در خدمت به ادب فارسی در جمهوری اسلامی ایران داشته‌اند. یکی از آن‌ها برگزاری جلسات متعدد سالانه با شاعران است که از اول رهبری ایشان تقریباً هیچ‌گاه تعطیل نشده است؛ از جمله جلسات شعرخوانی شاعران در محضر ایشان در پانزدهم ماه رمضان که مقارن با میلاد مبارک امام مجتبی علیه‌السلام است. خوشبختانه اشعار خوانده شده در این جلسات در سال‌های اخیر چاپ شده است و بقیه آن‌ها به‌تدریج چاپ خواهد شد، ان‌شاءالله. این جلسات در توسعه و هدایت جریان شعر ایران مؤثر است. شاعران در جاهول سرسرای ایران در طول سال در جشنواره‌های متعددی که در سطح شهرستان و استان و ایران برگزار می‌شود، شناخته می‌شوند و نخبگان آن‌ها که حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ نفر هستند، به آن جلسه دعوت می‌شوند. تشویق آن‌ها در واقع تشویق دوستان و رفیقانشان هم هست. شاعران در آن جلسه شعرهای خود را می‌خوانند و ایشان با دقت گوش می‌کنند. گاهی در همان جلسه و در خلال گوش کردن، اظهارنظر مختصری هم دارند. در پایان هر جلسه‌ای ایشان صحبتی درباره شعر و ادبیات و زبان و سبک و مضمون شعری می‌کنند. این جلسات از تلویزیون هم پخش می‌شود و در سطح شعر هم می‌بینند که یکی شعر طنز خواند و دیگری شعر انقلابی یا شعر آیینی. یکی قصیده خواند، یکی غزل و دیگری رباعی و حتی برخی شعر سپید. یکی شعر ترکی خواند و دیگری شعر عربی. همه این انواع شعرها سالیان سال است که در حضور ایشان خوانده و در جامعه پخش می‌شود.

**رصد فضای شعر کشور**

اما شعرخوانی در حضور رهبر انقلاب منحصر به جلسه ماه رمضان نیست. ایشان جلسه دیگری به نام مداحان اهل بیت علیهم‌السلام دارند که هر سال در روز تولد حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها برگزار می‌شود. کاملاً معلوم است که ایشان برای اصلاح و ارتقای وضع مداحی در ایران سعی می‌کنند الگوها و نمونه‌های شایسته را به جامعه معرفی کنند. این بهتر از آن است که مثل خیلی‌ها بگویند این بد است، آن عیب است و فلان چیز انحراف است مجال می‌دهند تا نمونه‌های خوب در حضور ایشان عرضه شود، بعد هم تلویزیون آن را پخش کند تا به‌طور طبیعی تراز و میزان دست شاعران و مداحان بیاید و ذوق و سلیقه‌شان را اصلاح کند.

این حرکت و اهتمام، در جریان مداحی سال‌های اخیر اثرات مثبتی داشته است و شعرهای سطحی و بی‌مایه کمتر خوانده می‌شود. گاهی ایشان در طول سال برای شاعرانی که اختصاصاً شعر آیینی می‌گویند فرصتی ایجاد کرده‌اند. شاعران آیینی را تشویق می‌کنند که برای اسلام و ائمه و دین و آیین شعر فاخر بگویند تا این شعرها خوراک آن خواننده‌های خوب باشد. همچنین شاعران آیینی را به این که انجمنی برای خود داشته باشند و سر و سامانی به کارهایشان بدهند، تشویق کرده‌اند. آیت‌الله خامنه‌ای در عین توجه به رشد جوانان در شعر، پیشکسوتان را هم احترام می‌کنند. مثلاً تا وقتی آقای حمید سبزواری حالشان خوب بود، یا مرحوم شاه‌رخ‌ی که دوستی صمیمی با آقا داشتند و

گفتاری از دکتر غلامعلی حداد عادل، درباره اهتمام حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای به زبان و ادبیات فارسی

# زبان فارسی؛ رکن دوم هویت ملی

سه چهار سال پیش فوت کردند، به عنوان پیر و پیشکسوت شاعران معاصر شعر می‌خواندند. آقا با سبک شعری و شخصیت شاعرانی مثل آقایان مشفق، معلم، موسوی گرمارودی یا جوان‌ترهایی مثل آقای قزو به کسانی مثل مرحوم قیصر امین‌پور و حسن حسینی و نصرالله مردانی هم دوستی و آشنایی و دیدارهایی داشتند.

با بسیاری از شاعران معاصر خوب شهرستانی هم آشنا هستند و گاهی که شاعران جوان خدمت ایشان می‌آیند، از آن‌ها احوال شاعران مسن‌تر شهر خودشان را می‌پرسند، سلام می‌سازند و پیغامی می‌دهند. بنابراین با گروه زیادی از شاعران ایران آشنا هستند. احوال آقای محبت را در کرمانشاه می‌پرسند. احوال آقای کلامی را در زنجان. از فلان شاعر تبریزی سراغ می‌گیرند یا در مشهد و کاشان از شاعری سراغ می‌گیرند. خلاصه اوضاع شعر را در ایران امروز رصد می‌کنند. این بخشی از کارهای برنامه‌ریزی شده ایشان برای حفظ زبان فارسی است و چراغ شعر معاصر را روشن نگه‌می‌دارند، روغن این چراغ را زیادت و شعله‌اش را پر فر و تر می‌کنند.

**زبان فارسی، زبان علم**

کار فاخر دیگری که ایشان برای زبان فارسی کرده‌اند، اهتمام به تأسیس فرهنگستان در ایران بوده است. ایشان معتقد به ضرورت تشکیل فرهنگستان در جمهوری اسلامی بودند و اسباب و وسایل این کار را خودشان فراهم کردند. کمک کردند تا فرهنگستان در عباس‌آباد که منطقه بسیار خوبی در تهران است، مستقر شود. زمین این مجموعه را با اجازه ایشان در اختیار فرهنگستان گذاشتند. اسناد مکاناتی که مرحوم کازرونی و آقای دکتر حبیبی داشتند و از ایشان کمک خواستند و اجازه و دستور می‌هم که ایشان داده‌اند، هست. دولت را هم تشویق کردند تا ساختمان‌های مناسبی برای فرهنگستان‌ها ساخته شود. تاکنون این زمین‌ها در اختیار فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی و فرهنگستان علوم و علوم پزشکی قرار گرفته است و ان‌شاءالله به‌تدریج کامل می‌شود. ایشان همچنین اعضای فرهنگستان را به کار و تلاش در این زمینه تشویق می‌کنند و از فعالیت‌های فرهنگستان خبری می‌گیرند.

مخصوصاً ایشان تأکید دارند که زبان فارسی باید زبان علم شود. یکی از عرصه‌هایی که آیت‌الله خامنه‌ای در دوران رهبری خود مستمراً آن را ترویج و تشویق کرده‌اند، گفتمان نهضت علمی است. رهبر انقلاب معتقدند علم در ایران باید به زبان فارسی رواج پیدا کند. بر اساس غیرت ملی و عشق و علاقه‌ای که به زبان فارسی دارند و مصاحتی که برای ملک و ملت می‌اندیشند، معتقدند که علم را نباید به زبان انگلیسی در ایران ترویج کرد تا این باور پیش نیاید که زبان فارسی قدرت و قابلیت بیان مفاهیم علمی را ندارد. با احاطه‌ای که با قابلیت‌های زبان فارسی دارند، می‌گویند فرهنگستان باید برای این منظور واژه‌گزینی کند. بنده هم که گاهی خدمت‌شان می‌رسم و از پیشرفت کارهای فرهنگستان گزارش می‌دهم، ایشان خوشحال می‌شوند و راهنمایی و پشتیبانی می‌کنند.

اخیراً در یکی از دیدارها با هیأت دولت، رهبر انقلاب برخی نگرانی‌ها را مطرح کردند که در دل خود ایشان و در میان جامعه بود. یعنی این که بعضی‌ها در مقام ایران‌دوستی از اعتدال خارج می‌شوند، می‌کشند تو‌ی خاکی و گردو خاک می‌کنند. ایشان حکیمانه و مهربانه گفتند: «اگر می‌خواهید بدید سرخ‌آغ ایران و ایرانی، سراغ زبان و ادبیات فارسی بروید و آن را تحقیر کنید. ترویج کنید. این که دیگر معارضه ندارد. چرا سراغ چیزهایی می‌روید که بحث‌انگیز باشد و خودتان و دیگران را به زحمت بیندازید و برای مملکت درد سر درست کنید؟»

این نشان می‌دهد که ایشان زبان فارسی را مرکز و محور توجه به ایران می‌دانند. اتفاقاً این جنبه از شخصیت آیت‌الله خامنه‌ای چیزی است که مخالفان نظام هم به آن اذعان دارند. اما بعضی به زبان می‌آورند و بعضی از روی بغضی که دارند، به زبان نمی‌آورند. آن‌هایی که اهل ادب هستند و این ارزش‌ها را می‌فهمند، درک می‌کنند که کسی امروز رهبری ایران را بر عهده دارد که شعر و داستان را می‌فهمد. همین غزل ایشان را که می‌گوید: «چون زلف تو سرگرم پریشانی خویشم...» اگر کسی از اول تا آخرش بخواند، زیبایی و دلنشینی شعری را درمی‌یابد که فصاحت و لطافت دارد و از ریزه‌کاری‌های فراوان برخوردار است. البته ایشان شعرهای فراوان دیگری هم گفته‌اند، اما فقط برخی از آن‌ها منتشر شده و در دسترس است.

ایشان همچنین یک ناقد شعر درجه اول هم هستند. من اشعار فراوانی از ایشان به خاطر دارم، اما ایشان علاقه ندارند به عنوان شاعر معرفی شوند. حتی در سخنرانی‌های خود هم که شعر می‌خوانند؛ اگر چه گاهی که تکبیت‌ها یا تک‌مصرع‌هایی در این سخنرانی‌ها آمده، اشعار نایی بوده است. گویی عالماً و عامداً که شعر می‌خوانند. شاید چون ظاهر شاعری و سیاست با هم سازگار نیست. امام هم تا زنده بودند، اشعارشان کمتر منتشر شد.

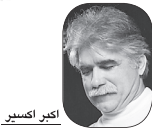
**آشنایی با معاصران زبان و ادبیات فارسی**

یکی دیگر از ویژگی‌های ایشان، آشنایی با پژوهندگان و محققان معاصر زبان و ادبیات فارسی و تکریم و تشویق آنان است. چند سال پیش من کتاب «مینی و مینوی و ادب فارسی» را که تازه منتشر شده بود، می‌خواندم و به ذهنم رسید شاید آقا از انتشار این کتاب مطلع نشده باشند. البته نمی‌دانستم که نظر ایشان نسبت به مینوی چیست، چون بعضی نسبت به مینوی انتقاد دارند و حرف‌هایی می‌زنند. پاورچین پاورچین گفتن آقا این کتاب را ملاحظه کنید، حرف‌های خواندنی دارد. ایشان گفتند: «بله، من با آقای مینوی آشنا بودم و با او ملاقات کرده بودم.» دیدم خیلی ارزیابی خوبی از مرحوم مینوی دارند و کتاب را با حُسن قبول پذیرفتند. پیش خود فکر می‌کردم چند نفر هستند که امروز بتوان راجع به مینوی این‌گونه با آنان صحبت کرد و قدر مینوی را بیدند؟

سال گذشته مطلع شدیم که آقا حدود ۹ ماه قبل از درگذشت ابرج افشار، ملاقاتی با آن مرحوم داشته‌اند که به پیشنهاد خود آقا بوده است. ایشان یادداشتی برای آقای افشار فرستاده بودند که من مایلم شما را ملاقات کنم و وی هم قبول کرده بود. آقا در دیدار با آقای افشار به ایشان گفته بودند: «من از دورانی که شما سردبیر مجله سخن بودید، مقالات و نوشته‌های شما را می‌خواندم تا بعد از مجله راهنمای کتاب من از نثر فارسی شما خوشم می‌آید، چون خون‌دار و جان‌دار است و با نثر بلژدیر و درست و دلنشینی می‌نویسید.» یعنی یکی از جهاتی که ایشان به آقای افشار احترام می‌گذاشتند، قدرت قلم او بود.

بقیه در صفحه ۳





اکبر اکسیر

معرفی مجموعه شعر پیرهن پاره کن / احسام سلطانی / انتشارات بوتیمار مشهد/ ۱۳۹۱

## بگذار جهان سرش را بالا بگیرد

### پیرهن پاره کن

احسام سلطانی



شعر معاصر

به نظر هر کسی که برای زیارت به مشهد مقدس می رود با یک کتاب شعر برمی گردد. خدا قوت بدهد به «انتشارات بوتیمار» مشهد که با سری جدید شعر جوان به آرزومندان شعر امروز نفسی تازه می دهد و آرزو می رساند به آرزومندی. مزدک شکری کیانی نیز کتاب به کتاب با گرافیکی مستقل هنرنمایی می کند. تنها چیزی که این میانه سرش بی کلاه مانده است، پخش این کتاب هاست که چون اغلب کتاب اول شاعران است، به دست مشتری خاص نمی رسد. کاش وزارت شعر با خرید منصفانه این کتاب ها آنها را به دست شاعران چهار گوشه ایران می رساند. کاش منتقدان شریف و شعورمند چهار گوشه ایران، آنها را می خواندند و نقد می کردند و نشریات چهار گوشه ایران آنها را چاپ می کردند و مخاطبین چهار گوشه ایران آنها را می خواندند و بعد به طور دسته جمعی نظر می دادند که چاپ این دفترهای سرگردان چه سهمی در شکوفایی ادب امروز دارند. بودن یا نبودن، مسأله کدام است؟!

\* به نظر هر کسی که برای زیارت به مشهد مقدس می رود، هنگام خرید سوقاتی از بازار رضا، چند جلدی از مجموعه شعرهای منتشره را هم قاطی سوقاتی هایش بکند. شاید از این راه، شعر امروز به میان خانواده های ایرانی برود و شاعران جوان تشویق بشوند. در غیر این صورت، این عزیزان که اغلب در

میانسالی ادبی خود هستند، گمنام به آستانه پیری خواهند رسید. سوقاتی یکی از آشنایانم از مشهد مجموعه شعر «احسام سلطانی» با نام وحشتناک «پیرهن پاره کن» که طبق معمول از انتشارات بوتیمار است. این مجموعه شعر هر ایرادی که داشته باشد، یک حسن دارد و آن اینکه ساده و کوتاه در مورد زندگی امروز است. هر چند سادگی شعر گاه می تواند پاشنه آشیل متن باشد و هر کسی با خواندنش بلافاصله اظهار نظر کند و سرودنش را در سه سوت یا در یکی ثانیه بداند؛ اما یادمان باشد که پشت سر هر مجموعه ای ده پانزده سال تجربه و تکرار خوابیده است.

اگر شعرها جنگی به دل نمی زند، تقصیر شاعر نیست، دوستان تعارف کرده اند. دیگران نخوانده اند و آن که به هزار حیل توانسته حرفی بزند، به رنجاندن دوست متهم شده است. طبق معمول سنناتی، هر کتابی به یکبار خواندنش می آرد. یکبار خواندنی که از سر وقت باشد، نه به طور سرسری و لب خوانی. من پیرهن پاره کن را از سر دقت خواندم. بسیاری از شعرها فراموشم شد. چندانایی در ذهنم ماند. بیشترین کلمات مربوط به کشت و کشتار و اسلحه سرد و

گرم بود و معلوم نشد چرا سلطانی با خوری و خصلت خواهه تاجدار به سراغ شعر امروز رفته است؟!

عملیات انتحاری/

بمب گذاری /بزن طوری که صدای سگ بدھی /احتضار شلیک شده /شانه های عزادار /تعبید /پدر کشی /پای مرگ /مین گذاری /جنازه ها /سر نوشت تیر خورده /بمب های هسته ای /مجلس ترحیم /عزرائیل /آتش /خون /گلوله /گردن شکسته /سوراخ سوراخ /جهنم /گورستان /تیر خلاص /خود کشی /... واژه هایی هستند که در سرتاسر کتاب پخش شده اند.

احسام سلطانی این مجموعه را گلوله باران کرده است. این همه فضای تاریک برای یک مجموعه شعر کوچک لازم نبود. این همه لشکر کشی برای تثبیت شعر امروز، تصویر دنیای دیوانه ای است که شاعر خود را در آن گم کرده است. انصاف نیست شاعران

جوان به جای انرژی مثبت، نفرت و احساسات سیاه را به مخاطب شنگول امروز تزریق کنند. چشم ها را باید شست. از نفرت به انرژی مثبت رسید و هنرمندانه به جنگ تاریکی و پلشتی رفت. می توان خون و آتش را دید، اما از زاویه ای دیگر به آن پرداخت و خلاصه این که باور کنیم شعر ظرافت و ظرفیت خاص خود را دارد و آوردن کلمات نفرت بار چیزی بر روشنفکری ما نمی افزاید.

شعر امروز با زبان ساده در قامتی به کوتاهی ثانیه ها اگر از طنزی زیر پوستی برخوردار باشد، بیشتر در دلها جا باز می کند. از تیمسار سلطانی می خواهم که روان پزشکی به جنگ مشکلات برود و گرنه دایی جان ناپلئون محسوب خواهد شد.

از جدیت متن بگذریم. بگذاریم که احساس هوایی بخورد. احساس سلطانی با شعر اول کتاب، شاعر امروز است. با زبان ساده و ساختاری شکیل: ما به زندگی آمده ایم /اما زندگی به ما نیامده انگار /بگذار جهان سرش را بالا بگیرد /چند پیرهنی که پیش از آمدنم پاره کرده بودی کارساز نشد /دوباره پیرهن پاره کن پدر /شاید راهی باز شود.

سلطانی هروقت یک قاشق مرباخوری پر شعر می افزاید، شعرش دلنشین می شود. او فهم بالایی در شناخت جامعه دارد. هوشمندانه به سراغ سوژه می رود و چون اهل کوتاه گویی است، فینال شعر را می شناسد و بیش از این شعر را کش نمی دهد. برخلاف سطر آخر شعر اول! به شعر سطل توجه فرمایید:

یک... دو... سه /همین طور سال ها گذشت /تا بفهمم زیادی ام /میان این همه گوسفندی که /فقط با سطل زیاله کنار می آیند.

\* توصیه سرآشپز به سلطان احسام این است که

توضیح ضروری:

**مطالب ستون نقدینه، نقد فنی کتاب شعر نیست، تلفیقی از حاشیه های طنز آمیز شعر و شاعری و معرفی کتاب های رسیده است؛ آن هم از سر ارادت و صداقت. غلظت طنزهای کهنگاهی در لابلای متن را به حساب شدت صمیمیت یا رودبایستی غریزی من بگذارید.**

هر واگویی را کتاب نکند. آنقدر جلوی آمدن شعر را بگیرد تا شعر بی آن که متوجه شود، به دفتر پرتاب شود. تمرین نوشتن بد نیست. پرنویسی و تکرار ذهنیات ضرری ندارد. اما هر ترشحاتی را از تولید به مصرف نرسان. شعر خوب، خود زمان مشخص خود را می شناسد. نگران نباش!

هر جور که فکر می کنم /این دژبان /خودش را با رابینسون کروزو اشتباه گرفته است /جوری می گردد /که انگار می خواهد به کشف تازه ای برسد.

به امید روزی که سلطانی عزیز به کشف تازه ای در شعر امروز برسد و یکی از نام های مطرح فردای شعر ما باشد.

گفتاری از دکتر غلامعلی حداد عادل، درباره اهتمام حضرت آیت الله العظمی خامنه ای به زبان و ادبیات فارسی

## زبان فارسی؛ رکن دوم هویت ملی

هزار نقد به بازار کائنات و یکی

به پای سکه صاحب عیار ما نرسد وقتی با این غزل حافظ شروع کردند، سکوئی بر جلسه حاکم شد. بعد یک ساعت سخنرانی تحلیلی داشتند.

ایشان سخنرانی دیگری راجع به اقبال لاهوری در اختتامیه کنگره اقبال کردند که «جاوید اقبال» پسر اقبال لاهوری در آن جلسه حاضر بود و سخنرانی را برای او ترجمه می کردند، چون ایشان فارسی را خوب نمی دانست. بعد از سخنرانی، جاوید اقبال در همان جلسه گفت: «اگر همه رهبران جهان اسلام به اندازه آقای خامنه ای با افکار اقبال آشنا بودند، امروز جهان اسلام وضع دیگری داشت.» سخنرانی مفصل آیت الله خامنه ای در زمان ریاست جمهوری در نخستین سمینار زبان فارسی هم کاملاً فکر شده و منظم بود و مطالب جالبی در این باره ایراد کردند.

ایشان انتظار دارند که جامعه و خصوصاً تحصیل کرده های جوان دانشگاهی و حوزوی به ظرفیت های زبان و ادبیات فارسی آگاهی پیدا کنند و بر آن تسلط یابند و از قابلیت های این زبان برای اعتلا و توسعه معنویت در کشور و همچنین برای تقویت فکر و فرهنگ و ترویج علم و انسجام ملت استفاده کنند. کسی که در مزرعه بزرگی کندوهای خوبی دارد و عسل مصغایی تولید می کند، چقدر برای ظرف انتقال و بسته بندی آن باید دغدغه داشته باشد؟ همان گونه ایشان معتقدند باید عسل ایمان اسلامی را در «ظرف زبان» بسته بندی و توزیع کرد. یعنی بسته بندی اندیشه و فرهنگ اسلامی در قالب زبان و ادبیات فارسی باید همه جا باشد. بسیاری از معارف اسلامی را -که البته همه آن نزد ملت ایران نیست و نزد ملت های دیگر هم هست- باید به درستی با زبان فارسی منتقل کرد.

زبان از نظر ایشان ظرف و آینه فکر و فرهنگ است و گاهی یک بیت شعر یا یک سروده زیبا می تواند ملتی را به حرکت درآورد. جالب توجه است که سرود کنونی جمهوری اسلامی از اهتمام های ایشان است. بعد از رهبری، ایشان تشخیص دادند که آن سرود قبلی که در اوایل انقلاب با عجله ساخته شد، در شأن نظام نیست و باید کار حساب شدهتری صورت بگیرد. البته من از جزئیات آن خبر ندارم، اما ایشان وقت گذاشته بودند و شاعران و مسئولان را دعوت و حدود و ثغور کار را معین کرده بودند.

گفتاری گذرا پیرامون شعر متعهدانه ایران



سید محمود سجادی

### شعر قریب الیه شعر اعتراضی

۲۴

در دوران رضاخان و به طور کلی حکومت و سلطنت پنجاه و چند ساله پهلوی، شاعران ملی و متعهد ایران از پاننشستند و همه توش و توان خود را در راه هدف ملی خود به کار بردند. دهان فرخی یزدی، شاعر آزاده و روزنامه نگار شجاع را دوختند، میرزاده عشقی را کشتند، بهار را به زندان افکندند.

نسیم شمال (سید اشرف الدین قزوینی) در بیماری و تنهایی و فقر از دنیا رفت. و دهها و دهها شاعر که در مقابل تعهدات اجتماعی خود و در برابر آرمان ها، باورها و علائق قلبی وفادارانه مقاومت کردند و به قول م سرشک شاعر نوپرداز فرهیخته معاصر: دریا همه عمر خویش آشفته است.

شاعران متعهد به انقلاب اسلامی و کوشا در جنگ تحمیلی را همه ما می شناسیم و صحبت درباره اشعار و آثارشان، بدون تردید فرصت فراخ و موقعیتی در دسترس می طلبد. همین قدر بگویم که شعر مقاومت ایران از نظر اجتماعی و سیاسی همیشه حرکتی پر جوش و خروش و انگیزه بخش داشته همچنان پویا و پر تکاپو به پیش خواهد رفت.

تعدادی از شاعران ما به سفر خود به مثابه اسلحه ای کوبنده و ستیزنده می نگرستند و به جوهره هنری شعر اعتنایی نداشتند، میدان واژگانی خشم و خروش و جنگل و عصبان و جنگ و تفنگ و باروت و ... و ... در شعر جایگاهی ویژه پیدا کرد. سمبل ها و ایمانات کم کم جای خود را به واژه ها و عباراتی صریح و کوبنده بخشید. شاعران مقاومت در دهه ۵۰ در قالب های مختلف قدمایی، نیمایی، سپید، حجم و ... به مبارزه خود با دستگاه حاکم ادامه دادند.

از اواسط دهه ۵۰ مذهب و مفاهیم دینی در شعر شاعران مقاومت، مشخص تر و معنی دار شد.

تعدادی از شاعران که سابقه طولانی در شعر و چکامه داشتند، به طور آشکاری به سفر مذهبی و انقلابی روی آوردند، مانند: مرحوم مهرداد اوستا، علی معلم دامغانی، حمید سبزواری، محمود شاهرخ (جذبه)، عباس کی منش (مشفق کاشانی) که اینک نیز جز اوستا و شاهرخ کی روی در نقاب خاک کشیده اند، خوشبختانه سرایندگان دیگر در خط سیر انقلاب و دین فعال هستند.

دکتر خسرو فرشیدورد در آستانه انقلاب مجموعه ای از شعرهای انقلابی خود را به چاپ رساند ولی پس از آن به کارهای تدریس دانشگاهی خود ادامه داد، و از او شعرهای دیگری نخواندیم. خصوصیات شعر انقلاب اسلامی را شاید بتوان چنین ارائه کرد:

- توجه به قوالب سنتی مانند قصیده، غزل، مثنوی، غزل مثنوی و رباعی

- رویکرد غزل از سنت عاشقانه به دین و عرفان و خشم و خروش انقلابی

- مطرح ساختن معارف اسلامی و اصطلاحات و عبارات دینی

- تلفیق حماسه و عرفان با همه تعارض ماهوی که با هم دارند

- بروز مفاهیم انتزاعی، حسی و غیر حسی، نیرو گرفتن صور خیال، استفاده از اسامی اشیاء و امکنه جغرافیایی و کائنات محسوس پیرامون شاعر.

- پرداختن جدی تر به گرسنگان و ستمدیدگان و مظلومین و محرومین گیتی

با آغاز جنگ تحمیلی در سال ۱۳۵۹ تعداد زیادی از دلسوزان میهن و دین و مردم همصدا با سیل خروشان رزمندگان در سنگر قلم و تعهد ادبی به سرایش اشعاری مذهبی و میهنی و حماسی پرداختند که بررسی دقیق و همه جانبه آن با توجه به پایان یافتن جنگ و تغییر شرایط مطمئناً زمانی فراخ تر و شرایطی مناسب تر می طلبد به قول خانم پروین اعتصامی:

من این ودیعه به دست زمانه می سپرم

زمانه زرگر و نقاد هوشیاری بود

ولی فراموش نکنیم که در کنار آن همه شعر و سرود که از شاعران متعلق به انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی منتشر شد، این چند بیت مولانا جلال الدین روحی انگیزشی قومی و اثری ماندگار در ذهن تاریخی ملت ایران به جا گذاشت که:

کجایی ای شهیدان خدایی

بلاجویان دشت کربلایی

کجایی ای سبکبالان عاشق

پرنده تر زمرغان هوایی

عجبا که شعر بزرگمردی که روزی از سرطنز و تواضع گفت:

شعر من فال مصر را ماند

شب بر او بگذرد ثنای خور

پس از چند قرن شعر و شعار ملت و ادای احترام ملی به ساحت بلند شهیدان شد.

ادامه دارد

بقیه از صفحه ۲

هم اکنون کثرت مطالعات ایشان در شعر و ادبیات حیرت آور است. گاهی که خدمت شان می رسم، انبوه کتاب های جدیدی که برای ایشان در همه رشته ها و از جمله ادبیات فارسی رسیده است، من را متحیر می کند. همان شبی که جلسات سالانه شاعران برگزار می شود، شاعران مختلفی ده ها جلد کتاب شعر جدید را به ایشان تقدیم می کنند و ایشان همه را نگاه می کنند و بعد نظر می دهند.

در مجالس عزاداری و سخنرانی هایی که در بیت برگزار می شود هم پر شعرهایی که ملادان و سخنرانان می خوانند، دقت نظر دارند. هنگامی که مدعوین می آیند تا سلامی و عرض ادبی کنند، ایشان همان جامی گویند شعری که خواندید، مال چه کسی بود؟ خیلی محکم بود. گاهی هم ایراد می گیرند و می گویند شعر مناسبی نبود. خلاصه این که یک لحظه از زبان و ادبیات به عنوان ظرف فکر و فرهنگ و معنویت و وسیله ارتباط و ابزار بیان اندیشه غافل نیستند.

دغدغه های ادبیاتی رهبری

اگر بخوایم فهرستی کوتاه از دغدغه ها و اقدامات امروز ایشان در حوزه زبان فارسی ارائه کنیم، چند نکته قابل اشاره است: یکی تذکرات مستمر به صداوسیما و اهتمام به رعایت قواعد زبان فارسی و به کارگیری زبان فصیح و معیار امروزی در برنامه های صداوسیما و به خصوص اخبار است. هم در زمان ریاست جمهوری و هم در دوران رهبری، یکی از تذکرهای دائمی ایشان به مدیران صداوسیما، پاسداری از زبان فارسی بوده است. اگر از صداوسیما خطا و انحرافی در زبان فارسی مشاهده کنند، حتما تذکر می دهند. همچنین بر برگزاری همایش ها و دوره های آموزشی برای نویسندگان و گویندگان صداوسیما تأکید دارند و گاهی خود به عنوان سخنران در این همایش ها شرکت کرده اند. مورد دیگر هم سخنرانی هایی است که ایشان در محافل ادبی کرده اند و من به دو نمونه اشاره می کنم: یکی سخنرانی ایشان در افتتاحیه کنگره حافظ که من در آن حاضر بودم و در ردیف دوم یا سوم کنار مرحوم کیومرث صابری نشسته بودم. جلسه ای توفانی بود؛ خیلی شلوغ و پر از سروصدا. ایشان سخنرانی خود را با بسم الله شروع کردند و این ابیات را بحسن مطلع سخنرانی خود قرار دادند که:

به حسن خلق و وفا کس به یار ما نرسد

در این سخن به کس انکار کار ما نرسد





مریم نظری

مروری بر شرح احوال و آثار آیدین آغداشلو در فرهنگستان هنر

## آغداشلو به روایت آغداشلو

نقاشی هایی که برادران «پتگر» از خانه شان، حیاطشان، آتلیه شان و... کشیده اند، فقیرانه ترین نوع زندگی را نشان می دهد.

و در همین رابطه ادامه می دهد: همین بچه ۱۳ سالگی اش را به یاد می آورد که در اتاقی که توی منزل خاله اش به او و مادرش داده بودند، نقاشی صورت «شوپن» اثر «دلاکروا» را بارنگ و روغن می کشید. اگر اتفاقاتی که به بعضی از آنها اشاره کردم همچنان ادامه نمی داشت، معلوم نبود این بچه با شرایط زندگی که داشت، سر از کجا در می آورد. یک پسر جوان بسیار خوش قیافه از پشت پنجره دستهایش را به شیشه چسباند و توی اتاق را نگاه کرد و دید یک پسر کوچک مثل مرحوم علی اکبر یاسمی، بومش را به طاقچه تکیه داده و نقاشی می کشد. در راباز کرد و پرسید: من می توانم بپایم تو؟ گفتم: بله، بفرماید. پرسید: تو می دانی داری چه می کنی؟ با اعتماد به نفس گفتم: بله، دارم کار دلاکروا را کپی می کنم. گفت: می دانی صورت کیست؟ و من نمی دانستم صورت چه کسی است. گفت: این «فردریک شوپن» است و ادامه داد که: ببین، نقاشی فقط این نیست و فکر نکنی که چون اطرافیانم دائم به تو می گویند «نقاش»، پس واقعا یک نقاش هستی! من به تو می گویم که نقاشی چیه.

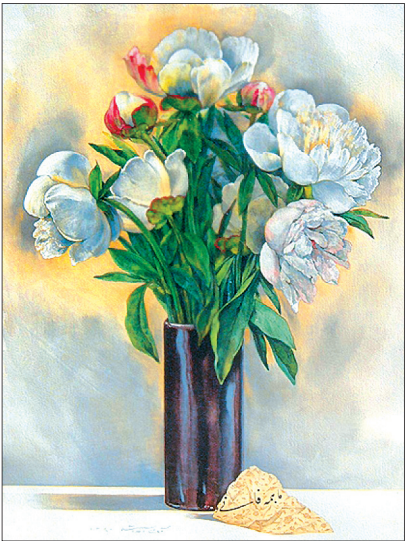
بعد این جوان به ژورفت و نامه هایی از آنجا برآیم نوشت که در آنها توضیح داد که نقاشی چیست. این جوان که مادرش دوست خانوادگی خاله ام بود «داریوش شایگان» نام داشت. خوب اگر داریوش شایگان از پنجره به نقاشی او نگاه نمی کرد یا اگر آقای «معین افشار» که معلم نقاشی اش بود، یک کتابچه خیلی کوچک که سیاه و سفید چاپ شده بود بهش هدیه نمی داد و این پسر با تمام وجود و علاقه تصاویر این کتاب را نگاه نمی کرد، این بچه سر از کجا در می آورد؟ عالم و آدم جمع شدند، مراقبت و نوازش و حمایت کردند تا او سر از جای درستی در بیاید. البته در اینجا باید با تواضع بگویم که خود آن بچه هم کوتاه نیامد. او نقاش شد و نقاش معروفی هم شد، بعدها سر کار رفت، برنامه تلویزیونی گذاشت، شغل دولتی گرفت و... اما تنها چیزی که همیشه به دانش رسیده، نقاشی بود.

آغداشلو سپس به اهمیت نقاشی در زندگی اش اشاره می کند و می گوید: برای این بچه نقاشی منبعی شد که از آن نیرو می گرفت. هر جا که در زندگی زمین خورد، هر وقت که کم آورد، هر گاه که سختی کشید یا دشنام شنید، به نقاشی پناه برد. من در تمامی عمرم هر وقت که خیلی بهم سخت می گذارد، مثلاً تنها می مانم، بی پول می شوم، تُرد می شوم، مؤاخذه می شوم، به من توهین می شود و... یک جمله دارم که دائماً آن را تکرار می کنم: «نقاشی می کشم درست می شود». حتی الان هم در هفتاد و دو سالگی به جز این جمله هیچ جمله ای که به کارم بیاید و به دادم برسد وجود ندارد و آن بچه در نهایت آمیزه ای از مجموعه دلپستی ها و علاقیانش شد و تنها پشتوانه اش نقاشی بود.

من هر گاه در جایی که لازم است شغل را ربنویسم، به عنوان شوخی اغلب می نویسم: «ادیلیم بیکار!» چون من در استخدام جایی نیستم و دانشگاهم را هم تمام نکردم، اما اگر نخواهم که این را ربنویسم، آن وقت می نویسم: «نقاش». بنابراین، آن بچه نقاش شد و نقاش ماند و به اندازه کافی نقاشی کرد و به اندازه کافی در قبال تائی که مردمش به او دادند، کار تحویلشان داده و می دهد.

این نویسنده- نقاش می گوید: حالا که به گذشته طولانی ام نگاه می کنم، خیلی از آن ناراضی نیستم. من ۱۲ جلد کتاب دارم، ۳۰۰۰ تا نقاشی کشیدم، به ۵۰۰۰ هنرجو تعلیم دادم، بیش از ۴۰۰ سخنرانی در ایران کردم، سالها گرافیکس بودم، در حوزه کارم هم کاری نبوده که نکرده باشم و از مرمرنگی تا حجم را انجام داده ام.

آیدین آغداشلو در پایان سخنانش به بخشی از فیلم «نجات سر جوخه رایان» به کارگردانی «استون اسپیلبرگ» اشاره می کند و می گوید: سر جوخه رایان بعد از سالها به گورستانی می آید که در آنجا سربازی که جان او را نجات داده، دفن است. کنار گور آن سرباز می رود و خطاب به او می گوید: من بعد از تمام شدن جنگ خیلی کارها کردم؛ از دواج کردم، صاحب چند بچه شدم، الان هم عروس و داماد دارم، اما سؤالم سر جایش است که: «آیا پاسخگو شدم و آیا لایقش بودم که تو جانم را برای من از دست دادی؟»... خب، آن سرباز البته پاسخی نمی دهد و من هم در اینجا پاسخی نمی دهم!



نقاشی کردن هایش بر در و دیوار دلگیر نشد و گوشش را نکشید و چه بسا در مواقعی تشویق هم شد. اولین جایزه ای که برد در دبیرستان «جم» قلهک برای دوم شدن در نمایشگاه نقاشی بچه ها بود که یک جعبه آبرنگ جایزه گرفت و کار آبرنگ را برای اولین بار با همین جعبه آبرنگ شروع کرد. نور اف این نمایشگاه هم «علی اکبر صادقی لوسانی» شد.

این مدرس و نقاش با مرور ورود جدی خود به عرصه نقاشی می گوید: پدر این بچه، مهندس معمار بود که از بد حادثه چون از روسیه فرار کرده بود آمد به ایران و هیچ مدرکی هم با خودش نیاورده بود، به ناچار در ایران شده بود مهندس وزارت راه و جساده می ساخت؛ اما طراح خیلی خوبی بود و بعضی وقت ها برای این بچه طراحی می کرد. از اینجا بود که این در باز شد. دری که آن بچه فکر می کرد اگر دور و بر آن پرسه بزند و برای باخبر شدن از آن طرف در، آن رانیمه باز کند، آدم مهم و متفاوتی می شود و البته اشتباه هم نکرده بود. آن در، به آن بچه و خیلی های دیگر جایگاه داد و آنها را به دیگران شناساند. اما او در آن وقت نمی دانست که قرار است چه اتفاقی بیفتد و به کجا برسد. البته این قطعات کنار هم چیده شدند و در باز شده، همه قصه نبود. این در باز شد اما همتی هم لازم بود که داخل بشود؛ چون او دقیقاً نمی دانست پشت این در چیست. باغ بهشت پشت این در وضوح کافی نداشت و برای رسیدن به آن باید متحمل سختی هایی می شد. اما این بچه داخل شد و آنجا فیض عظیمی نصیبش شد و آن جایگاهی بود که آسان به دست نمی آمد و در عین حال کسی هم نمی توانست آن را به آسانی از او بگیرد. این جایگاه با کار خیلی زیادش به او تعلق گرفت و برای این که بتواند کار نقاشی اش را ادامه دهد، در کنار نقاشی، کارهای مختلف دیگری هم کرد. کار کارشناسی کرد، نوشت، به کار گرافیک پرداخت و حتی زندگی اش را با کار گرافیک اداره کرد.

آغداشلو با تأکید به این که خاطراتی که به طور پراکنده تعریف می کند همه باید در کنار هم بیاید تا تصویر درستی از موقعیت کنونی او به دست دهد، بار دیگر به دوران نوجوانی خود باز می گردد و می گوید: این پسر در ۱۴ سالگی کتابخانه ای کوچک با حدود ۲۰۰ جلد کتاب در آن داشت. او پیش خودش فکر کرده بود که جلد این کتاب ها قشنگ نیست؛ پس برای همه این ۲۰۰ تا کتاب جلد کشید. البته این کار او نشانه نبوغ نیست بلکه نشانه بد پیله بودن و چسبیدن به موضوع است. این ویژگی تا الان هم در او هست.

او ادامه می دهد: من در سالی که به دانشکده دانشگاه هنرهای زیبا وارد شدم، این دانشکده ۱۲۰ هنرجو در رشته نقاشی داشت. امروز فقط سه نفرشان نقاش هستند. دلپیش روشن است، آینده قطعی و معینی برای ادامه این مسیر وجود ندارد و آنها هم توان ادامه دادن این مسیر بدون قطعیت را نداشتند. هیچگاه قطعیتی برای این مسیر نبود و هنوز هم نیست.

آغداشلو ادامه این مسیر را به شکل غریب و پیچیده ای می داند و می گوید: این پسر شروع کرده به کار نقاشی. نقاش شد، یاد گرفت و هربار که اثری را به وجود آورد فقط به این خاطر بود که این در را باز نگه دارد و هربار با این قصد و نیت پیش رفت که پشت این در، درخت های تناور سر به فلک کشیده ای هست که تو می توانی بروی زیر سایه اش و بمانی و آسوده باشی. اما هر بار این در بسته می شد و حتی هنوز هم بسته می شود. هیچ اطمینان خاطری درباره اش وجود ندارد و هیچ تضمینی برای آن نیست. اگر واردش می شد که شد، باید می ماند و باید در راباز نگه می داشت.

او در راباز کار زیاد، با مطالعه کردن و با دنبال کردن باز نگه داشت. کار آسانی هم نبود. پس انگلیسی یاد گرفت تا بتواند توضیحات پای نقاشی ها را بخواند. شروع به کپی کردن نقاشی هایی کرد که در آنها هیچ رنگی به جز خاکستری های مختلف دیده نمی شد. آغداشلو در رد تأثیر و نقش فقر در جلوگیری از آفرینش آثار هنری یک هنرمند و تداوم کار او چنین تعریف می کند: یک نقاشی خیلی زیبایی است و من درباره اش برای مجله «حرفه، هنرمند» مقاله ای نوشته ام. این نقاشی «استاد علی اکبر یاسمی» را در آتلیه اش نشان می دهد. یاسمی هنرمند بسیار معتبر و از شاگردان کمال الملک است. او در آتلیه اش نشسته، در حالی که سه پایه ندارد تا تابلوی رنگ و روغنش را رویش بگذارد و تابلویش را به طاقچه تکیه داده است. پاهایش را پشت خود جمع کرده و نقاشی می کشد. زندگی از این فقیرانه تر ممکن نیست. یا

بقیه از صفحه اول با دیدن این نقاشی همه در آنجا همه هم کرده بودند که این پسر نقاش خواهد شد و این گونه تکلیف من معلوم شد که باید نقاش بشوم. بعدها هم به همین ترتیب ادامه یافت و وقتی این خاطرات خیلی کوچک و پشت سر هم را ردیف می کنم، یک معنایی شکل می گیرد.

این پژوهشگر حوزه هنر که در مرور سال های زندگی اش از ضمیر سوم شخص مفرد استفاده می کند، سخنانش را این گونه ادامه می دهد: پدر این بچه خیلی دیر به خانه می آمد یا سعی می کرد اگر بتواند اصلاً به خانه نیاید. این طور بود که مادر، پسر بچه را برای آوردن پدر به خانه بیرون می فرستاد. پسر هم راه می افتاد و از این مغازه به آن مغازه و از این کافه به آن کافه و اینجا و آنجا سرک می کشید، اما تنها جایی که خیلی دوست داشت پدرش را آنجا پیدا کند یک مغازه تابلو نویسی به اسم «راسم» بود. وقت هایی که پدر آنجا بود، اوقات خیلی دلپذیری داشت، برای این که بوی رنگ روغن و نقاشی های عجیب و غریب که همه جا نصب بود، دنیایی را برای پسر بچه به وجود می آورد که می شد همه چیز را در آن فراموش کرد. پدر پیش آقای راسم می نشست و او هم با قلم مو و رنگ روغن نقاشی می کرد. من حتی یکی از آن نقاشی ها را دقیقاً به یاد دارم و می توانم آن را دوباره نقاشی کنم. تابلوی بسیار بزرگی بود که «ماک»، نقاش فرار کرده از روسیه، آن را نقاشی کرده بود و من حیرت می کردم که تابلوی به این بزرگی را چطور می شود کشید. بعد می دیدم که چوب باریکی که یک سرش را کهنه پیچ کرده بود، به تابلو اش تکیه می دهد و دستش را روی این چوب می گذارد که دستش نلرزد. آن پسر بچه وقتی به آنجایی رفت، دیگر خیلی پاپی پدر نمی شد که زود تریه خانه برگردد و تاجایی که می شد انجامی نشست. همه این خاطرات مربوط به شهر رشت بود؛ جایی که من به دنیا آمدم.

آغداشلو با مرور خاطرات آن سال ها می گوید: بعدها یک روز پدر این پسر را پیش دوستش «استاد حبیب محمدی» برد و تماشای نقاشی های این استاد، باز هم یک دنیای شگفت انگیز را به پسر عرضه کرد. این بچه در همان سن کم متوجه شد که نقاشی می تواند یک چیز متفاوتی هم باشد. چیزی به غیر از درخت و گوزن و برف و عربی که نی لبک می نوازد. «حبیب محمدی» شهر رشت را نقاشی می کرد. ساختمان های خیلی ساده با شیروانی های سفید و سقف های سفالی. چیزهایی که شاید خیلی تزیینی نبود و چندان زیبا به نظر نمی رسید ولی همان کوچه بود. کوچه ای که من چند دقیقه پیش از آن عبور کرده بودم.

آغداشلو با اشاره به این که قطعات مسیر او هر یک به صورتی در زندگی کنار هم چیده شده اند تا او را تبدیل به یک نقاش کنند، سخن خود را این گونه پی می گیرد: به همین ترتیب بود که کم کم شرایط و موقعیت ها برای نقاش شدن این پسر گرد هم آمد و هر بخشی از آن به گونه ای فراهم شد و در مسیری قرار گرفت که خواسته یا ناخواسته در آن باید حرکت می کرد و پیش می رفت. هیچ وقت به خاطر نقاشی کردن، مانعی برای او ایجاد نشد. کسی برای خط خطی کردن ها و

امین الله رشیدی  
آهنگساز و خواننده

گزارش

فرهنگی هنری

الایران ۹۰

بخش پنجم

۵- تولد نصرت رحمانی



در شماره ای از روزنامه آرمان، یادی از نصرت رحمانی در سالروز تولد ۸۱ سالگی اش شده بود؛ بدین نمط: «من هیچگاهم، یعنی که شاعرم، گیرم از این کنایه هیچ نفهمیدی!» بله، نصرت رحمانی یکی از شاعران نوپرداز مطرح در دو دهه ۳۰ و ۴۰ بود که گذشته از شاعری، داستان نویسی هم بود و داستان های کوتاه و جذاب و شاعرانه اش در مجلات آن زمان امثال اطلاعات هفتگی منتشر می شد. او همان شاعری است که همانطور که بنده در صفحه ۱۹۷ کتاب عطر گیسو از انتشارات عطائی در سال ۱۳۸۱ در بخش «پیشینه جدال مدعیان شعر نو و کهن» نوشته ام، در مورد نیما یوشیج گفته بود: «نیما یوشیج در ادبیات ایران، بیشتر ویرانگر بود تا سازنده...»

نصرت شاعری بود خوش تیپ و شیک پوش که من در بسیاری از محافل و مهمانی های خصوصی، او را با لباسی شیک و چکمه های براق می دیدم و در یکی از همین محافل بود که دوست عزیز و دوست داشتنی ام تورج نگهبان نیز حضور داشت و نمی دانم در آن شب چه موضوعی مورد بحث قرار گرفت که نصرت و تورج از شرح عملیات قهرمانانه خود مسابقه ای گذاشتند و به طور مبالغه آمیز داد سخن دادند که موجب حیرت و تحسین مهمانان، بخصوص بانسوان قرار گرفت. آقا چه دوران خوشی بود؛ مصداق این شعر حافظ:

دوران خوش آن بود که با دوست بسر شد

باقی همه بی حاصلی و بی ثمری بود

و باز هم به قول همو:

نمی بینم از همدان هیچ برج را

دلم خون شد از غصه، ساقی کجایی

رفیقان چنان عهد صحبت شکستند

که گویی نبوده است هیچ آشنایی

۶- هنر نزد ایرانیان است و پس!

سال رونمایی از سازهای اختراعی استاد محمدرضا شجریان که البته بنده گزارش نویسن آن نزدیک آنها را لمس نموده ام اما به یمن تکنولوژی هزاره سوم، دست پخت و فرآورده صاحبان مغز و اندیشه کشورهای مترقی، در آذرماه امسال از یکی از ماهواره های بیگانه، استاد را در حال خواندن و اجرای موسیقی با سازهای اختراعی و نواپژهایشان دیدم و نواهای برخاسته از آنها را به گوش هوش شنیدم که البته زحمات استاد در ساخت این سازها قابل تقدیر و دست مریزاد است؛ اما چون قرار بر این است که از بیان واقعیت عدول نکنیم، عرض می کنم که از یک طرف صدا و الحان خاص و خوشایندی حتی در حدود سازهای رایج و شناخته شده این زمان امثال تار، سه تار، ویلن، کمانچه و سایر سازهای تشکیل دهنده ارکسترها از آنها نشنیدم و از طرف دیگر با مراجعه به جلد سوم کتاب «مردان موسیقی سنتی و نوین ایران» تألیف و گردآوری دوست پوینده و جوینده ام آقای حبیب الله نصیری فر، صفحات ۳۷۴ تا ۳۷۹، که تصویر انواع و اقسام سازهای سنتی و قدیم را با اسامی عجیب و غریب آنها امثال: سارود، سوارود، میچک، غُزک، دلربا، سارنگی، رعنائی، شور شیرین گر، تارینه و غیره آورده اند، سازهای استاد را با اندک تغییری مشابه آنها مشاهده کردم.



سپس چنان شد که پس از تأمل، تفکر و تعمق زیاد، ناگهان (!) این سؤال برایم پیش آمد که چرا هنرمندان سازنده

سازها در دنیای غرب - بنگه دنیا و اروپا - یا همکاران ایرانی آنان همچون استادان قنبری مهر، ژاله و ... در صد سال اخیر به این صرافت نیفتاده اند که سازهای جدیدی اختراع کنند؟ ... آیا عقل آنها به این چیزها قند ندهد؟ ... البته چند سال قبل هم استاد حسین علیزاده سازی به نام «سلانه» ساخته بودند که حقیر در پاسخ یکی از خبرنگاران هنری که از چند و چون سلانه پرسیده بود، عرض کردم که آنچه بنده از کلمه «سلانه» شنیده و به یاد دارم، مربوط به شهر خودم کاشان است که در مثل می گویند: «قلانی سلانه سلانه راه می رود؛» یعنی راه رفتن و قدم زدن آهسته، تفریحی و بی خیال! و اتفاقاً وقتی به فرهنگ عمید هم مراجعه کردم، معنی کلمه سلانه همان بود که از همشهریان کاشانی شنیدم... و حالا که من از خواص و کارایی سازهای جدید چیزی نفهمیدم، یاد تک بیتی از قصیده جانانه فریدون توللی درباره اشعار نیما یوشیج افتادم که فرمود:

یا سخن سنجان عالم جمله نادانند و گول

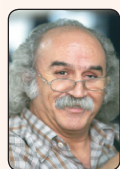
یا منم آن کور و بر این تحفه بینایم نیست!

اما از همه این حرفها که بگذریم، به اعتقاد بنده، زمانی که خلاقیت مثبت در موسیقی یعنی ابداع آهنگ ها و ترانه های تازه (به دلیل) به پایان می رسد، روی آوردن به چنین عملیاتی (ابداع سازها) نوعی تفتن است که به نظر برخی از صاحب نظران، چندان هم نکو دیده نیست و شاعری دیگر چنین فرموده:

طاعت از دست نیاید گنهی باید کرد

در دل دوست به هر حیلره رهی باید کرد





## کتابخانه در قرائه مرا بیوس

حسن فرازند

۱۱

### ای دوستان، من باز خواهم گشت...

مهدی رقابی در ادامه صحبت هایش از شرایط و نوع بینش و زندگی برادرش مرحوم دکتر حیدر رقابی (هاله) می گوید و ضمن گلایه از این که برخی از نشریات او را فقط سراینده شعر «مرا بیوس» قلمداد کرده اند، می گوید:

«خیر... قربان! این طورها نبوده و نیست و همه آنها اشتباه می کنند که بگویند برادر من فقط سراینده شعر مرا بیوس بوده است. او استاد رشته فلسفه و حقوق بود و در این زمینه نیز چند کتاب و اثر ارزشمند نوشته و منتشر کرده است که برخی از آنها در دانشگاه های خارج از کشور و داخل تدریس می شود.

برادر من پس از پایان تحصیلاتش در دوران ابتدایی، وارد دبیرستان دارالفنون شد و همزمان با تحصیل در این دبیرستان که جزو شاخص ترین مراکز تحصیلی ایران بود، فعالیت های سیاسی خود را نیز آغاز کرد.

او در سال های نخست وزیری دکتر مصدق، در جرگه همزمان جبهه ملی در آمد و در دفاع از آرمان های مصدق و دیگر یارانش کوشش های فراوانی کرد. با پایان کودتای ۲۸ مرداد، برادر من حیدر رقابی نیز به همراه گروه بسیاری از مبارزان دستگیر و روانه زندان شد، اما هرگز از مسلک و شیوه مبارزات خود در حمایت از دکتر مصدق دست بر نداشت.

او در ایران موفق به دریافت لیسانس حقوق از دانشگاه تهران شد. پس از زندان در اجبار به ترک وطن از سوی رژیم وقت ایران، به امریکا رفت و در آنجا از دانشگاه بیرکلی فوق لیسانس علوم سیاسی گرفت و سپس به دانشگاه آزاد برلین رفت و در آنجا نیز به تحصیل ادامه داد و دکترای فلسفه را دریافت کرد.

او در طی گذران تحصیلات عالی خود همواره به عنوان دانشجوی ممتاز موفق به اخذ دو بورس تحصیلی و تعداد زیادی تشویق نامه شد و رساله دکترایش به عنوان ارزشمندترین رساله در نوع خود بنا به توصیه دپارتمان فلسفه دانشگاه آزاد برلین از سوی دولت آلمان انتشار یافت.

برادر کوشای من، حیدر جان عزیزم، در آن سالها به کارهای تحقیقاتی و تدریس مشغول شد و پس از انقلاب در سال ۱۳۵۷ با کوله باری از تجربه و اندوخته های علمی و امید ارائه خدمت فرهنگی به مردم ایران بازگشت تا در دانشگاه به کار تدریس مشغول شود، اما در اثر بی توجهی و بی مهری بسیار در دانشگاه تهران، مجبور به خانه نشینی شد.

برادر من بعد از این خانه نشینی ناخواسته به بیماری مهلک سرطان مبتلا شد و سرانجام مرگ او در روز ۱۹ آذر سال ۱۳۶۶ رقم خورد و در آرامگاه خانواده شمشری در گورستان ابن بابویه تهران دفن شد. زندگی هرگز به او فرصت و مجال ازدواج نداد، اما در یکی از شعرهای زیبای او قطعه زیبایی است که گفته است:

ای دوستان من باز خواهم گشت  
با اشک های دختری ناکام  
با شمع خاموشی که افسرده است  
از جنبش طوفان بی آرام

از برادر من کتاب زیبایی در زمینه شعر به نام «اشک های آسمان» که نخستین کتاب او بود و در سال ۱۳۲۹ چاپ شده است، باقی مانده و سپس مجموعه شعر نیمایی و کلاسیک دیگری به نام «شاعر شهر شما» و کتاب های دیگری به نام: فلسفه و آزادی، فلسفه جهان سوم، یاد از پدرم، شکوفه های علم و زندگی، سرخپوستان و انقلاب اسلامی ایران، سعدی و فلسفه زندگی، پرچم سه رنگ، شقایق ها و چند اثر دیگر... بسیاری از روشنفکران جهان، برادر من را یک مبارز فراملی قلمداد کرده اند و نگاه جهانی او را به انسان ها و تلاش برای دستیابی به حقوق پایمال شده آنها، فارغ از رنگ و نژاد و مذهب، ستوده اند. تلاش های او در دفاع از حقوق ضایع شده سرخپوستان و سیاه پوستان امریکا در کتاب ها و نوشته هایش بسیار به چشم می خورد.

ادامه دارد...

نگاهی به آثار برگزیده در دومین جشنواره شعر نیمایی ققنوس

## شب نیما، شب ققنوس دوم



بی «غزل» می لرزد  
بی غزل زندگی ما آخر،  
چه قدر می ارزد  
\*\*\*  
بدو شهلا، شهلا  
بدو مگذار غزل را ببرند

۷۹/۸/۱۹ - ورامین

شب عروسی دخترم

### مادر بزرگ

اثر ساغر شفیعی



خانم ساغر شفیعی ستایش شده در دومین جشنواره شعر نیمایی ققنوس

مادر بزرگ پیر  
با پشت خم، حیاط در اندشت خانه را  
با عشق شسته است  
قالیچه پهن کرده سراسر به روی تخت.  
یک جعبه نان برنجی و یک ظرف پر تقال  
بشقاب های چینی گل سرخی آن طرف  
بر ظرف شله زرد  
با دارچین و پسته دعایی نوشته است  
قدری حنا به گیسوی خود بسته روز پیش  
چشم انتظار آمدن کودکان خویش  
مادر بزرگ پیر، با بادزن  
حریم هوسناک سفره را  
از حمله سپاه مگس حفظ می کند  
\*\*\*

یک باره زنگ در!  
چادر نماز بر سر پیر خمیده پشت...  
دمپایی اش به روی زمین سینه می کشد  
در باز می کند  
چشمش به دست نامهربان خیره می شود  
- لبخند بر چروک لبش خشک مانده است -  
یک نامه معذرت  
یک نامه جای آن همه حرف و حدیث ها  
یک نامه جای بانگ و هیاهوی بچه ها  
یک نامه نه، کشیده سردی به گوش خواب...  
تا غربت غروب  
مادر بزرگ پیر و چشمان بی فروغ  
سرگرم چرخ دادن تسبیح و ورد و ذکر  
- بی اعتنا به رقص مگس -  
بر بساط بزم



به!... چه برفی!  
برف، این برف روشن  
بر لب پنجره می نشیند  
مثل یک حرف روشن  
\*  
گاه یک حرف روشن  
بهتر از دفتری  
شعرهای مه آلود!

### سنگباران

در این سنگباران  
حسین به منصور حلاج، آن روبرو ایستاده است  
در این سنگباران  
به همدستانانی  
کلوخی بینداز، شبلی!  
مکن کار بر خویشتن سخت!  
... که از محتسب، جان به در بردن امروز  
کاری نه ساده است  
حسین به منصور حلاج  
آن روبرو ایستاده ست!...

### درخت

اثر عباس چشامی - نفر دوم جشنواره ققنوس  
غبار غمزدگی را تکانده از سر و زلف  
و سربلند  
از امتحان زمستانی آمده بیرون  
درخت با همه می گوید:  
که در خیال زمستان اگر زمین گیرید  
چه سخت می گیرید  
و من  
به این بهانه نشینان آشنا - دل و شعر -  
نگاه می دوزم  
که:  
هیچ آیا،  
درس از درخت می گیرید؟

### شب هجران

اثر برگزیده حسن فرازند - نفر دوم جشنواره ققنوس  
بدو شهلا، شهلا  
قطع کن از دم  
ریسه های دم در را  
و چراغان لب پنجره ها را  
و به ارکستر بگو  
نژند این همه جاز، این همه ساز  
همه را بیرون کن  
بدو شهلا، فکری کن  
همه هستی مان  
همه شادی و سرمستی مان  
دارد امشب  
می رود از کف  
بدو، مگذار «غزل» را ببرند  
و به داماد بگو،  
دست خالی برو، بوق زنان  
من پشیمان شده ام، تاب ندارم  
و سرانگشتانم، زانویم



همانطور که در اخبار جراید و برخی نشریات آمده بود، مراسم پایانی دومین جشنواره شعر نیمایی ققنوس، از سوی انجمن شاعران ایران شامگاه پنجشنبه هفته پیش (۲۵ آبان) در خانه هنرمندان ایران برگزار شد و طی آن برگزیدگان این جشنواره نوپای شعر کشور مشخص و اعلام شد.

برای اساس رای هیات داوران، هیچ شاعری در این جشنواره موفق به کسب رتبه اول در شعر نیمایی نشد و مقام دوم نیز مشترکا به حسن فرازند و عباس چشامی رسید و زهرا حیدری از رشت نیز با ارائه شعرهای کوتاه نیمایی اش به این جشنواره موفق به دریافت مقام سوم شد و خانم دکتر نرگس گنجی از اصفهان و ساغر شفیعی از تهران نیز از ستایش شدگان این جشنواره بودند.

در این جشنواره همچنین از «منصور اوجی» شاعر توانای نیما سرای شیرازی به عنوان یکی از پیش کسوتان و تلاشگران عرضه نسل دوم شعر نیمایی قدردانی به عمل آمد و از آثار و تلاش ها و وفاداری اش به ارزش های والای قالب های شعر نیمایی تجلیل شد.

در این فرصت چند شعر انتخاب شده از شاعران برگزیده این جشنواره را با هم مرور می کنیم.

چند شعر کوتاه از زهرا حیدری - رشت نفر سوم جشنواره ققنوس  
در خیال زندگی شناوری  
ناگهان اگر...  
مرگ را به جامی آوری؟!

\*  
ای خدایی که بال بخشیدی  
اشتیاق پرنده را کم کن  
یا کمی آسمان فراهم کن  
\*  
گرچه آرزوی بال می کنیم  
آسمان کجاست  
ما فقط خیال می کنیم  
\*

طاووس هم باشی  
کارت می انجامد به رنگ و حوض نقاشی  
دنیا نمی خواهد خودت باشی  
\*  
دستمان هر چند کوتاه است  
حوض فهمیده است  
حقمان ماه است.  
\*

گرچه دنیا گرم سرکوب است  
سنگ هم باشی  
زندگی خوب است  
\*  
تا کبوترها نمی دانند  
دانه ها دامند  
آسمانهایی سرانجامند

### برف

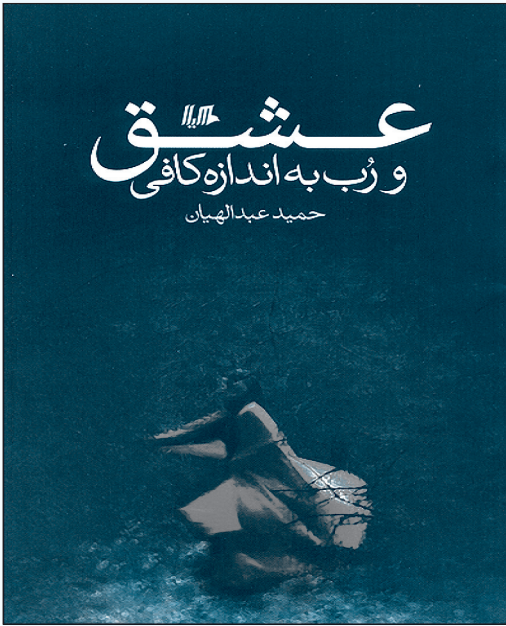
اثر نرگس گنجی - ستایش شده در جشنواره ققنوس





### رونمایی از یک کتاب

در روزی پاییزی از روزهای هفته کتاب و کتابخوانی، مراسم رونمایی از کتاب «عشق و رُب به اندازه کافی» نوشته دکتر حمید عبدالهیان در خانه شاعران ایران برگزار شد. این مجموعه داستان به تازگی از سوی انتشارات هیلا چاپ و روانه بازار شده است. در این مراسم که با حضور دانشجویان ادبیات داستانی و دیگر علاقه‌مندان برگزار شد، دکتر مسعود جعفری، بلقیس سلیمانی، جواد پویان و رضیه انصاری در بارهٔ این کتاب سخن گفتند. در ابتدای نشست، جواد پویان خلاصه‌ای از داستان‌های مجموعه ارائه کرد و با تفکیک مرزبندی رئال اجتماعی و رئال داستانی، نوع رئالیسم این داستان‌ها را رویکردی تازه دانست. پویان با ارزیابی تفنن‌های زبانی، این مجموعه را قابل تقدیر خواند. رضیه انصاری، سخنران دوم این مراسم، بر جفافادگی تکنیک‌های ادبی تأکید کرد. انصاری تکنیک‌های به کار رفته در داستان‌ها را متنوع و پر خاسته از فرم داستان دانست و عنوان کرد که کاربرد نثری قابل انعطاف در این داستان‌ها قابل ستایش است. انصاری بر تنوع تکنیکی داستان‌ها تأکید کرد و داستان «تسلیت» را یک داستان موفق در قالب سبک و سیاق هم‌نگوی دانست که بدون درگیری تکنیکی یا کار زبانی به سادگی و استحکام داستانی اقناع کننده شده است. انصاری تعدادی از سنت‌شکنی‌های ادبی مجموعه را برشمرد و در مجموع آنها را قانع‌کننده دانست. وی دقت در توصیف‌ها و ایجاز در کلام را بجا و سنجیده به حساب آورد؛ به‌گونه‌ای که در داستان چیزی زائد نمی نماید و خواننده دچار مکث و سکنه نمی شود.



دکتر مسعود جعفری ضمن اشاره به سابقهٔ آشنایی خود با نویسنده کتاب، به بیان نگاهی کلی بر وضع شعر و داستان معاصر ایران پرداخت. او ضمن تفکیک بین داستان و تکنیک‌های داستانی، آسیب‌شناسی داستان معاصر را مد نظر قرار داد. از نظر وی داستان در درجه اول باید داستان باشد و بعد از تکنیک‌های ادبی به عنوان ابزاری برای زیباتر شدن یا رسا شدن آن استفاده شود. داستانی که داستان نباشد و «نفس‌قصه» در آن وجود نداشته باشد، با وجود تفنن‌های ادبی هم داستان نخواهد شد و در این صورت داستان هم مثل شعر دچار بحران خواهد شد.

بلقیس سلیمانی، آخرین سخنران این جلسه، به تفصیل به بررسی مجموعه پرداخت. وی در درجه اول بر پاکی و یکدستی نثر مجموعه تأکید کرد. نثری که از آثار کهن ادبیات فارسی وام گرفته است و در جاهایی سعی می کند که به واژه‌سازی بپردازد و به غنای زبان فارسی کمک کند. سلیمانی همچنین بر جامعه‌شناسی داستان تأکید کرد و نوع نگاه به مشکلات جامعه را بر خاسته از یک جهان بینی دانست.

وی داستان «آن گوشه تاریک پستوها» را مثالی برای داستانی مدرن با نوع نگاه فلسفی خواند که در قالب سنتی داستان روستایی ایران نوشت شده است. یاد در داستان «ب مثل بلکه» جابه جایی بین شهر و روستا و نقل بین این دو فضا را موفقیت آمیز دانست. البته نوع نگاه به روستا راها از قید زمان یا دوره ای خاص تلقی کرد. اسامی شخصیت‌ها را تیبیک معرفی کرد و با حال و هوای کنونی جامعه‌های روستایی متفاوت دانست.

داستان «مسافر تخت آخر» را دارای سوژه ای تازه و بکر و نوعی نگاه تازه دانست و ضمن مقایسهٔ داستان‌های این مجموعه با داستان‌های آ.هنری گفت: پایان‌بندی اکثر داستان‌ها ناگهانی و غافلگیر کننده است. او محور ارتباطی بین داستان‌ها را دور از دسترس عنوان کرد.

در پایان جلسه، عبدالهیان از حاضران و سخنرانان تشکر کرد و بر آشنایی‌اش با جامعه روستایی ایران تأکید کرد. وی بین دو مقوله تحقیق ادبی و آفرینش ادبی تمایز قائل شد و گفت که از مدت‌ها پیش قصد داشته تا مجموعه داستانی منتشر کند که به دلایل مختلف به تعویق افتاده بود تا بالاخره در این شرایط انجام شده است. وی به تصویر کشیدن جامعه و کمک به غنای زبان را دو رسالت مهم یک نویسنده دانست.



محسن احمدوندی

شعر، بیان تجربه‌ای است. تجربه‌ای که یک شاعر در برخورد با جهان بیرون یا درون کسب می کند. شاعر موفق کسی است که بتواند این تجربه را به‌بهترین نحو بیان کند و زمینهٔ انتقال آن را به خوانندهٔ شعر فراهم آورد. شاعر برای بیان این تجربه، وسیله‌ای جز زبان را در اختیار ندارد. زبان چه بسا به شاعر خیانت کند و او را به راهی بیرد که نخواست باشد؛ یعنی رمزگان زبانی در ترکیب با هم به گونه‌ای عمل کنند که چیزی غیر از آنچه که خواست شاعر است، بر صفحهٔ کاغذ رقم بخورد. این مسأله در رابطه با خواننده و مخاطب شعر نیز صادق است و ای بسا خوانندهٔ یک شعر بر اساس ذهنیت خود و امکاناتی که فرهنگ و جامعه‌اش در اختیار او می نه‌د، به تأویلی دست یابد که به کلی با قصد و نیت شاعر متفاوت باشد.

به همین دلیل در نقد امروز سخن از تعدد تأویلی‌ها امری عادی و پذیرفته شده است و نقد ادبی امروز هیچ تأویلی را از یک متن بر تأویلی‌های دیگر رجحان و برتری نمی نه‌د، تا آنجا که قصد و برداشت شاعر از شعر خودش را نیز می توان تنها به عنوان یکی از تأویل‌های ممکن و متعدد از یک شعر برشمرد، نه چیزی بیشتر.

خواستش شعر در نقد جدید، گفت و گو و دیالوگی است دو سوبه بین خواننده و متن. البته باید به این نکته توجه داشت که هر تأویلی باید بر اساس ظرفیت‌ها و امکاناتی باشد که یک متن در اختیار خواننده قرار می دهد. هر تأویلی باید قدرت انطباق با نشانه‌های زبانی متن را داشته و با آنها در تناقض و تضاد نباشد.

\*\*\*

با بیان این مقدمات به سراغ خوانش یک شعر از «حسام‌الدین مهدوی» می رویم. آنچه در ادامه نوشته می شود، تأویل نگارنده از این شعر و سیر دست‌یابی به این تأویل بر اساس نشانه‌های زبانی است.

«ما رو به‌روی هم نشسته بودیم

و لیوانی بین ما

زمین را به دو جهان تقسیم می کرد

من در نیمهٔ پر غرق شده بودم

تو در نیمهٔ خالی

و تشنگی تنها حرف مشترکمان بود.»

شعری که خواندیم، شعری است آزاد که در شش مصراع سروده شده است. شعر دارای ساختاری روایی، با آغاز، میانه و پایان‌بندی مناسب است. ایجاز شعر و دقت در انتخاب واژگان حاکی از آن است که شاعر این شعر، سال‌ها قلم فرسایی کرده تا به این مهم دست یافته است.

ترکیب نحوی کلام عادی و طبیعی است و این نوع ترکیب از یک سو مانع ابهام در فهم شعر می شود و از سوی دیگر موسیقی خاصی در کلام ایجاد می کند. همچنین شعر با زبانی ساده و واژگانی معمولی و به دور هر گونه تکلف و تصنع سروده شده و شعری است مبتنی بر بیان عادی (poetry of statement). شعر نه آن اندازه بلند است که خواننده را خسته کند و نه آنقدر کوتاه که فرصت لذت بردن و درگیر شدن با متن را از او را بگیرد. سخن از نشستن دو نفر رو به روی هم است که دچار نوعی مرزکشی و تقسیم‌بندی می شوند و هر کدام به دنیایی متفاوت تعلق می یابند. دو شخص با دو دنیای متفاوت که تنها حرف مشترکشان تشنگی است.

این ظاهر سخن است، اما نگارنده در مواجهه با متن، در پی کشف رمزها و کدهایی است که او را به فراسوی واژگان بکشاند و معنی یا معانی پنهان آن را کشف کند و در تجربهٔ این شعر سهیم گردد.

شعر باضمیر جمع «ما» آغاز می شود که حاکی از نوعی اتحاد و یکپارچگی بین شخصیت‌هایی است که در شعر حاضرند و در ادامه از هم جدا می شوند: «ما رو به روی هم نشسته بودیم». در این مصراع همه چیز در آرامش و صلح و صفا و بدون هیچ مرزبندی بی تصویر شده است. ضمیر «ما» در مصراع دوم نیز که هنوز تفاوت‌ها بر جسته نشده و اختلاف‌ها پیش نیامده، تکرار شده است: «ولیوانی بین ما». حرف ربط «و» در آغاز مصراع دوم، پیوند این مصراع با مصراع اول را، هم از لحاظ ظاهری و هم از لحاظ معنایی تأیید می کند.

در این مصراع با واژهٔ «لیوان» برخورد می‌کنیم: یک شیء که در این مصراع، فال‌از ابیات دیگر، بسیار سطحی و دم‌دستی به‌نظر می‌رسد، اما در ابیات بعد، علت انتخاب این واژه که بسیار دقیق، مبتکرانه و بجاست، برای خوانندهٔ شعر روشن می شود.

در اینجا این سؤال برای مخاطب پیش می آید که لیوان نماد چیست و کارکرد آن در این شعر چه می باشد؟ برای کشف این معنای پنهان، باید ادامهٔ شعر را خواند. این لیوان یک لیوان معمولی نیست، بلکه لیوانی است که زمین را به دو جهان تقسیم کرده. جهانی که در عین این که جهان هستند، دو نیمهٔ لیوان ذکر شده نیز هستند. دو جهان یا دو نیمهٔ لیوانی که شاعر و مخاطبش – که با لفظ «تو» از او یاد می کند – در آن غرق شده اند.

شاعر در نیمهٔ پر و مخاطب شاعر در نیمهٔ خالی این لیوان یا این جهان. این همانی و یگانگی بین دو نیمهٔ این لیوان و دو جهانی که شاعر و مخاطبش به آن تعلق دارند، به نوبهٔ خود نشان از حلول شاعر در هستی و یکی شدن او با اشیاء است؛ به گونه ای که او تمام اجزای هستی را در بافتی پیوسته و منسجم می بیند، تا آنجا که قادر به تمایز بین لیوان و جهان نیست. این نکته بر دریافت‌های مادر مصراع‌های پیشین مبنی بر تمامیت و وحدت حاکم بر دنیای شعر صحه می گذارد.

همان گونه که گفته شد، یکی از نقش‌ها و کارکردهای این

بازخوانی شعری از حسام الدین مهدوی (۱)

# و تشنگی تنها حرف

# مشترک‌مان بود

(از نشانه تا تأویل)

شخصی پیوستهٔ «مان» در واژهٔ «مشترکمان» می توان دید. در این مصراع، تفاسوت هارفع می شود و تمایزها بر می خیزد، و «من» و «تو» دوباره به «ما» تبدیل می شوند. گویی سیر روایت از اتحاد و یکپارچگی آغاز می شود، بین شخصیت‌ها تفاوت‌ها و تفرقه‌هایی ایجاد می شود و در پایان، دوباره به وحدت و یکپارچگی این عناصر منتهی می شود. البته وحدت و یکپارچگی پایانی با آنچه در آغاز بوده کاملاً متفاوت است.

وحدت آغازین در محیطی ساکن و ساکت و ناشی از عدم آگاهی اتفاق می‌افتد: در حالی که در پایان شعر، این پیوند اتحاد برخاسته از آگاهی بی تلخ و دردناک است. گویی این شعر تمام سرنوشت بشر و داستان آفرینش او را به تصویر کشیده است. آفرینشی که با وحدت نوع بشر آغاز می شود، در آغاز همه چیز در سکون و سکوت و صلح و صفا جریان دارد: «منبسط بودیم و یک گوهر همه ابی سر و بی پائیدیم آن سر همه». شش مصراع شعر اشاره ای است به شش روز آفرینش: «ان ربکم الذی خلق السماوات و الارض فی سته ایام» (اعراف: ۵۴ – یونس: ۳).

انسان‌ها در طول حیات خود به واسطهٔ تفاوت در نگرش‌هایشان متمایز می شوند. بشر بنا به سرشت خود، همیشه تشنه است و تشنگی تنها عاملی است که همهٔ انسان‌ها در آن مشترکند. بشر تشنه است، تشنهٔ هر آنچه که عطش او را فرو بنشاند. خواه رفغ این عطش به واسطهٔ امور مادی باشد، خواه معنوی؛ خواه به وسیلهٔ امور نیک و پاک و والا باشد، خواه امور زشت و پست و پلید و پلشت.

نقطهٔ اشتراک نوع بشر عطش است: عطشی که همیشه ملازم او بوده و عامل کشش و کوشش او به سوی «سراب‌ها» یا «سر آب‌ها» گشته است. انسان مختار است تا مسیر و عوامل رفغ این تشنگی را برگزیند و خواجهٔ شیراز چه زیبا به این نکته اشاره کرده است: آنجا که می گوید:

دور است سر آب از این بادیه هشدار

تا غنول بیابان نفریبد به سرابت

پی نوشت:

۱-از این شاعر تاکنون کتاب‌های زیر منتشر شده است:

– مجموعه شعر «پایاک ۶۴»، نشر یانوس، ۱۳۸۷

– مجموعه شعر «باید برای زمین متر سکی می ساختم»، نشر داستان سرا، ۱۳۸۹

– پژوهشی در باره کتیبه بیستون با عنوان «بیستون یادگار کهن»، نشر ابریشمی، ۱۳۹۰

منابع:

– احمدی، بابک (۱۳۷۲)، ساختار و تأویل متن؛ جلد اول؛

چاپ دوم؛ تهران: مرکز

– پاینده، حسین (۱۳۸۵)، نقد ادبی و دموکراسی؛ چاپ اول؛

تهران: نیلوفر

– پورنامداریان، تقی (۱۳۸۱) سفر در مه؛ چاپ اول؛ تهران: نگاه

– یونگ، کارل گوستاو (۱۳۷۷) انسان و سمبول ۶-هایش، تر

جمه محمود سلطانیه، چاپ اول، تهران: جامی

– یونگ، کارل گوستاو (۱۳۸۱) انسان امروزی در جستجوی روح خود، ترجمه ی فریدون فرامرزی و لیلا فرامرزی؛ چاپ اول، مشهد: به نشر

هنرمند	
<b>مادر</b>	
<b>مینا میرزا آقا</b>	
<span></span>	صبح ها
	پنجره را باز نمی کند
	عصرها
	در خانه راه نمی رود
	ظهِرها
	میز را نمی چیند
	غروب ها
	تلویزیون نمی بیند
	شب که می شود اما،
	پاورچین پاورچین
	به خواب هایمان می خزد،
	مادرا!

### عقربه های ساعت

(۱)

مانند عقربه های ساعت

آسیاها در باد می چرخند

می چرخند و

خُرد می کنند

مانند عقربه های ساعت.

(۲)

با عقربه ها جنگیدیم

مانند دُن کیشوت

با آسیاب بادی!

(۳)

اقیانوسی بود رؤیای ما

غرق در آن شدید و

امواج

چیزی جز جسد‌های باد کرده

به ساحل نیاورد.



# جوان، پشت بازو و باجه تلفن!



رضا رفیع

## پرواز بلیت هواپیماش!

جهل مرکب هم بدچیزی است. خدا کند کسی ابدالدر در آن نماند. بماند، مانده است دیگر. این که آدم همین خیال کند که فقط خود هواپیما می پرد و بلیت آن نمی پرد، این یک سفسطه آشکار است که در عهد سفسطانیان هم نظیر نداشته است. ربطی هم ندارد به این که در آن دوره هواپیما وجود داشته یا که با خر می پریده اند؛ این هم خودش باز یک سفسطه غیر مجاز دیگر است.

بلیت کاغذی محسوس که هیچ، حتی فکر و اندیشه نامحسوس هم پرواز می کند. خود عزیز ما سابق براین در ضمن یک شبیه طنز منظوم با این مطلع که: «دستی به زیر چانه و چشمی به دورها/سقراط تر ز فلسفیان و فکورها»، در بیت دوم و سومش به زیبایی تمام فرموده بودیم:

پرواز می دهم خرد خرد خویش را

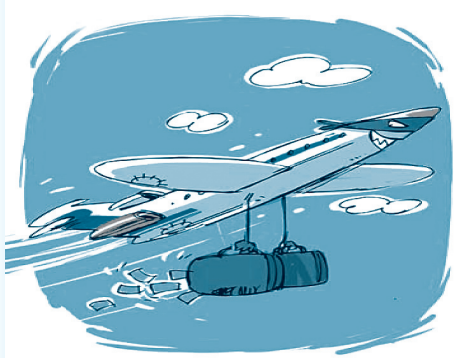
تا منتهی الیه خیالی دورها

تا چشم کار می کند آجر فقط بود

آجر شده ست نان اهالی نورا...!

فلذا خوب است که یک فرد جاهل به موضوع، هرچه زودتر از نادانی خود در آید و دریابد که علاوه بر هواپیما، بلیت آن نیز اگر مجال بیابد و برج مراقبت دولت به آن اجازه دهد؛ در ارتفاع چند هزار ریال از سطح قیمت قبلی به پرواز در می آید. منتهی نه که برخلاف پرواز هواپیمای غول پیکر، بلیت نازک و لطیف آن همیشه خیلی آهسته و یواش پرواز می کرده است، کمتر کسی متوجه اصل پرواز آن می شده است. اما الآن به لطف دولت مهرورز، این امکان برای اقشار مختلف مردم به وجود آمده تا به خوبی پرواز بلیت هواپیما را هم حس کنند.

**پرواز جدید:** در همین راستا رئیس سازمان هواپیمایی کشوری ضمن تأیید شفاف افزایش ۶۵ تا ۷۰ درصدی قیمت بلیت هواپیما در پروازهای داخلی، با استدلالی محکم و محکمه پسند اعلام



کرد: این افزایش قیمت به دلیل بالا رفتن نرخ سوخت، توسط شورای عالی هواپیمایی به تصویب رسیده است. از آنجا که ممکن است بعضی از مردم نگران باشند که مبادا خدای نکرده این افزایش قیمت، جنبه قانونی نداشته باشد، در ادامه برای رفع هرگونه نگرانی در این خصوص، اطمینان خاطر داده شده است که این افزایش قیمت بلیت هواپیما تمامی مراحل قانونی لازم را طی کرده و در حقیقت پیشنهاد وزارت راه و شهرسازی بوده که هم اکنون محقق شده است.

— آخیش ش ش ش..... خیالم راحت شد! (این را یکی از اهالی زیر خط فقر که به یک آژانس هواپیمایی مراجعه کرده، اما با در بسته مواجه شده بود، به خبرنگار ما گفت و سپس به سمت ترمینال جنوب حرکت کرد.)

**با عذرخواهی از سعدی:**

طیران air دیدی، تو ز پایبند قیمت

به در ای تا ببینی طیران قیمتش را  
**دو تماس مردمی:** داشتیم عراض خود را در راستای افزایش نرخ بلیت هواپیما و ج می دادیم که از اتاق فرمان اشاره کردند دو تا تماس مردمی داریم. پرسیدیم مطمئن هستید مردمی هستند؟ شماره های روی تلفن را نشانمان دادند، با اطمینان خاطر، گوشی را برداشتیم تا پاسخگو باشیم.

**تماس مردمی اول:** آقا سلام عرض شد. بنده یک راننده تاکسی هستم در خط انقلاب و آزادی. می خواستم یک کم راجع به این سیاست یک بام و دو هوا توضیح دهید. چرا وقتی ما یک چند تومانی به خاطر گران شدن سوخت به نرخ کرایه مان اضافه می کنیم، با واکنش منفی مردم و مسئولان مواجه می شویم؛ اما..... ببخشید، مثل این که پشت خطی دارم!

**تماس مردمی دوم:** من یک فیلسوف هستم. از میرداماد مزاحم می شوم. چرا هر قدر به همت مسئولان عزیز به قیمت بلیت هواپیما اضافه می شود، کماکان مشکل پیدا کردن بلیت مناسب وجود دارد؟ مگر نباید اثر عکس داشته باشد و بلیت بیشتر پیدا شود؟ یعنی ممکن است این شایعه درست بوده باشد که ملت خوشه بندی شدند تا خوشه اولی ها سوار اتوبوس شوند، خوشه دومی ها سوار قطار، و خوشه سوم می ها سوار هواپیما؟ خب خوشه سوم می ها هم که وضع مالیشان خوب است، همیشه مابه التفاوت نرخ بلیت هواپیما را با خوشه اولی ها و خوشه دوم می ها در هنگام ارائه خدمات و کالاشان حساب می کنند.

البته من خودم به این شایعات واهی گوش نمی دهم و همین دیروز سر رد علمی یکی از همین شایعات مزخرف، ناخواسته یک بادمجان زیر چشم همسایه بالایی مان — که حق شارژش هم عقب افتاده بود — کاشتم که البته همینجا از ایشان عذرخواهی می کنم. دعوا خوب نیست. گفتنمان و مناظره خوب است. البته بحث پول شارژ، گفتنمان حالیث نیست.



مهدی زارع  
مرو دشت فارس

دیدم حالا حالاها کارم نمی شود، وراجی ها تمامی نداشت، باز زدم بیرون و عاجز، دویسم این طرف و آن طرف، شاید راهی باز شود و کیوسکی پیدا ... که خدا خواسته، یکی از دوست هام را دیدم با موبایلی افقی، چسبیده به پهلوش.

پرسیدم جلو و بعد از کُلی تعارف و چاپلوسی، با یک لحن عامرانه و تقریبی التماس گونه، خواستم موبایلش را محبت کند تا یک زنگ کوچولو بزنم و ...

خونسرد نگاهم کرد و گفت: شرمند، شارژ نداره!

سرم گیج رفت و اشکم زد بیرون. هوا گرگ و میش شده بود. شروع کردم دویدن سمت جایی که خودم هم نمی دانستم. رسیدم به یک باجه، کارتی بود. دو می: گوشی نداشت. سو می: بوق بوق ... بوق جمع شده بودند یک ایل آدم برای زنگ زد. خواستم دوباره التماس کنم، که ماهیچه های یک فیگور سیست خورد به بازوم. زهره ام رفت و باز دویدم. داشت دیر می شد. ۱۰ دقیقه بیشتر وقت نداشتم.

شد ۹ دقیقه، ۸ دقیقه، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱. از دور یک باجه دیدم. سرعتم را زیاد کردم. ۳۰۰۰۰ چیزی نمانده بود. عرقم از پشت مو هام شُرّه کرده بود روی کمرم. همه برگشته بودند و داشتند نگاه می کردند بینند چه خیر است، و من بی اعتنا ... تا این که رسیدم. ۲۰ دقیقه ... ولی ...!

یکسوی صخره سنگی به بالای سر بُرد و تمام هنر کرد فاش یکی هم به افیون و تندیس سیخ پناهنده شد، هیکلش آش و لاش!

توی دوره بعد از دایناسورها، جوان های جویای نام و پهلوان صفت، عادت داشتند برای زور آزمایی، دور یک تکه سنگ بزرگ جمع شوند و قدر نشان را با بلند کردن سنگ، به رخ هم بکشند. و گاهی هم گشتی و غیره. آن وقت با موفقیت توی کارشان، فیگوری می گرفتند، ماهیچه ای می ریختند بیرون، سرکولی نشان می دادند و ...

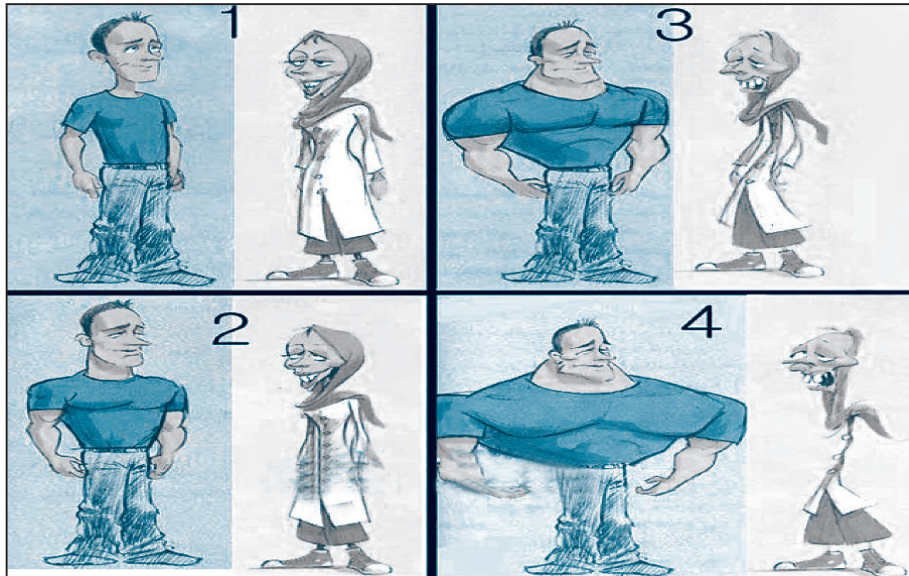
میان باجه، دو نفر بودند. یکی قُلچُمَاق و هیکلی، و دیگری رِقِیو و نی قلیانی. هیکلی دست هایش را گذاشت پشت گردن و زوری زد که بپوه همه چیزش زرتی زد بیرون! قلیانی هم فیگوری گرفت و تخم کبوتری روی بازو نشان داد. هیکلی، دست هایش را گذاشت روی پهلوی ها و دو تا قلیانی، دست هایش را گذاشت روی پهلوی ها و استخوان های کتف و بازویش ریخت بیرون. قُلچُمَاق، پنجه هایش را قفل کرد دور نرده باجه، زوری زد و آن را خم کرد.

قلیانی هم جو گیر شد، نگاهی به دور و بر انداخت و چون چیزی برای اعاده حیثیت ندید، یک دفعه دست کرد گوشی را گرفت، زوری زد و تا آمد به خودم بیایم، آن را غلغلی از ریشه کند.

نفس به یکباره توی سینه ام حبس شد و سَرم به چرخش افتاد. گوش هام شروع کردند جینگ کشیدن و بخار گرمی از دماغم زد بیرون. پاهایم قدرتش را از دست داد و آرام جنبه زدم روی زمین. نی قلیانی با حرکت شجاعانه ای که انجام داد، چرخشی توی گردنش انداخت و تَفَش را غلیظ، انداخت کف باجه که طرف مقابل لابد، فکر نکند کم آورده. و الحق هم نیاورده بود.

من را که با یک حرکت ناک اوت کرده بود، چه برسد به حریفش.

هوا تاریک شده بود و نسیم، شاعرانه به صورتم می خورد و موهای خیس از عرقم را آشفته می کرد!



می باشد، تریپ فیگور خیابانی است. به این معنی که یارو، چهار روز است می رود باشگاه، بعد چون می خواهد عقده کمبود توجه دیگران نسبت به خودش را تقویت کند، سعی می کند بدنش را با یک چیزی سریع تر بسازد و یک شبیه ره صد ساله ببیماید. این است که رو می آورد به اقسام و انواع بُف کننده ها. پهو می بینی همین یارو، یک ماه بیشتر نیست رفته باشگاه، سرش شده اندازه یک نخود و اندامش به هیبت ماموت های ماقبل تاریخ و تازه، از باشگاه که می رود خانه، مثل جت دوش می گیرد و ژل سی به مو می زند و یک زیر پیراهنی نازک که خودشان اسمش را گذاشته اند تک پوش و البته جسیبان، با عکس پسر خاله آری بوفالو و شُرّ کاء می پوشد و می زند بیرون. حالا این بماند، ... سلامش هم که می کنی، بیچاره نمی تواند برگردد و جوابت را بدهد، چون فیگورش به هم می ریزد و بادش فِس ... می خوابد.

و امّا لبّ کلام و ربط تمام حرف هام با هم:

هیچ می دانی که ربط یک سَراب باقتات و چشمه آباد چیست؟ در میان لفظ هردو، آب هست

لیکاین یک: آب دارد آن تهی است عصر بود. ساعت شش و این جورها ... ساعت هفت و نیم یک قرار کاری مهم داشتم که اگر نمی رفتم، وایلا. و البته مسأله ای پیش آمد که واقعا نمی توانستم بروم ... بماند چه کاری! تصمیم گرفتم زنگی بزنم و قرار را به روز دیگری موکول کنم. پس گوشی تلفن خانه را برداشتم و تا آمدم شماره بگیرم، یک خواهر متین از آن طرف تلفن گفت: مشترک گرامی، تلفن شما به علت بدهی ...

ناچار شدم شال و کلاه کنم و بزنم بیرون. به اولین کیوسک تلفنی که توی خیابان رسیدم، کارتی بود. صبر کردم یکی بیاید و کارتش را لطف کند، که نیامد.

باز راه افتادم سمت باجه بعدی. رسیدم و گوشی را برداشتم. تنها صدایی که از آن طرف گوشی آمد، این بود: خ خ خ خ خ خ! خراب بود. به باجه سوّم که رسیدم، هول هولکی دست کردم تا گوشی را بردارم. اما عجیب، دستم توی هوا، هیچی را نگرفت و پایین افتاد. سرم را بردم بغل تلفن و نگاه کردم به بند ناف آن. گوشی از بیخ کنده شده بود.

نیم ساعت گذشت. هنوز وقت داشتم. با خودم فکر کردم بهتر است بروم به یک مخبر اتسی، مطمئن تر است. و حرکت کردم. وقتی رسیدم و هُل خوردم داخل، توی نگاه ها میخکوب شدم. انگار صف نانوائی های شهر! شاید هم کوین گوشی تلفن اعلام کرده بودند! ناچار ایستادم به انتظار.

ماندم و همان روز دُخَلَش را آوردم. آخر آن وقت ها مثل حالا وفور تلفن نبود که! از هزار نفری، یکی پادشاه زاده می شد و تلفن می خرید. ترکاندن گوشی هم بر می گشت به توجّهی که به سفرهای گالیور داشتیم و پیدا کردن یک «لی لی پوتی». بعداً، اولین باری که گوشی تلفن یکی از دوستان عزیز را که هنوز هم گمانم توی قید حیات است، برداشتم و برای کاری شماره گرفتم؛ به محض این که طرف، گوشی را برداشت، پیش دستی کردم و گفتم: الو، بفرمایند ...!

گذشت و گذشت، تا این که روزی رسید که تلفن از رایج ترین و متداول ترین ابزار هر خانه ای شد. از ابتدای ترین تا پیشرفته ترین. اینجا بود که بر اساس منطق، این جانب از تلفن بیزار شدم. چون همه چیز داشت، الا حقیقت!

**سکانس دوم:**

**مثل یک قورباغه هیکل کرده:** توپ پشت بازو، زیر بغل، آورده: توپ این جوانک را نمی دانی کی است؟ — از رفیقان گوریل انگوری است!

سلام قربان. لطفاً میشه خودتون رو معرفی کنین و بگین چند ساله به رشته پُر طرفدار فیگور، اشتغال دارین؟

... دوربین مخفی؟ ... خب، فرقی هم نمی کنه! سلام عرض می کنم خدمت همه شما هم فیگور سیست های عزیز خودم. آرنولد شوارتزینگر هستم، معروف به آری بوفالو، و از بیجگی تا حالا، دارم زور می زنم!

بچه که بودیم و هنوز هم هستیم، عاشق دیدن فیلم های راک، رمبو، جان کلود، آرنولد و پسر خاله های قورباغه اندام بودیم. حال می کردیم از ماهیچه های وَر قلمبیده، پف کرده و طبقه طبقه ای که با یک زور می ریخت بیرون! و خردمان هم بگویی نگویی، شیطنتی می کردم و زوری می زدیم و جلوی آینه فیگوری می گرفتیم. ای دل غافل، هیچی توی این دنیای خدا نشدیم. تیسک (یک پرندۀ رِقِیو)، پیشمان لنگ می اندازد و حتی امروز هم با دیدن یک هیکل توپ و ای

والاهی، تنه می زنیم به بغل دستی، که: هیکلو ... چی ساخته بی وجدان!

توی مملکت ما و در حال حاضر هم، البته و صد البته، همه جور از این قُمّاش آدم ها پیدا می شود که یک نمونه اش متأسفانه رو به انقراض است و کاش خودشان حمایت بیشتری از خودشان می کردند: «پهلوان ها». نمونه دیگرش آنهایی هستند که بیشتر به فکر خودشان هستند و سلامتی و مدال و کسب قهرمانی و غیره و به خصوص «غیره!» و امانوع سوم که نادرترین نوع های این رشته بوده و کمابیش در اکثر نقاط در حال رشد و نمو

— الو ... آمَلِیکُم ... قربون آقو ... جونم، ها ...؟ ... چیطو؟ چرا؟ نه ... می دونم، مهمه؟ خیلی خب، بنال ...! بگو دیگه ... الو ... الو ... الووووو ... تاپ!

اشاره:

انسان از قدیم الاتّام، یعنی از دوره بوق تا یک زمان خاص که منجر به اختراع یک پدیده عجیب و غریب شد، همیشه دنبال این بود که چطور از حال و هوای قوم و خویش خودش که آن طرف دنیا (مثلاً تهران) زندگی می کند، با اطلاع شود. تا این که بالاخره خدای خوب، پسر خاله ای بهمان داد که اسمش را گذاشتیم اسکندر.

اسکندر گرامی فر، که یک زمانی که بزرگتر ها برای ترساندن ما می گفتند بچه دزد آمده، توی یک بعد از ظهر گرم تابستان، از خانه آمد بیرون و دیگر بر نگشت.

چند سال بعد، یکپهو به گوشمان رسید که سر و کله اسکندر را یک جایی توی خارجه به نام اروپا پیدا کرده اند که با یک اسم جعلی هم بوده: الکساندر گراهام بل! و خودش هم زیر بار نرفته بود که ایرانی هست و می گفته مال همان شهر یا محله اروپاست. به همین خاطر هم پیش ما بد نام شد و آقای بابائیم، عاقش کرد و از قوم و خویش طرد شد.

این گذشت و گذشت، تا این که سال ها سال بعد از مُردن پسر خاله اسکندر، اجنبی ها راضی شدند یک خط از چیزی که گرامی جان اختراع کرده بود، بفرستند ایران و ما هم تیلیفون دار بشویم. البته این را هم بگویم که اول قرار بود آن خط را بیاورند شیراز و از اینجا به سایر جاها، مخصوصاً مرو دشت و حومه. ولی چون آن موقع هنوز مرو دشت مثل الآن نشده بود، بردند یک جایی به اسم: طهران. تا این که بخت یاری کرد و ...

انگاری اشاره ام زیاد تر از چیزی که بخو اهم، شد و اگر ادامه بدهم، همه داستان می شود اشاره و اشغالی پشت گوشی تلفن! پس، بهتر است برویم سر اصل مطلب.

**سکانس اول:**

تلفن، همیشه برّایم از شگفت انگیز ترین سازه های دست بشر بود و همیشه هم دوست داشتم علت کار کردنش را بدانم. طوری که از بیجگی تا بعد هاش، چند تا تلفن خراب کردم تا لااقل آدم کوچولوی خبرچینش را پیدا کنم. ولی جز چند رشته سیم، چیزی دستگیرم نشد.

علاقه من به تلفن، بر می گردد به دوران نیم و جیبی و کنجکاوی ام. یاد می آید اولین باری که گوشم را سپردم به گوشی تلفن و حرف صدای طرف مقابل را شنیدم، مات و مبهوت به گوشی خیره



